

چهره نزدیک به رییس دولت نهم و دهم دیدار احمدی نژاد با رهبری را تکذیب کرد

حرکات رونالدینیوی احمدی نژاد



جامعه

بیا بید مجانی سوار نشویم!

از زلمان بالا گرفتن تب ماجرای ویروس کووید ۱۹ تا به امروز که نزدیک به ۶ ماه می گذرد، خیلی ها هشدار داده اند که ماسک ها و دستکش های به مصرف رسیده، باید در کیسه های سر بسته جای بگیرند. اما متأسفانه هنوز اگر اندکی ز سرمان بالا بریم، این سوئان سوپر دانیم، دستکش های افتاده بر زمین یا ماسک های آویزان بر لبه سطل زباله ها گهگاه وجود آدمی را از راهمه می انبارد! اینکه چرا برخی با اینکه خبر دارند این بی بمالاتی ها نه فقط کار کتان محترم شهرداری که برای خیلی ها خطر خیز است و باز هم از **ادامه در صفحه ۲۳** بی اعتنائی شان به تندرستی اطرافیان شان دست نمی کشند، دودلیل بزرگ دارد: نخست اینکه انسان را بیشتر اوقات موجودی اقتصادی دانستند.

اقتصاد

شمارش معکوس برای زمین

کشور ما بیش از یک قرن است که با استفاده از عایدات موهبتی به نام نفت اداره می شود؛ در واقع نفت و گاز هدیه ای خدادادی برای ملت ما بود تا به لطف قدرت اقتصادی حاصل از فروش آن همواره جایگاه مهمی در اقتصاد جهانی داشته باشد. استفاده مستقیم یا غیر مستقیم از این منابع در ایجاد رفاه و آفرودن به تولید ناخالص داخلی برای ما حیاتی است و به گفته دیگر خون درون رگ های اقتصاد ایران به حساب می آید. همه دولت ها شعار قطع وابستگی از نفت و اقتصاد **ادامه در صفحه ۲۶** نفتی را می دهند! اما در عمل چشم بستن بر ثروت گنگفتی که حاصل از مجاورت با این ماشین پولسازی است همتی بلندتر از تبلیغات سیاسی می طلبد.

دولت از همسان سازی حقوق بازنشستگان کشوری در مهر ماه خبر داد

سوال از روحانی با ۱۹۶ امضا تقدیم هیات رییسه مجلس شد

یک گام تا احضار رییس جمهوری

هزینه های سرانه ناشی از کرونا یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان

کرونا همچنان هموطنان مان را به مسلخ می برد

«اعتماد» از تایید حکم اعدام سه جوان معترض تا مطالبه «اعدام نکنید» مردم گزارش می دهد

دست برد بر سینه بیگانه

مهدي نصيري
 @Mnasiri1342
 هارون پیامبر ع در برابر گوساله پرستی بنی اسرائیل کوتاه آمد تا امت برادرش موسی ع دچار تفرقه و فروپاشی نشود. با پرهیز از دوقطبی سازیهای زیانبار به اسم دین و انقلاب طمع دشمنان پستی چون ترامپ و نتانیاهو را نسبت به امنیت ایران اسلامی ناکام بگذاریم.
#حکمرانی_دینی

ابیطحی
 Mohamad Ali Abtahi
 @abtahi_m
 آقای ترامپ، **#اعدام_نکنید** یک امر داخلی ما است. به شما هیچ ربطی ندارد. دخالت شما در این مورد، علاقه شما به اعدام اینها را نشان می دهد. صف مخالفان اعدام این سه نفر که عمده آنها ایرانی هستند و زیر فشار تحریم شما کمرشان خم شده، از صف شما جداست.

ابراهیم اصغرزاده
 @e_asgharzadeh
 من ابراهیم اصغرزاده **#زیات_نیستیم** شما پروپاگاندا ی اعدام نکنید **#ترامپ**، که از حیث ضدیت با حقوق بشر فردی شناخته شده است یا پارازیت چند ریات را بهانه نیاورید، به وجدان ملتی گوش فرا دهید که یکصدا از شما میخواهند **#اعدام_نکنید** لاقال تجدید نظر دادرسی مجدد با رعایت کامل قانون، بصورت علنی

Mahsa Amrabad
 @mahsamsrabad
 ترامپ موافق اعدام نبود؟ اینم طنز روزگارست رییس جمهور کشوری که سر بسته نقض حقوق بشر و آغاز جنگ های بسیار است، هفته ها معترضین را با بدترین برخورد ها سرکوب کرد و از طرفداران پر و پاقرص اعدام است؛ هشتک **#اعدام_نکنید** برند. در صورتی که می داند با این کار چقدر خطر اعدام را بیشتر می کند

بسیاری از شخصیت ها و مردم در توییت های خود تله بدخواهان و براندازان را افشا کردند

به خشم برسانند؟ این حوادث چه سهم القدر و نقشی در بازی قدرت و رقابت های نامریی مدعیان قدرت دارد؟ و...» برای پاسخ به این پرسش ها و جلوگیری از هادیان و کاربران جریان طرفدار اجرای حکم اعدام، فرصت را برای دوخت و دوز شهروندان ایرانی نگران با امریکا و اسرائیل و مجاهدین خلق، مناسب دیدند و به بهانه حمایت امریکا و اسرائیل و براندازان از این کنش توده های اجتماعی ایران، آنها را پیاده نظام و کیف کش و وابسته و ربات معرفی کردند. همین واکنش منجر به تشدید فضای دوقطبی موجود میان طرفداران و منتقدان سیاست های کلی کشور شد. اما پرسش اصلی این است: «علت اصلی ورود رهبر امریکا، رژیم صهیونیستی و جریان های برانداز به این ماجرا چیست؟ چه کسانی از رادیکالیزه شدن سپهر سیاسی ایران نفع می برند؟ چه جریان هایی تلاش دارند تا با هر لطایف الحیلی، فضای روحی راوانی جامعه ایران را

تجس خود را داخل دیگ آتش ملت ایران نیندازد.» اما به رغم مرزبندی جامعه مدنی ایران با براندازان، اجرای این احکام قرار گرفته است. پیامی که شهروندان با هشتک **#اعدام_نکنید** در فضای مجازی به دستگاه قضایی ارسال کردند یا ورود دونالد ترامپ، بنیامین نتانیاهو، سعودی ها و جریان های برانداز و انتشار توییت های فارسی و بهره گیری از هشتک ترند شده، واکنش های متفاوتی را به دنبال داشت. کاربران شبکه های مجازی که پیش از این با انتشار دیدگاه های خود در فضای مجازی خواستار اعمال ماده ۴۷۷ و جلوگیری از اجرای حکم اعدام سه جوان معترض آنان ماه شیده بودند بلافاصله پس از دخالت شوم، نحس و بی ربط ترامپ، نتانیاهو، حکومت سعودی و جریان های برانداز برای جلوگیری از موج سواری و پررنگ شدن مرزهای واقعی با انسان توفان توییتری

فضای سیاسی ایران این روزها تحت تاثیر حکم صادر شده برای سه جوان معترض آنان ۹۸ و مطالبه بدنه اجتماعی از سید ابراهیم ریسی برای جلوگیری از اجرای این احکام قرار گرفته است. پیامی که شهروندان با هشتک **#اعدام_نکنید** در فضای مجازی به دستگاه قضایی ارسال کردند یا ورود دونالد ترامپ، بنیامین نتانیاهو، سعودی ها و جریان های برانداز و انتشار توییت های فارسی و بهره گیری از هشتک ترند شده، واکنش های متفاوتی را به دنبال داشت. کاربران شبکه های مجازی که پیش از این با انتشار دیدگاه های خود در فضای مجازی خواستار اعمال ماده ۴۷۷ و جلوگیری از اجرای حکم اعدام سه جوان معترض آنان ماه شیده بودند بلافاصله پس از دخالت شوم، نحس و بی ربط ترامپ، نتانیاهو، حکومت سعودی و جریان های برانداز برای جلوگیری از موج سواری و پررنگ شدن مرزهای واقعی با انسان توفان توییتری

سارا بر اینده

آینده این مجلس

مجلس فعلی که نحوه شکل گیری آن پوشیده نیست در ادامه روند دو ماهه گذشته خود چه مسیری را طی خواهد کرد؟ پاسخ به این پرسش کمی **عباس عبدی** سخت است چرا که ممکن است شرایط عمومی و اقتصادی کشور به گونه ای شود که مجلس از حیث کارایی فاقد حداقلی از ظرفیت شود، چون نه توان قانون گذاری خواهد داشت و احتمالا نیاز هم به آن نخواهد بود و نه توان نظارتی خواهد داشت و از همه **ادامه در صفحه ۲** مهم تر اینکه فاقد حداقلی از ایده ایجایی هستند. برای توضیح این نکات به چند نمونه مهم اشاره می کنم:

سیاست

موسیقی پروری احمدی نژاد!؟

اخیرا آقای احمدی نژاد در مصاحبه ای از شیدایی خود نسبت به خوانندگان مطرح کشور از استاد شجریان تا خوانندگان ساکن امریکا گفته است. گرچه این اظهارات می تواند نوعی ندامت از رفتار فرهنگی خودش باشد، آن چنان که در دوران او، تفنگ قهر میزبان، زیر حنجره موسیقی بود اما راهبرد فرهنگی او با اظهارات فعلی او متناقض است. سوا آن جهت گیری فعلی او نیز بی اثر است. دوران احمدی نژاد مصادف بود با دورانی که از یاد جوانی، سینه اهل هنر و **ادامه در صفحه ۱۲** فرهنگ بر دیده بود. نسل جوانی که در دوران اصلاحات موسیقی را در رشته های مختلف آغاز کردند و رونق لبس آنچلس را بر انداختند.

از شما چه پنهان

از این ستون به آن ستون ...

در یک شبکه اجتماعی پر رونق این روزها برای هم راهان جان صفحه خویش به نوبد چنین نوشتیم: «جمعه را که به نیکی سر کنید، شنبه مرا در ستونی ثابت از ستون های استوار که نه جریدهای اعتماد پس داده نزد مردم هر، هفته خواهید یافت و به محض رسیدن روز موعود و انتشار نخستین یادداشت لینک و آدرس آن وزین روزنامه را خواهیم گذاشت همین جایز بهر خواندن و اطلاع رساندن به علاقه مندان.» در ادامه پایین آن را با تکبید این گونه پایان **ادامه در صفحه ۲۷** دادیم: «منتظر بمانید برای بازگو کردن رازهای سر به مهر مردمان سرزمین ناشناخته ها و شگفتی ها!»

جهان

امریکا و دریای جنوبی چین

اظهارات وزیر خارجه امریکا در مورد اختلافات چین با کشورهای منطقه در مورد دریای جنوبی چین را باید تحول مهمی در روابط امریکا و چین، مناقشات فزاینده بین این دو کشور و نیز ژئوپلیتیک آسیای خاوری به شمار آورد. وضعیت حقوقی این دریا برای چین و دیگر کشورهای حاشیه آن حائز اهمیت بسیار زیادی است. چین طی دهه ها سال با کشورهای منطقه شامل ۱۰ کشور عضو آسمان درگیر مناقشهای گسترده در مورد این دریا بوده است. پمپئو در بیانیه خود در این مورد «عاوی پکن در **ادامه در صفحه ۲۴** مورد منابع بخش اعظم دریای جنوبی چین و اقدامات قلدرمانه چین برای کنترل این منابع را به طور کامل غیر قانونی» دانست.

انا لله و انا الیه راجعون
سهیل عزیز
گوهر یکدانه و رفیق یگانه، شهر خلاصه لبخندت شد و داغت بر جگرهای تبارمان نشست. تورفتی به میهمانی ابدی مقتدایت ابا عبدالله پیوستی و ما را با بار غمت تنها گذاشتی. خدا به مادر و پدرت، به همسرت به خانواده و رفیقانت صبوری عطا نماید. ما بدون تو خیلی کمیم.

از رسلان ابدی – حمید ابراهیمی – شاه رخ ابراهیمی – حمید رضا ایک – احمد ابوالفتحی – پیام آثنی عشری – مهدی آجرلو – حسین احمدنژاد – علی احمدنیا – محمد جواد آخوندی – مجید آذری – امیر آریا زند – امیر حسین اسدیبکی – مجید اسلامی – محمد اسلامی – سارا افتخاری – مهدی افروزمنش – مهدی افشارنیک – مهدی اقبال – احسان اکبری – علی اکرمی – مجتبی بابایی – آسیه باکری – رضا باوفا – علی بختیاری – امیر افراز پر خوردار – کیومرث بشیریه – مهدی بلخاری – محمدرضا بنی طب – مجتبی پدرام – مینا پور مقدم – امیر تبریزی – امیر تنها – ایلیا جزایری – علاءالدین جزایری – زینب جعفری – محمدرضا جلایی پور – علی جمالی – نسیم جالاک – علی چاهه – عیسی جمبر – امیر حسین حاجبیان – زویا حسنی – مجتبی حسینی – داوود حشمتی – علی حضرتی – غزل حضرتی – آرتا حقیقی – علی حکمت – محمدحافظ حکمی – محسن حیدری – هادی حیدری – حمید خادم – رضا خانکی – مجتبی خندان – محمدحسین خوربک – رضا داداشی – سعید دارابی – زهیر دانش – علیرضا دولابی – فرزاد رادبوی – سینا رحیم پور – حبیب رستمی – ابوالفضل رضایی – سپیده رفیعی – محمدجواد روح – سعید رئوفی – سجاد سالک – صبا سراج – امیر سعادت – امیر علی سلطان – مهباز سلطانی – صدرا سمعانی رهبر – علی سعیدی زاده – پوریا سوری – حامد سیاسی راد – اردوان سیجانی – امیر سیدین – بهروز شاهرخنیا – بهروز شجاعی – سجاد شجاعی – میثم شرفی – سعید شریعی – رضا شریفی – محمد شفیع – علی اصغر شفیعیان – هانی شمس – علی شهرابی – محمدحسین شیخ محمدی – مهدی شیرزاد – یاسر صادقی – اسماعیل صحابه – حسین صدر – سپهر صفاری – علیرضا طاهری – ریحانه طباطبایی – شهاب طباطبایی – علی طباطبایی – حجت طهماسبی – عباس طهماسبی – پگاه طوسی – علی عالی – بهزاد عامری – هادی عرب مازار – بهروز عزیزی – جاوید فخریان – میلاد فدایی اصل – علی فرخی – محمد فضلی – محمدطاهر فقیه – حامد قاسمی – کیوان قاسمی – محمدرضا قاسمی – مهرداد قربانی – سعید قربانی – احسان قلمچی – بهروز کاظمی – محمد کبیری – داوود کریمی – احسان کیان ارثی – ساجده کیانوش راد – حسین گنجی – احسان مازندرانی – محمد مبین – محمد احسان مفتی – پرستو مینی زاده – اشکان مجلی – امید محدث – عادل محمد حسینی – جلال محملو – حسن محمدی – غلامحسین محمدی – مهدی محمودیان – علی مردانی – حسام مرعشی – علی مرعشی – محمد مرعشی – آیدا مصباحی – محمدحسین مظفری – محمدجواد مظفری – حسن معاد پخواه – عماد معاد پخواه – سید علیرضا معتمدی – مانده معتمدی – محمدرضا معتمدی – پیمان مقدم – فائزه منظوری – محمدحسین مهرزاد – کیوان مهرگان – زهیر موسوی – سمانه موسوی – سید فرید موسوی – ناهید مولوی – عبداله مومنی – رضا میر – هدی میر – سید هادی میرباقری – سراج میردامادی – علی میردامادی – محمد میردامادی – مهدی نادمی – روزبه ناعمه – مرتضی ناعمه – دارا نثاری – مهسا نصراللهی – آرمن نظریان – نفیسه نعمتی – سعید نعیمی – حسین نقاشی – پونه نوازی – سعید نور محمدی – کسری نوری – حسین نورانی نژاد – حسین نیکخواه – میثم وره چهر – شهرزاد همتی – مهدی الیاسی – حسن یونس

برادر ارجمند
جناب آقای حاج اصغر محمودی
در گذشت والده مکرمه تان بانوی پرهیز کار حاجیه خانم روستارا تسلیت عرض نموده واز خدای منان در خواست علودر جات و رحمت واسعه الهی برای آن سفر کرده وصبر و شکیبایی برای حضر تعالی و سایر باز ماندگان محترم مسئلت می نماییم.
الیاس حضرتی، حجت الاسلام راهمی، سید حمزه امینی هشترو دی غفار اسماعیلی – محمد شاهی – ابوالفضل نصرت آبادی عربعلی قربانی – تیمور جاوید، کریم ناایی – حاج حسین مهدوی نورالدین آهی –میر محمد موسوی – بهرام پیروی – رکابعلی کشاورز آقای امینی – جلال محمدی – حاج داو – حجت الاسلام هاشمی حجت الاسلام ابوترابی – کرامت اسدی – کمال مرادی عادل قاسمی – عیسی اسدی – سید اکبر اکبری – حسن ابراهیمی –مهندس اسماعیل ابراهیمی – دکتر حسین سنجر

خانواده محترم «گوهری»
مصیبت عظیم فقدان «سهیل»باهیچ کلمه ای قابل بیان نیست. برای آن عزیز سفر کرده مغفرت و برای شما آرزوی صبر دارم.
مجید آذری – زندان اوین

خبر و بیشتر
ویدیوها و گفت وگوهای متفاوت
ETEMADONLINE.COM

امروز دوستی عزیز به خانه ابدی بدرقه شد.
در چندین جلسه، از دغدغه هایش برای ایران بسیار شنیدم. نجیب، متین و مومن بود.
در گذشت
سهیل گوهری
راه خانواده اش، دوستانش و جامعه رسانه ای کشور تسلیت می گویم. برای همگان صبر و برای سهیل غفران الهی مسالت دارم.
الیاس حضرتی

جناب آقای دکتر سیدعلی موسوی
انتصاب شایسته جنابعالی را به سمت معاون استاندار و فرماندار شهرستان ویژه مراغه تبریک عرض نموده واز درگاه ایزدمتعال توفیق روزافزون در پیشبرد اهداف و برنامه های دولت تدبیر و امید را خواستار یم.
الیاس حضرتی – دکتر محبوب حضرتی حجت طهماسبی – حمید رضا زاده

سلام بر آینده

آینده این مجلس

ادامه از صفحه اول

۱- مجلس از هنگامی که آغاز به کار کرد یک خط‌مشی نه‌اجمی را علیه دولت برگزید. خطی که به درستی انتظار می‌رفت، اتخاذ کنند. در واقع ترکیب سیاسی

عباس عبدی

دیدگاه و انتظار را به وجود آورده بود. این انتظار نیز برآورد شد و با احضار وزرا و حتی توهین و تحقیر آنان، گام اول را محکم برداشتند. سپس تهاجم به رئیس‌جمهور را آغاز کردند. ابتدا از طرح سوال وارد شدند ولی به سرعت استیضاح در دستور کار قرار گرفت چون می‌دانستند، سوال مشکل آنان را حل نمی‌کند. ولی این خط‌مشی با سخنان مقام رهبری به کلی رنگ باخت. هر چند صریح بیان نشد ولی به روشنی معلوم بود که می‌شد، نتیجه گرفت که استیضاح رئیس‌جمهور و حتی طرح سوال از او عمل خردمندانه‌ای نیست. به عبارت دیگر این مواضع آب سردی بود که بر شعارهای داغ مجلسی‌ها ریخته شد. پس از این هر حله هر کدام وارد میدان شدند و از مواضع گذشته برآنت جستند و اینکه استیضاح و سوال کار بدی است و می‌خواهند به دولت کمک کنند. ظاهر قضیه این است که آنان از مواضع رهبری تبعیت کرده‌اند و این را نقطه قوت خود می‌دانند ولی این ظاهر ماجراست در حالی که اگر به صورت ریشمای به موضوع نگاه کنیم، ابعاد مشکل در مجلس آشکار خواهد شد.

مساله این نیست که مجلس از مواضع رهبری تبعیت می‌کند یا نه؟ مساله این است که این مجلس و رهبران اصلی آن از فهم مواضع رهبری عاجز هستند. چنان عاجز هستند که موضوعی به این روشنی را متوجه نبودند و اگر ایشان وارد نشده بود چه بسا فساد انجام آن را داشتند. برای مجلس کنشگران سیاسی اصولگرا شت و زننده است که تا این حد از فهم و درک مواضع رهبری غافل باشند. مواضی که تقریباً بسیاری از تحلیل‌گران آن را می‌فهمیدند. پس مشکل مجلس تبعیت یا عدم تبعیت از مواضع رهبری نیست، مشکل ناتوانی آن در فهم مواضع مهم و اصلی است که در نتیجه، کار به جایی می‌رسد که ایشان مجبور می‌شوند به صورت ضمنی که از تصریح آشکار تر است، ماجرا را بیان کنند.

با این مقدمه می‌توان نتیجه گرفت: این مجلس از درک اصلی ترین ادعای خود که اجرای رهنمودهای رهبری است، عاجز و ناتوان است. یا باید این رهنمودها چنان واضح و آشکار باشد که مثل دود تو چاهار تاباشد تا متوجه آن نشوند یا متوجه آن نمی‌شوند. خب! اگر محور اتحاد و انسجام مجلسی‌ها نزد خودشان تا این حد نامتعین باشد و شناختی از آن نداشته باشند در این صورت آیا خواهند توانست گامی در مسیر این محور بردارند؟ پاسخ منفی است. در نتیجه کارشان به مجادلات بی‌پایان و زینبار، و روزمرگی‌های غیر مفید خواهد انجامید.

۲- مورد دیگر بسته اقتصادی است که پیشنهاد داده‌اند. توضیحاتی که در این مورد گفته‌اند همگی تکراری و کلی است که در قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام و مقدمه برنامه‌های ۵ ساله و... آمده است و برای دهمین و شاید صدمین بار است که تکرار می‌شود و همه چیزهای خوب را کنار یکدیگر می‌نویسند و اسم آن را می‌گذارند. بسته پیشنهادی او طبیعی است که در نهایت نیز از آن هیچ چیزی دستگیر کسی نخواهد شد به علاوه مسئولیت آن کار به عهده دولت است و مجلس فقط قانون‌گذار است و این بسته را باید در قالب قانون تدوین کند و مطابق شیوه مرسوم مجلس چند سال طول می‌کشد که تبدیل به قانون شود و به‌طور قطع به جای سر مه کشیدن به چشم قوانین موجود، آنها را کور خواهند کرد. در نهایت در بهترین حالت نیز خلعت سلطان محمود برای ابوالقاسم فر دوسی خواهد شد. با اینس ملاحظه مجلس چه کار خواهد کرد؟ کار که زیاد است. تریبک فرزند آوری به یکدیگر به عنوان یک مهم و دهن‌آفرین و حماسی و تغییررسان چند تامل‌محرم و حکم‌نار پرکن در قالب طرح‌های سه فوریتی‌ها، بلکه بیشتر و اقداماتی از این قبیل می‌توانند کارساز باشند. البته اولین در یافتی آنان هم اگر ۲۳۱ میلیون تومان بود نباید خرده گرفت چراکه خرج دارند و ته آن چیزی نمی‌ماند.

۸ شهید ایرانی

در بمباران اسر ایل در سوریه

سردار شکارچی گفت:ایران در بمباران‌های صورت گرفته توسط رژیم جنایتکار و ترورست‌پرور صهیونیستی در مجموع ۸ شهید تقدیم کرده است. به گزارش خبرآنلاین، به گفته سردار شکارچی، اسامی این شهدا عبارتند از: ۱- شهید حبیب‌الله قوچمنی، ۲- شهید مرتضی صیدی پور، ۳- شهید محمد مهدی لطفی نیاسر، ۴- شهید بهرام موسوی، ۵- شهید اکبر زوار جنتی، ۶- شهید محمدعلی اله‌دادی، ۷- شهید حامد رضایی و ۸- شهید مهدی دهقان یزدلی. او گفت: رژیم بزذل و کودک‌کش صهیونیستی خوب به یاد دارد که پس از هدف قرار دادن خودروی شهید محمدعلی اله‌دادی در تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۸ در منطقه قشمر سوریه که منجر به شهادت آن شهید بزرگوار شد، رزمندگان حزب‌الله لبنان بلافاصله با عبور از موانع پیچیده در مرزهای فلسطین اشغالی با هدف قرار دادن ۳ دستگاه نفربر و خودروی صهیونیست‌ها، ۵ نفر از آن را به هلاکت رسانده و تعدادی را نیز مجروح کردند. سردار ابوالفضل شکارچی، سخنگوی ارشد نیروهای مسلح، در پاسخ به یاده گویی‌ها و دروغ‌رزاری‌های رژیم جعلی صهیونیستی مبنی بر بمباران و هدف قرار دادن محل استقرار مستشاران ایرانی در سوریه اظهار داشت: مستشاران ایرانی در سوریه به هلاکت رسیده و تعدادی از ریز مجروح کردند. بار دیگر اسامی این شهدای والا مقام را اعلام می‌کنیم تا دروغ‌پردازی و کذب‌بودن رژیم جعلی صهیونیستی بیشتر نمایان

سیاست

گزارش

گروه سیاسی

«تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها بدون حمل سلاح به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است»؛ این عین به عین متنی است که در بیست‌وهفتمین اصل از اصول ۱۷۷ گانه قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده؛ اصلی که هم فعالان و تحلیل‌گران نزدیک به حاکمیت و حاضر در سمت راست نمودار سیاست ایران و هم اصلاح‌طلبان و فعالان منتهی‌الیه چپ این نمودار آن را پذیرفته و قبولش دارند؛ اما به زعم حقوق‌دانان و نمایندگان ادوار مجلس در طول بیش از ۴۰ سال گذشته از تاریخ انقلاب تاکنون چنان که باید و شاید فرصت برای اجرای این اصل فراهم نشده تا اصل ۲۷ نیز همچون اصول مرتبط با بازنگری قانون اساسی و همه‌پرسی در جمهوری اسلامی، اسیر اما و اگرهای فراوان برای اجرا باشد. این میان اما آنچه متوقف نشده، اعتراضات مردمی است؛ اعتراضاتی که با افزایش افسار گسیخته اقلام و مایحتاج حیاتی زندگی ایرانیان بعید نیست روزهای آتی دوباره و به صورت پرآکنده آغاز شود؛ چنانکه یکی، دو روز اخیر دست کم ۳ شهر ایران شاهد تجمعات مردمی و ابراز نارضایتی آنان نسبت به وضع موجود بودند. براساس گزارش‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، خبرگزاری‌ها و پایگاه‌های خبری تحلیلی، مشهد و شیراز به عنوان ۲ شهر مذهبی‌تر ایران کنار بهبهان واقع در استان خوزستان که شهروندانش این روزها علاوه بر کرونا براساس برخی سوعدمردی‌ت‌ها با مشکل آب شرب نیز مواجهند از جمله شهرهایی محسوب می‌شوند که شاهد اعتراضات مردمی بودند؛ اعتراضاتی که اگرچه در قیاس با آنچه آبان ماه ۹۸ و پس از افزایش ۳ برابری قیمت بنزین آن هم بدون هر گونه اطلاع‌رسانی و زمینه‌سازی قبلی اتفاق افتاد شاهد تجمع کمتر مردم بود ولی به باور بسیاری از ناظران می‌تواند نشانی باشد از لزوم تلاش برای بهبود هر چه سریع‌تر وضع موجود توسط قوای سه‌گانه و پرداختن روسای قوا و مسوولان به مشکلات مردم به جای درگیری‌ها و جنجال‌های جناحی.

چنانکه علاوه بر مشکلات اقتصادی موجود در سرتاسر ایران و رشد روزافزون و رکوردشکنی‌های ساعتی کرونا در ایران و بازگشت شهرها به وضعیت قرمز، مجبور است با سوعدمردی‌ت‌های موجود در استان و شاخص‌های بالای فقر نیز دست و پنجه نرم کند. همه این موارد کنار برخی اقدامات گروهک‌های تجزیه‌طلب در این استان سبب شده تا تجمعات اعتراضی مردم در شهرها و شهرستان‌های این استان در قیاس با سایر شهرهای ایران بیش از پیش توجهات را به سمت خود جلب کند. در همین راستا و پس از آنکه فراخوان‌هایی برای تجمعی اعتراضی در بهبهان منتشر شد این شهرستان شاهد برگزاری تجمعی در شامگاه پنجشنبه مورخ

siasat@etemadnewspaper.ir



مشهد، بهبهان و شیراز در روزهای اخیر شاهد برگزاری تجمعاتی اعتراضی بودند

گرانی افسارگسیخته و اعتراض مردمی

سپاه شیراز و مشهد و ناجای بهبهان نسبت به تحرکات «ضد انقلاب» هشدار دادند

گفت‌وگوی خود با خبرگزاری جمهوری اسلامی گفته که «ابتدا پلیس سعی داشت تا با مذاکره این افراد را متفرق کند اما آن‌ها نه تنها متفرق نشدند بلکه اقدام به سر دادن شعارهای هنجارشکنانه کردند به همین دلیل پلیس هم با صلابت اقدام به متفرق کردن آنها کرد.» محمد عزیزی در بخشی دیگری از این گفت‌وگو تعداد تجمع‌کنندگان را «اندک» اعلام کرده و در شرایطی گفت که «هیچ‌گونه خسارات مالی و جانی در این تجمع به وجود نیامد و افراد تجمع کننده هم به منازل‌شان هدایت شدند» که برخی گزارش‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی حاکی از باذاشت برخی از تجمع‌کنندگان به ویژه «فرزان‌ه انصاری‌فر»، دختر «امین انصاری‌فر» جانباز و یکی از بازمانده‌های جنگ تحمیلی و برادر «فرزاد انصاری‌فر» یکی از جان‌باختگان اعتراضات آبان ماه حکایت دارد. برخی روزنامه‌نگاران ایرانی

بیست‌وششم تیر ماه بود.



و می‌توانند کار مهرداد بذریاش را برای ریاست بر دیوان محاسبات دشوارتر کنند. میان این ۱۱ چهره سرشناس، علی بابایی، هادی داهمان، بابک درویش و غلامحسین آزاد نیز حضور دارند که بر خلاف رقبای خود که هر کدام سوابق سیاسی و اجرایی خودشان را دار ند بیشتر در حوزه‌های دانشگاهی فعالیت داشته‌اند و عمده اقدامات‌شان مربوط به دانشگاه و نگارش مقاله‌هایی در ارتباط با موضوعات مختلف به ویژه مقابله با فساد است؛ هر چند که هر کدام برای مدتی به عنوان مشاور در دیوان محاسبات و کنار برخی نمایندگان ادوار مجلس حاضر بوده و از این رو با جو پارلمان و چند و چون جلب نظر نمایندگان بیگانه نیستند؛ هر چند که باید اتفاقی خارج از عرف رخ دهد که توانایی پیروزی در مقابل رقبای سرشناس خود را داشته باشند.

مانع قانونی

چند سالی است که مساله جاسوسی از طریق ریزرنده‌ها و پهپادها به یکی از موضوعات پر حاشیه و جنجال‌ساز نظام جمهوری اسلامی تبدیل شده، چنان‌که هر از گاه انتشار این دست اخبار با واکنش‌هایی گسترده در رسانه‌های ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی مواجه می‌شود. شاید همین حساسیت بالای شبکه‌های اجتماعی سبب شده تا گاه و بی‌گاه اخباری تایید و تکذیب نشده از هجوم پهپادهای مهاجم به ایران و شکار بعضی از آنان توسط نیروهای نظامی جمهوری اسلامی سخن به میان می‌آورد ولی در جدیدترین نمونه موضوع نه تنها به شبکه‌های اجتماعی و کاربران به اصطلاح ارزشی و بعضاً بی‌نام و نشان نرم‌نمی‌گردد، بلکه یکی از نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی که قضا به جریان سیاسی اصولگرا نیز تعلق دارد و در کارنامه کاری‌اش نیز سابقه حضور در یکی از نیروهای انتظامی ایران را دارد، با طرح چنین ادعایی، جنجال‌ساز شده است. اردشیر مطهری، نماینده انولگرای گرمسار و آرادان و دبیر کمیسیون اجتماعی مجلس که همین چندی پیش شائبه‌های بسیار جدی درباره

شنبه ۲۸ تیر ۱۳۹۹، ۲۶ ذی‌القعدة ۱۴۴۱، ۱۸ جولای ۲۰۲۰، سال هجدهم، شماره ۴۶۹۵

پیش‌بینی

آن هم در ساعاتی پایانی پنجشنبه شب خبر داد اما برخی منابع محلی «قطعی اینترنت در بهبهان را تکذیب» و تأکید کردند که سرعت اینترنت در چند روز اخیر در این شهرستان با مشکل مواجه است و در قیاس با گذشته نیز کاهش یافته است. این منابع همچنین برخی مطالب ذکر شده در شبکه‌های اجتماعی مبنی بر مجروح شدن برخی از تجمع‌کنندگان را رد کرده و گفتند که «تا آنجا که دیده‌ایم، کسی مجروح نشد ولی بر اثر شلیک گاز اشک‌آور برای برخی از آنان مشکلات تنفسی ایجاد شد.» نکته قابل توجه آنکه پس از اعتراضات آبان ماه و قطعی چندین روزه اینترنت تمام ایرانیان، انتشار اخباری مبنی بر ایجاد اختلال در سرعت اینترنت به سرعت مورد توجه افکار عمومی قرار گرفته و شائبه‌های جدی ایجاد می‌کند؛ شائبه‌هایی که حل و فصل آن نه با سکوت؛ بلکه با توضیح مسوولان برای اندکی هم که شده، رفع خواهند شد.

البته مشهد و شیراز نیز شاهد برخی تلاش‌ها برای برگزاری تجمعات اعتراضی نسبت به مشکلات اقتصادی و تشدید نارضایتی‌های عمومی بوده‌اند که البته در قیاس با آنچه در بهبهان رخ داده هم کمتر مورد توجه قرار گرفته و هم با واکنش‌های تند و تیزتری مواجه شده؛ چنانکه به عنوان نمونه سپاه خراسان رضوی پیش از آنکه تجمعی برگزار شود، وارد عمل شده و «از دستگیری تعدادی از افراد خبر داده که متهم به انتشار فراخوان تجمع اعتراضی و خیابانی هستند.» براساس گزارشی که خبرگزاری فارس منتشر کرده، سپاه امام رضا در اطلاعیه خود آورده است: «با اشراف اطلاعاتی و اقدام سازمان اطلاعات سپاه امام رضا(ع) استان خراسان رضوی شماری از عوامل اصلی گروه‌های معاند که ضمن ارتباط با شبکه‌های ضد انقلاب با انتشار فراخوان‌هایی، هواداران و مردم را به تجمع و اعتراض خیابانی تشویق می‌کردند، شناسایی و دستگیر شدند. در سوابق برخی از این افراد اقداماتی همچون جاسوسی علیه امنیت ملی، دعوت به اغتشاش و تلاش برای بر هم زدن نظم عمومی از طریق فضای مجازی دیده می‌شود.»

در همین راستا مشاهدات عینی و تصاویر منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی از حضور پررنگ نیروهای انتظامی و امنیتی در شهرهای تهران، کرج و... حکایت دارد که می‌تواند، نشانی باشد از احتمال برگزاری تجمعات اعتراضی. با این حال آنچه این میان همواره باید مورد توجه مسوولان و نهادهای امنیتی قرار گیرد، تأکید مسوولان عالی‌رتبه جمهوری اسلامی، از انتخابی گرفته تا انتصابی، بر حق مردم برای برگزاری تجمعات اعتراضی و اعلام نارضایتی خود از وضع موجود است. حقی که برای احقاق آن به قضی‌شداری علیه امنیت امنیتی و سعه صدر نهادهای قضایی و البته جلوگیری از تشدید جو امنیتی نیاز است که در غیر این صورت به خودی خود می‌تواند به تشدید نارضایتی‌ها بینجامد.

سوال از رییس جمهوری با ۱۹۶ امضا تقدیم هیات رییس مجلس شد

یک گام تا احضار رییس

۱۹۶ امضا بنا به اذعان سیدناصر موسوی‌لارگانی، نماینده اصفهان به هیات رییس مجلس تقدیم شده و روحانی در آستانه احضار دوباره به پارلمان قرار بگیرد.

این نماینده مجلس در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی توئیتر نوشته که «به قول خود به مردم عزیز عمل کردم و روز چهارشنبه ۱۹۶ نماینده طرح سوال از روحانی را به رییس محترم مجلس تحویل داده و تا آخر پیگیر خواهم بود. رییس جمهوری باید درباره دلائل ویرانی اقتصاد و گرانی مسکن، خودرو، ارز، طلا، مایحتاج عمومی و اشتباهات استراتژیکش در برجام ناظر جانی پاسخگوئی ملت باشد.» بدین ترتیب و بر اساس آیین‌نامه داخلی مجلس، محمدباقر قالیباف به عنوان رییس قوه مقننه موظف است پس از دریافت سوالات نمایندگان ظرف ۴۸ ساعت به پس از اولین جلسه علنی مجلس، سوال نمایندگان را اعلام و برای رییس جمهوری ارسال کند؛ مشروط به آنکه تا آن زمان امضای نمایندگان کاهش نیابد. اگر چنین شد، رییس جمهوری نیز پس از دریافت سوالات یک ماه فرصت دارد تا در صحن علنی مجلس حاضر شده و به سوالات نمایندگان پاسخ دهد.

نماینده اصولگرای مجلس از هجوم پهپادهای مهاجم به ایران خبر داد

یک ادعای خطرناک

چندان شفاف این نماینده مجلس کنار ادعای جنجالی‌اش، با توجه به استفاده از او کلیدواژه «انتقام سخت» که همچون جمله «دوران بزن در رو گذشته است» نخستین‌بار توسط رهبری استفاده شد، می‌توان گفت که احتمالاً اشاره او به ایالات متحده امریکا و برخی متحدان منطقه‌ای آنان به‌ویژه اسرائیل و عربستان است.

روز‌های فعالیتش در نیروی انتظامی عنوان و درخواست‌هایی برای رد اعتبارنامه‌اش توسط نمایندگان اصولگرای پارلمان مطرح شده بود، در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی توئیتر از هجوم پهپادهای جاسوسی به ایران خبر داد و نوشت: «طرف مقابل مدتی است از طریق پهپادهای ناشناس، حملاتی را انجام می‌دهد و مسوولیت رسمی کارهایش را نمی‌پذیرد تا از انتقام سخت ما رد امان باشد.» این نماینده مجلس نام و نشانی از «طرف مقابل» مدنظرش به میان نیاورد ولی تأکید کرد که «در زمان مناسب انتقام می‌گیریم، مسوولیت‌ها هم قبول می‌کنیم. دوران بزن در رو گذشته است.» با این حال و به‌رغم اظهارات نه



روز‌های فعالیتش در نیروی انتظامی عنوان و درخواست‌هایی برای رد اعتبارنامه‌اش توسط نمایندگان اصولگرای پارلمان مطرح شده بود، در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی توئیتر از هجوم پهپادهای جاسوسی به ایران خبر داد و نوشت: «طرف مقابل مدتی است از طریق پهپادهای ناشناس، حملاتی را انجام می‌دهد و مسوولیت رسمی کارهایش را نمی‌پذیرد تا از انتقام سخت ما رد امان باشد.» این نماینده مجلس نام و نشانی از «طرف مقابل» مدنظرش به میان نیاورد ولی تأکید کرد که «در زمان مناسب انتقام می‌گیریم، مسوولیت‌ها هم قبول می‌کنیم. دوران بزن در رو گذشته است.» با این حال و به‌رغم اظهارات نه

شنبه ۲۸ تیر ۱۳۹۹، ۲۶ ذی القعدة ۱۴۴۱، ۱۸ جولای ۲۰۲۰، سال هجدهم، شماره ۴۶۹۵

نا انتخابات
گروه سیاسی

وقتی رییس جمهور شد ۵ سالی از آغاز هزاره سوم گذشته بود و به این واسطه و البته از آنجا که حرکات و سکناتش در امر سیاست و کشورداری و نیز خارج از سازو کار مملکت‌داری غریب بود نه از جانب منتقدان و مخالفان بلکه ازسوی حامیان و هواخواهانش به «معجزه هزاره سوم» معروف شد. معجزه‌ای اما در طول ۸ سال ریاست جمهوری صورت نداد، البته مگر اینکه میراث سیاسی و اقتصادی دولت‌اصلاحات را که حتی حالا پس از یکی، دو دهه همچنان مورد تحسین موافق و مخالف است به یاد داد و به جز آنکه با نوع عجیب و نامتعارف مواجهه با شهروندان یه‌ویژه با مخالفانی که عمدتاً طبقه متوسط شهری و البته طیف وسیعی از روشنفکران، اصحاب فرهنگ و هنر و کنشگران سیاسی و مدنی را شامل می‌شدند، دست به معجزه‌های تکرارناپذیر زد و بهترین دوران در فروش نفت ایران را به یکی از دشوارترین دوران اقتصادی مملکت و متعاقباً یکی از سخت‌ترین ادوار معیشتی شهروندان بدل کرد. کاری چنان پیچیده و دشوار که به «معجزه» هم شبیه بود؛ چه آنکه آگاهی که احمدی‌نژاد با نقت مملکت در آن ۸ سال کرد، شبیه به وضعیتی نادر در میدان فوتبال بود که به قول گزارشگران فوتبال، «گل زدن» در آن موقعیت به مراتب سخت‌تر از «گل زدن» است.

دربیل احمدی‌نژادی

احمدی‌نژاد اما به این معنادر آن ۸ سال ناممکن‌های اقتصادی را ممکن کرد و توانست همزمان با بهترین دوران فروش نفت، یکی از سخت‌ترین دوران اقتصادی را در مملکت و اداره کشور رقم بزند و در شرایطی که به‌رغم توصیه صریح رهبری و تأکید «پشت بلندگو» از جانب ایشان به‌اصرار و در حرکتی باز به‌اصطلاح گزارشگران فوتبال، «رونالدینیویی» اقدام به نام‌نویسی و ورود به عرصه انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ کرد و مدعی مطابقت انتظار درصلاحتی شد، حالا باز در آستانه یک انتخابات ریاست جمهوری دیگر، فعال شده و یک روز در گفت‌وگو با یک رسانه کانادایی و در مواجهه با پرسشی در مورد احتمال کاندیداتوری مجدد در انتخابات ریاست جمهوری از «فداکاری برای ایران» می‌گوید و روز بعد مقابل یک خبرنگار حوزه موسیقی نشسته و زیر لب ترانه‌های «رپ» و «پاپ» زمزمه می‌کند و خود را دوستدار «هیچکس» «استاد سحربران» جا می‌زند. اقداماتی که از قضا چنانکه از احمدی‌نژاد برزلی و دندان‌خردگوشی مستطیل سبز به یادگار مانده، مصداق «چپ‌روی با رانهایی راست» است. همان‌طور که خبرنگاران سیاسی به خوبی به یاد دارند چگونه در جریان نام‌نویسی کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ وقتی به‌همراه حمیدقلی‌نوروز در ستاد انتخابات وزارت کشور حاضر شد تا به‌ظاهر به همراه اسفندیار مشایی، دیگر یار غارشان را برای اعلام کاندیداتوری بدرقه کند، آن‌گاه که بقایی مسیر تکمیل فرهای نام‌نویسی را ناتنها طی نمود، ناگهان احمدی‌نژاد با یک «حرکت بدن» فریبنده و خلاف «افق زاویه بدش» خود را

سلاار احمدی |این روزها همزمان با اوج اخبار مبتلایان به ویروس کرونا آن‌طور که باید و شاید به مصاحبه‌ی رسمی جمهوری‌سابق توجهی نشدمصاحبه‌ای که هدفی پشت پرده داشت و آن هم ری بردینگ هوشمندانه آقای احمدی‌نژاد برای نسل‌هایی بود که زمان ریاست او بر دولت‌های نهم و دهم را به دلیل اقتضای سنشان به یاد دارند.به‌طورویژه مصاحبه‌کننده به موسیقی‌هایی اشاره می‌کند که نسل جوان و نوجوان طرفدار آن هستند، یعنی، موسیقی رپ و احمدی‌نژاد هم در کمال تعجب، توصیه به گوش کردن این نوع موسیقی می‌کند؛ گویی برخورد‌های گسترده با هنرمندان، مطبوعات، فعالان سیاسی، مدنی و… زمان دولت او اتفاق نیفتاده است.ایرایی بررسی پدیده احمدی‌نژاد بدینست ابتدا نگاهی به پدیده پوپولیسم در

امریکا و اروپا ببندایم. در امریکا، دونالد ترامپ با شعار «دوباره عظمت را به امریکا برمی گردانیم» در کمال ناباوری همه‌ناظران به قدرت رسید، برزیل نیز با به قدرت رسیدن «ژائیر بولسونارو» وضعیتی مشابه با امریکا را تجربه می‌کند همچنین اتحادیه اروپایی که هنوز درگیر خروج بریتانیا از آن بوده چند سال اخیر شاهد رای اکثریت مردم بریتانیا به خروج از اتحادیه اروپا، کسب ۱۲ درصد آرا توسط حزب پوپولیست «ژادی هلند» به رهبری «گیرت ویلدرز» در انتخابات پارلمانی این کشور، کسب ۲۲ و ۳۳ درصد آرا توسط «مارین لوپن» رهبر حزب جبهه ملی فرانسه به ترتیب در مراحل اول و دوم انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور، کسب حدود ۱۳ درصد آرا توسط حزب پوپولیست «لئوناتوریو برای آلمان» در انتخابات «بوندس‌تاگ» که این حزب را پس از تشکیل

رای بر ندینگ رییس جمهوری سابق

«تلاف بزرگ» به حزب اصلی اپوزسیون تبدیل کرد و تشکیل دولت‌تلافی در تریش با شرکت «حزب آزادی» تریش با تمایلات ملی گرایانه و محافظه کار به دنبال رسیدن «ژائیر بولسونارو» وضعیتی مشابه با امریکا را تجربه می‌کند همچنین اتحادیه اروپایی که هنوز درگیر خروج بریتانیا از آن بوده چند سال اخیر شاهد رای اکثریت مردم بریتانیا به خروج از اتحادیه اروپا، کسب ۱۲ درصد آرا توسط حزب پوپولیست «ژادی هلند» به رهبری «گیرت ویلدرز» در انتخابات پارلمانی این کشور، کسب ۲۲ و ۳۳ درصد آرا توسط «مارین لوپن» رهبر حزب جبهه ملی فرانسه به ترتیب در مراحل اول و دوم انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور، کسب حدود ۱۳ درصد آرا توسط حزب پوپولیست «لئوناتوریو برای آلمان» در انتخابات «بوندس‌تاگ» که این حزب را پس از تشکیل

اصلاح طلبان در مورد چگونگی حضور در انتخابات ریاست جمهوری و تغییر تشکیلاتی بلاتکلیفند

دغدغه ۱۴۰۰

تا شاید یکی از میان چندین گزینه تأیید صلاحیت شود، ضمن اینکه در این مقوله آ‌خ‌ر میان طیف‌های مختلف اصلاح‌طلبی همچنان اجماعی وجود ندارد که یا س‌ر‌ت‌ر‌اژی معرفی گزینه‌ای برای به عنوان ک‌ن‌د‌ی‌د‌ای ریاست‌جمهوری و تکرار سال ۹۲ اقدام درستی است یا بازگشت به اصلاح‌طلبانی با ذ‌ر اصلاح‌طلبی بیشتر که به همین میزان احتمال در صلاحیت‌شان نیز بیشتر خواهد بود. بنابر این شرایط پیچیده این روز‌های زمین سیاست برای اصلاح‌طلبان یاد شده که «دغدغه ۱۴۰۰» برای‌شان دغدغه‌ای جدی و کنشگری در این سال و انتخابات واپسین ماهش، نقطه عطفی در این جریان سیاسی باشد.

مقدمات حضور

نمی‌توان نادیده گرفت که به هم ریختگی شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان در بلا تکلیفی در مورد تصمیم ۱۴۰۰ تأثیرگذار است، شاید از همین‌رو محمد سلامتی دبیر کل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که پیش از این در حکم خاتمی به این شورا پیوسته بود، معتقد است. اما باید اصلاح‌طلبان «حلقه‌های مشورتی» خود را افزایش دهند تا برای انتخابات ۱۴۰۰ بار دیگر گروه‌های سیاسی را که در عضویت «شورای هماهنگی جبهه اصلاحات» هستند یا خارج از این ساختار فعالیت می‌کنند، گرد هم بیاورند. او از جمله چهره‌هایی است که معتقد است در فقدان تشکیلاتی چون شورای عالی سیاست‌گذاری باید به «شورای هماهنگی جبهه اصلاح‌طلبان» بازگشت و این تشکیلات را فعال کرد تا به «همگرایی» رسید. او در گفت‌وگو باخبر آنلاین پیشنهاد داده که احزاب و چهره‌های موثر ابتدا مقدمات حضور «مردم» در انتخابات ۱۴۰۰ را

siasat@etemadnewspaper.ir

سیاست

سیاست‌های احمدی‌نژاد

مشکل داشتند به طرف او نمی‌آیند؛ چرا که به گفته این روحانی نزدیک به احمدی‌نژاد، مردم صداقتی در رفتار او مشاهده نمی‌کنند.امیری‌فر در این میان به خاطر‌های از دوران استانداری احمدی‌نژاد در استان اردبیل اشاره کرده و گفته که آن زمان «یکی از مسوولان وزارت کشور به او توصیه کرد، جایگاهی به عنوان مشاور امور بانوان در استانداری در نظر بگیرد اما احمدی‌نژاد زیر بار نرفت در نهایت که مورد تهدید قرار گرفت،مجبور شد همسرش را به عنوان مشاور انتخاب کرد اما امروز اعتقادات او به‌دلیل تحت فشار قرار دادن نظام و جلب‌نظر مردم ۱۸۰ درجه تغییر کرده‌است.»

۳ سال در به‌دری

اما شاید مهم‌ترین بخش سخنان اخیر عباس امیری‌فر آنجاست که این چهره سیاسی نزدیک به رییس دولت نهم و دهم از شایعه دیدار احمدی‌نژاد و رهبری سخن گفته و تأکید کرده است:«متأسفانه به دروغ، شایعه می‌کنند که احمدی‌نژاد با رهبری دیدار کرده در حالی که ۳ سال است که او به‌ر هر دری می‌زند و التماس می‌کند با رهبری ملاقات کند به او وقت ملاقات با رهبری را نمی‌دهند. همچنین هماهنگی سیاه با احمدی‌نژاد تکذیب می‌شود، سپاهیان به هیچ عنوان با کسی که سابقه سرپیچی از فرامین مقام معظم رهبری دارد پیمانی نمی‌بینند مگر اینکه احمدی‌نژاد نام‌ای به مقام معظم رهبری بزند و از گذشته خود رسماً اعلام برائت کند. آن وقت نظام تصمیم می‌گیرد آیا می‌شود نه به عنوان فرد اول بلکه فرد دوم و معاون اول با احمدی‌نژاد کنار بیاید.» اظهاراتی که البته باز در نوع خود جالب توجه است و معلوم نیست منظور این چهره نزدیک به احمدی‌نژاد از بیان این اظهارات احمدی‌نژادی چیست و چه‌بر اساس معتقد است با وجود ناممکن بودن بازگشت احمدی‌نژاد به «پاستور» در مقام رییس جمهوری، امکان حضور او در کابینه دولت بعد، آن هم در مقام ک‌ل‌ی‌د‌ی «معاون اول ریاست‌جمهوری» ممکن است، اظهاراتی که او قلاً و ت‌ل‌ی‌ا جالب‌تر می‌شود که به یاد بیاوریم طی مدت اخیر برخی از اصولگرایان از احتمال همراهی احمدی‌نژاد با یکی از گزینه‌های احتمالی جناح راست سخن گفته و معتقد بودند این تلاش احمدی‌نژاد از قضا نه برای کاندیداتوری مجدد بلکه برای زمینه‌سازی برای پیروزی گزینه مورد نظر طیفی خاص از اصولگرایان است. طیفی که برخی باور دارند، می‌خواهند از گزینه‌ای چون سیدابراهیم رییسی برای انتخابات ۱۴۰۰ حمایت کنند، بعضی از سعید جلیلی با این عنوان نام می‌برندند و گروهی هم از گزیننه‌های همچون پرویز فتح و چند اصولگرای به‌اصطلاح «عدالت‌خواه» دیگر سخن می‌گویند.

چرخش ۱۸۰+۱۸۰درجه‌ای

هر چه باشد اگر این تحلیل را حتی به‌طور نسبی بپذیریم آن‌وقت باید بگوییم این تنها احمدی‌نژاد نیست که با حرکات رونالدینیویی به دنبال کسب عنوان قهرمانی عالم سیاست است بلکه یاران دیروزش هم هنوز شبیه به او رفتار می‌کنند و اگر چه در کلام از ر‌ص‌لاح‌یتش می‌گویند اما در عمل به دنبال بازگشت او به قدرت‌اند.

احمدی‌نژاد: آن‌که بود!

امیری‌فر اشاره احمدی‌نژاد به خواننده‌ای خارج‌نشین را ناشی از رفتارهای پوپولیستی او می‌داند اما معتقد است ب‌س‌ا‌ی اقدامات، افرادی که پیش از این با احمدی‌نژاد گ‌ر‌ف‌ته‌اند و اگر اتفاقی در مورد تحریم‌ها نیفتد احتمالا دست بالا را در انتخابات پیش روی ریاست‌جمهوری نیز خواهند داشت. به همین منظور اگر به تحرکات اخیر احمدی‌نژاد نگاهی ببیندایم، درمی‌یابیم که او با قدرت، کار خود را برای انتخابات ریاست‌جمهوری آغاز کرده و در تلاش است که با پیروزی در دو جبهه، خود را به عنوان کاندیدی‌انهایی جریان اصولگرایی معرفی کند و اولین چالش او س‌د‌ی به نام شورای نگهبان است که پیش از این به آن بر خورده و در سال ۹۶ توسط همین شورا رد رای بکشاند. حال به نظر می‌رسد، که در بهتری از تأکید م‌و‌ک‌و‌د بر کلی‌واژه «ایران» در مصاحبه اخیرش داشته باشیم و بداییم که پوپولیسم از آنچه می‌اندیشیم به ما نزدیک‌تر است!

عضو حزب ندای ایرانیان



سال ۱۴۰۰ می‌رود، اصلاح‌طلبان نمی‌توانند به روش و شیوه قبلی شورای عالی فعالیت کنند. در واقع راه‌اندازی یک تشکیلات جدید لازم است تا دربار حضور با عدم نرسیده‌است. این کنشگر اصلاح‌طلب با تأکید بر اینکه ماموریت «شمع‌ا» انتخاباتی نبوده، گفته که ضرورت دارد از برخی شخصیت‌های اصلاح‌طلب برای مدیریت شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان شرکت کردن یا نکردن در این رمز‌مه‌هایی مبنی بر حضور دوباره عبدالله نوری در راس شمع‌ا شنیده می‌شد که با توجه به گوشه‌نشینی سیاسی که او انتخاب کرده، فعالیت مجدد او اندکی بعید به نظر می‌رسد.

در جر که اصلاح‌طلبان اما کسانی هستند که برخلاف امام معتقد به بازسازی تشکیلات قدیمی نیستند. آنها بر این باورند که اصلاح‌طلبان باید به‌س‌راغ تشکیلاتی جدید ب‌روند. اشرف بروردی، عضو سابق شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان در گفت‌وگو با اعتماد آنلاین مطرح کرده که «لاان که کشور به استقبال انتخابات ریاست‌جمهوری در

سیاست‌های احمدی‌نژاد

تریبون

یادگار امام:

قانون باید برای همه یکسان باشد



حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی گفت: «همه برابر قانون زندگی هم باید مساوی باشیم و اگر قرار است لطفی صورت بگیرد، اتفاقاً قانون باید به نفع فقرا و غیر قدرتمندان تفسیر شود.» به گزارش پایگاه خبری جماران، حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی تولیت موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در مراسم پنجاهمین سالگرد تأسیس بهشت زهرا(س) با بیان اینکه بهشت زهرا(س) از یک جهت نماد تساوی است، تصریح کرد: «همه برابر قانون مرگ مساوی هستیم. باید این‌د ر قانون زندگی هم جاری باشد. همه برابر قانون زندگی هم باید مساوی باشیم. اگر قرار است لطفی صورت بگیرد، اتفاقاً قانون باید به نفع فقرا و غیر قدرتمندان تفسیر شود؛ به تعبیر امام به نفع مستضعفین تفسیر شود. قانونی که وقتی به قدرت می‌رسد، تیغش نمی‌برد همان بهتر که از بیخ برداشته شود.» او با اشاره به اینکه شرایط کشور مان سخت است، افزود: «واقعیت این است که دشمنان قسم خورده‌ای داریم. تحریم‌های بسیار ظالمانه‌ای که در کشور پدید آورده‌اند عامل فقر، پایین آمدن سطح درآمد‌ها و سختی‌های شدید بر مردم شده‌است. علاوه بر آن ضعف مدیریت هم وجود دارد. علاوه بر اینها، بیکاری‌هایی اضافه‌شده که به دلیل شیوع کرونا در همه جهان رخ داده است؛ همه این واقعیت‌ها می‌طلبد که خدمت‌رسانی در همه بخش‌ها به خصوص در شهرداری بیشتر شود.» سیدحسن خمینی اظهار کرد: «دولت‌ونه بیشتر شدن خدمات شهرداری را ما در بحث کرونا دیدیم و ج‌ا‌ر‌د که من از شهردار متخصص تهران که شاید از متخصص‌ترین کارشناسان حوزه شهرسازی باشد که هم سابقه و هم تخصصش را دارد، توانمند، باهوش، متعهد و به‌رغم تقاضا کنم که شهرداری و جبهه کمک و خدمت‌ش را برای این دوره سخت‌تر قرار دهد. سختی‌هایی که از تحریم‌ها پدید آمده و آن ش‌ا‌ا‌ل‌ل‌ه خواندن لطفی کند و بر داشته شود.» او ادامه داد: «کشور ما بیش از ۱۰۰ سال است که وابسته به نفت بوده است. یعنی در طول ۱۲۰ سال گذشته نفت در آورده‌ایم و زندگی کرده‌ایم. هر وقت قیمت نفت خیلی بالا رفته، دچار بیماری‌های هلندی اقتصاد وقتی خیلی پایین آمده، دچار مشکلات دیگری شده‌ایم. دوره‌هایی تدبیر کرده‌ایم ولی چه کسی است که ندانند در آمد عمده کشور به نفت و مشتقات نفتی برمی‌گردد و امروز هم تراشیده و با ضعف مدیریت و عدم توجه به نقاط امن و بر جسته کردن بعضی فرع به جای بعضی اصول هم هست که آن‌ش‌ا‌ا‌ل‌ل‌ه باید اینها را هم مرتفع کنیم.» یادگار امام تأکید کرد: شورای شهر بسیار خوب، باهوش و باهمتی در تهران وجود دارد. شهرداری نیز می‌تواند و باید یکی از الگوهای بر جسته کمک به افکار فقیر و مستضعف باشد. البته کسانی که از بیرون به تهران نگاه می‌کنند، شهر تهران شهر طبقه متوسط به بالاست؛ در حالی که در شهر تهران هم دهک‌های ضعیف بسیاری داریم. شاید افرادی باشند که حتی از دهک‌های ۹ و ۱۰ روستایی هم درآمد کمتری دارند؛ باید آنها هم مورد توجه قرار بگیرند که در کشور، به نفع دوستان بوده و هست.»

آیت الله مجتهد شبستری:

ارتباط با چین

نفوذ امریکا را قطع می‌کند

آیت‌الله مجتهد شبستری، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در رابطه با تأثیر همکاری ایران و چین در روند اخراج امریکا بیان کرد: «روابط جمهوری اسلامی ایران با کشور چین از ابتدا روابط حسنه‌ای بوده و روز به روز در حال گسترش شدن است. از نظر قانون اساسی این روابط هیچ اشکالی ندارد و آنچه منظور است، این است که با کشورهای متخاصم مانند امریکا و اسرائیل نباید رابطه داشته باشیم و رابطه سالم اقتصادی و… با سایر کشور ها یالمانه است.» به گزارش مهر، او عنوان کرد: «از نظر منافع ملی نیز رابطه ایران با چین نه تنها مشکلی ندارد بلکه به نظر می‌رسد در شرایطی که با امریکا قطع رابطه کرده‌ایم و روابطمان تیره است، اقدام مناسبی است. از طرف دیگر ما به کشور‌های معروف غربی به دلیل اینکه دیپلمات‌ها و امریکاهستند تیار نباید روی تنش‌ها نشان دهیم و روابطمان با آنها خیلی گرم نیست در نتیجه میان بلوک شرق در زمینه ارتباط با چین که از نظر صنعتی و اقتصادی کشور پیشرفت‌های است و مانیز تاکنون از آنها به‌عهده‌ای ندیده‌ایم، مقتضی است که روابط اقتصادی و دیپلماتیک خوبی داشته باشیم.» عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: «امروز چین هم مضروب امریکاست و آنجا هم مانند ایران تحریم شده است، بنابراین حالا که مشترکاتی داریم مخصوصاً در شرایط فعلی این روابط مثبت از سببی می‌شود و هر چه روابطمان با چین گسترده‌تر شود، شاهد شد تعرض و نفوذ امریکا در خاور میانه مخصوصاً ایران قطع یا کمتر باشد.» مجتهد شبستری تصریح کرد: «وقتی آنها می‌بینند، ایران با یک کشور قدرتمند اقتصادی و صنعتی در ارتباط است و مشترکات اقتصادی و سیاسی زیادی دارد از ایران حساب می‌برد بنابراین سبب می‌شود، امریکا مقداری دست و پای خود را جمع کند طبق اصل ۸۹ قانون اساسی تمام عهدنامه‌ها و معاهده‌های بین‌المللی باید به‌تصویب مجلس برسد یعنی لازم‌الاجراء داده‌ای مطرح شده از سوی دولت به‌تصویب مجلس برسد تا به هر حله اجرایی در بیاید.» او اضافه کرد: «به هر حال در حالت کلی این روابط خوب است، دلیل اولیه خوب بودن این روابط به لحاظ اقتصادی و دلیل ثانویه آن به لحاظ سیاسی است که سبب می‌شود، امریکا از ایران حساب ببرد و روابط با چین مساله حیاتی و مطلوبی به نظر برسد.»

حمایت قاطعانه تر کیه از باکو

موضع گیری قاطعانه وزارت امور خارجه ترکیه در رابطه با حوادث اخیر در جبهه تووز در مرز آذربایجان و ارمنستان که در آن حمله نیروهای مسلح ارمنستان به آذربایجان به شدت محکوم شده است، نشان می دهد که آنکارا در کنار مردم و دولت آذربایجان که آنها را کشور دوست و برادر خود خطاب می کند، قرار گرفته است. ترکیه این حمله را مظهر جدیدی از سیاست تهاجمی ارمنستان می داند. همزمان با ادامه عملیات نظامی ترکیه در دشوارترین نقاط منطقه جغرافیایی از جمله ادلب، لیبی، شرق مدیترانه و شمال عراق، بروز بحران جدید در مرز آذربایجان – ارمنستان، ممکن است جدات تحولات منطقه ای نباشد. گروهی معتقدند که باهرای گسترش جبهه علیه ترکیه بحران های جدیدی نظیر بحران ارمنستان را ایجاد می کنند، اما ارتش ترکیه از ظرفیت مبارزه همزمان در چند جبهه برخوردار است. گروهی دیگر نیز مدعی اندارمنستان نیز برای سرپوش گذاشتن بر اقدامات تجاوزکارانه خود علیه آذربایجان، اکنون دست به تلاش های ریاکارانه برای سیاه نمایی علیه ترکیه زده است و این موضع ارمنستان که سال هاست به اشغال غیرمشروع خاک آذربایجان ادامه می دهد، آشکارا و صراحت نشان می دهد که چه کسی مانع اصلی برقراری صلح و ثبات پایدار در جنوب قفقاز است. اجرای سیاست خارجی بی این گونه اتهامات و تهمت های بی سند، نه برای منطقه و نه برای ارمنستان مفید نیست، به باور ترکیه، ارمنستان با این حمله قصد متصرف کردن توجّه جامعه بین المللی از اشغال قریب قاره کوهستانی و مناطق اطراف آن توسط ارمنستان و اعلام خومختاری را دارد و می خواهد از راه حل سیاسی این مناقشه با افزودن سایه های جدید به آن جلوگیری کند، در حالی که همه اینها محکوم به شکست است. طرف ارمنی باید از چنین تاکتیک های خطرناک خودداری و راه قانونی را انتخاب کند. آنکارا در مبارزه برای حفظ تمامیت ارضی آذربایجان با تمام امکانات خود در کنار این کشور خواهد بود. آنها سال هاست که به صورت غیر قانونی اراضی آذربایجان را تحت اشغال خود در آورده اند. این رویکرد به وضوح نشان می دهد که چه کسی مانع اصلی برقراری صلح و ثبات پایدار در قفقاز جنوبی است. ارمنستان برای فرافکنی حملات متجاوزانه خود به آذربایجان دست به «سیاه نمایی ریاکارانه» علیه ترکیه می زند. مقامات ارمنستان با حواس خود را جمع کرده و به جای ایجاد مسأله هر چه زودتر یاد بگیرند که بخشی از راه حل باشند. به باور ترکیه، ارمنستان که سال هاست به ادامه اشغال غیر قانونی آن در خاک آذربایجان انجاصمیت و سیاست خارجی این کشور مبتنی بر افترا زنی، به نفع هیچ کس نیست و این رویکرد نشان دهنده ذهنیتی است که تنها در کی یکجانبه از تاریخ دارد و می توشد تجاوز غیر قانونی اش را توجیه کند. این نگرش نادرست ارمنستان باعث ناامنی و تنش های مزمن در تاریخ جاری شده. عجب ندارد. این رویکرد، در یک تک بعدی از تاریخ دارد و سعی می کند موضع تهاجمی خود که با حقوق بین الملل مغایرت دارد، را مشروع نشان دهد. این موضع معیوب که امتی ملی گرای تهاجمی را شعلهور می کند، تاسف بار است، لکن تعجب آور نیست، باید مقامات ارمنستان، گفتند، شوند و هر چه سریع تر یاد بگیرند، به جای اینکه بخشی از مشکلات و مسائل جنوب قفقاز باشند، بخشی از راه حل این مسائل شوند.

اردوغان رئیس جمهوری ترکیه، با اشاره به حملات اخیر ارمنستان به خاک جمهوری آذربایجان گفته است تنش میان آذربایجان و ارمنستان وجود دارد. حملات ارمنستان علیه کشور دوست و برادرمان آذربایجان را به شدت محکوم می کنیم،مانسبت به تنش هایی که از زمان اشغال قریب قاز توسط ارمنستان و با ادامه حملات بی پروا و سیستماتیک این کشور به یک درگیری تبدیل شده است، نگرانیم. ترکیه همواره به هر گونه حمله به حق و حقوق و سرزمین جمهوری آذربایجان مقابله خواهد کرد.

ادامه حملات بی پروا و سیستماتیک، استفاده از سلاح های سنگین در مرز دو کشور نشان می دهد که این یک اقدام متجاوزانه علیه آذربایجان بوده به طور عمدی انجام شده و این حادثه بالاتر از ظرفیت ارمنستان است. ترکیه در مقابل آن دارای روابط برادرانه و دوستانه دیرینه ای است، بدون هیچ گونه تردیدی ایستادگی خواهد کرد. چنین اقدامی از سوی کشوری که در داخل سرزمین خود با مشکلات سیاسی، اقتصادی و بهداشتی ناشی از ویروس کرونا درگیر است، قبل از هر چیز بی احترامی به ملت خودش بوده و اعتقاد دارد، هزاران نفر از ارمنه که در ترکیه زندگی می کنند، این موضعیت، ضایع نداشته و نالیده هستند.

مولود چلووش اوغلو وزیر امور خارجه ترکیه نیز تأکید کرده است «ارمنستان باید سر عقل بیاید. ما تمام امکانات خود را برای خنثی کردن تنش های احتمالی در مرز دو کشور به کار می آوریم. ترکیه به هر روشی که در دسترسش باشد، از تنش میان آذربایجان و ارمنستان جلوگیری خواهد کرد. حملات متجاوزانه ارمنستان به خاک جمهوری آذربایجان، تهدید برای امنیت منطقه است. ما به هر روشی که در دسترس ما باشد، از تنش میان آذربایجان و ارمنستان جلوگیری خواهیم کرد. ارمنستان از مرزهای خود فراتر رفته و در حمله های خود، مرزهای آذربایجان را تهدید می کند. ما به هر روشی که در دسترس ما باشد، از تنش میان آذربایجان و ارمنستان جلوگیری خواهیم کرد. حملات متجاوزانه ارمنستان به خاک جمهوری آذربایجان، تهدید برای امنیت منطقه است. ما به هر روشی که در دسترس ما باشد، از تنش میان آذربایجان و ارمنستان جلوگیری خواهیم کرد. حملات متجاوزانه ارمنستان به خاک جمهوری آذربایجان، تهدید برای امنیت منطقه است. ما به هر روشی که در دسترس ما باشد، از تنش میان آذربایجان و ارمنستان جلوگیری خواهیم کرد.

از سیاست خارجی با نقد گام هایی که توسط وزارت خارجه برداشته می شد از سوی مقامات اقدایی برای زیر سوال بردن موفقیت های کشور تلقی می شد.»

تظاهرات جنجالی

تظاهراتی که روز چهارشنبه در باکو در راستای محکوم کردن حملات ارمنستان و درخواست از دولت برای پاسخ قاطع به ایران برگزار شد، از سوی الهام علی اف، رئیس جمهور به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. مقام های جمهوری آذربایجان در طول روزهای گذشته ده ها فعال سیاسی وابسته به ائتلاف «جبهه خلق آذربایجان» را به دلیل تدارک دیدن این تظاهرات و حمله به ساختمان پارلمان بازداشت کرده اند. تظاهرات کنندگان چهارشنبه شب با شعارهایی همچون «قرمباغ مال ماست»، «فرمانده کل قوا، اسلحه بده ما»، «بامرگ باقرمباغ»، «تحم الدین آفرمانده ستاد مشترک کنیروهای مسلح استغفا» در مقابل پارلمان تجمع کرده بودند. به نوشته برخی رسانه های آذربایجان از جمله روزنامه آزادلیق، نزدیک به ۳۰ هزار نفر در این تجمع کم سابقه اعتراضی در پایتخت شرکت کرده بودند. این تظاهرات بعد از ورود گروهی از معترضان به داخل ساختمان پارلمان و آسیب به ساختمان به خشونت کشیده شد. الهام علی اف در انتقادهای تند از این تظاهرات گفت: «ان گفته است «اینهادت را از منی هاستند، ارمنی هادشمنان علنی محسوب می شوند، اما اینهادر میان ما، خنث کرده اند، با پول و فرمان خارجی باعث گل آلود کردن آب می شوند، این کار، ایستادن در کنار دشمن است.» مقام های دولت علی اف، جبهه خلق آذربایجان را به ترتیب دادن و تشویق این تظاهرات متهم کرده اند. جبهه خلق آذربایجان مجموعه ای از احزاب کوچکتر مخالف دولت است که به عنوان یک جبهه اپوزیسیون در باکو فعال هستند. برخی منتقدان دولت علی اف، بازداشت اعضای جبهه خلق را سوء استفاده از بحران باارمنستان برای تسویه حساب با مخالفان سیاسی دولت توصیف کرده اند.

روایتی مسکوم و انکار

یک رسانه دولتی ایالات متحده امریکا، نبرد در مرزهای جمهوری های آذربایجان و ارمنستان را نشانی دیگر از رویارویی ترکیه و روسیه توصیف کرده است. صدای امریکا در گزارشی می نویسد که بعد از لیبی و سوریه، جنگ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان، یک رویارویی تازه غیر مستقیم میان آنکارا و مسکوست، چرا که هر یک از این دو قدرت منطقه ای از یک طرف دعوا حمایت می کنند. این رسانه امریکایی، دعوایمان ارمنستان و آذربایجان را به نبره های انرژی ترکیه، ارتباط داده است و می نویسد: «حمل وقوع نبردها در منطقه دور افتاده توووز، بسیار عجیب و کم سابقه است. معمولاً درگیری هادر منطقه قریب قاز رخ می دهد، اما منطقه توووز نزدیک به خط لوله گاز طبیعی قفقاز جنوبی است، خط لوله ای که ترکیه سرمایه زیادی روی آن قرار داده است و تاز وایستگی انرژی به روسیه راها شود.» به نوشته این رسانه دولتی ایالات متحده امریکا، ترکیه ۹۸ درصد از گاز طبیعی و ۹۲ درصد از نفت خام خود را از روسیه تأمین می کند.

تلاش روسیه و ایران برای توقف درگیری ها

آندری رودینکو، معاون وزیر امور خارجه روسیه در مصاحبه باخبرگزاری «تاس» اعلام کرد که مقامات مسکوا از تمامی امکانات برای حل و فصل تنش کنونی به وجود آمده بین ارمنستان و آذربایجان استفاده خواهند کرد. معاون وزیر خارجه گفت: «من فقط می توانم اطمینان دهم که تمام تلاش خود را خواهیم کرد و بهترین ویژگی های دیپلماسی روسیه را نشان خواهیم داد. تا این که تنشها منتهی به نفعی نباشد، بلکه به طور کلی، تیرگی در روابط بین دو کشور برادر و همسایه ما، ارمنستان و آذربایجان، حل و فصل شود.» سشنه شب هم محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران جداگانه با همتایان آذری و ارمنی خود تماس گرفته بود. وزیر امور خارجه کشورمان در تماس های تلفنی جداگانه با وزرای امور خارجه جمهوری آذربایجان و ارمنستان طرفین را به خویشنداری و آغاز گفت و گو برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات درباره منطقه قریب قاز دعوت کرد.



GettyImages

رئیس جمهور آذربایجان وزیر خارجه اش را از کار بر کنار کرد

باکو و ایروان: میز مذاکره یا میدان جنگ؟

وزیر خارجه جدید جمهوری آذربایجان کیست؟

ساعاتی بعد از برکناری وزیر خارجه آذربایجان که برخی دولت ها به شکل مستقیم به نفع یکی از طرفین اعلام موضع کرده اند، در جبهه ترکیه که به شکل سنتی از جمهوری آذربایجان حمایت می کند، وزیر دفاع ترکیه روز پنجشنبه در دیدار با یک هیات از جمهوری آذربایجان گفت که ارمنستان بهای سنگینی برای حمله به آذربایجان خواهد پرداخت. در این میان دولت مردان امریکایی هر چند خواستار توقف درگیری ها شده اند، اما مصاحدهای مختلفی از میان نهادهای این کشور به گوش می رسد: از جمله یک رسانه دولتی ایالات متحده امریکا در گفت و گو با یک کارشناس در بن آلمان می نویسد: «ترکیه تنها بازیگر در قفقاز است که اندکی به ارزش ها و منافع غربی پایبندی دارد و تنها طرفی است که می تواند جلوی سلطه ایران و روسیه بر این منطقه را بگیرد.»

تغییر وزیر خارجه آذربایجان

الهام علی اف، رئیس جمهور آذربایجان روز پنجشنبه در تصمیمی غیرمنتظره اعلام کرد که وزیر خارجه این کشور، العارممدیاراف را از کار برکنار می کند. علی اف در سخنانی تند و آتشین به انتقاد از عملکرد وزیر خارجه کهنه کار خود پرداخت و در برابر دوربین های تلویزیونی به مردم گفت که وزیر خارجه در شرایطی که همه مقام های دولت در محل کارهای خود حاضر بوده اند تا با بحران جنگ با ارمنستان رسیدگی کنند، در خانه مانده است و به بهانه «کار از خانه» وظایف خود را انجام نداده است. علی اف با انتقاد از عملکرد وزارت خارجه در انجام مذاکرات اخیر با جمهوری ارمنستان می رود: انتقال کمک های بشردوستانه به منطقه ناگورنو – قریب قاز گفت: «در این مدت، دستگاه سیاست خارجه و قش را به مذاکرات بی مورد تلف کرده است، مگر می شود با یک کشور دشمن که در حال جنگ با ما است و به کشور تعرض کرده است در مورد بیماری کووید گفت و گو کرد؟»

خبرگزاری تنوران جمهوری آذربایجان در گزارشی می نویسد: «انتصاب جیحون بایرام اف به عنوان وزیر امور خارجه امری غیرمنتظره محسوب می شود. موضوعی که این سوال را بر می انگیزد که انتخاب فردی که تا به امروز سابقه دیپلماتیک نداشته است، چگونه می تواند به کشور در وضعیت حساس کنونی کمک کند؟ البته این اقدام در تاریخ جمهوری آذربایجان بی سابقه نیست، پیش از این توفیق قاسم اف و ولایت قلی اف هم که دیپلمات های حرفه ای بودند در این مقام خدمت کرده اند، اما آنها دو سیاستمدار باتجربه قدیمی بودند. انتصاب قاسم اف و قلی اف در این مقام می توانست در دوران گذار و تشکیل حکومت جدید به بهانه فقدان نیروی انسانی با تجربه توجیه شود، اما بعد از گذشت چند دهه از استقلال جمهوری آذربایجان، این اقدام غیرمنطقی به نظر می رسد.

روای خواستار توقف درگیری ها میان ارمنستان و آذربایجان و پیگیری صلح از طریق گفت و گو و روند سیاسی شده اند و برخی دولت ها به شکل مستقیم به نفع یکی از طرفین اعلام موضع کرده اند: در جبهه ترکیه که به شکل سنتی از جمهوری آذربایجان حمایت می کند، وزیر دفاع ترکیه روز پنجشنبه در دیدار با یک هیات از جمهوری آذربایجان گفت که ارمنستان بهای سنگینی برای حمله به آذربایجان خواهد پرداخت. در این میان دولت مردان امریکایی هر چند خواستار توقف درگیری ها شده اند، اما مصاحدهای مختلفی از میان نهادهای این کشور به گوش می رسد: از جمله یک رسانه دولتی ایالات متحده امریکا در گفت و گو با یک کارشناس در بن آلمان می نویسد: «ترکیه تنها بازیگر در قفقاز است که اندکی به ارزش ها و منافع غربی پایبندی دارد و تنها طرفی است که می تواند جلوی سلطه ایران و روسیه بر این منطقه را بگیرد.»

شهاب شهسواری

روز را آغاز درگیری های مرزی میان جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان می گذرد. روز پنجشنبه و بعد از تقریباً ۲۴ ساعت آتش بس، دو طرف بار دیگر یکدیگر را به حملات به مواضع هم متهم کردند. بر اساس گزارش ها تاکنون ۱۵ نظامی و یک غیرنظامی از دو طرف در این درگیری ها جان باخته اند. دولت ارمنستان ادعا می کند که تاکنون هیچ کشته ای در این درگیری ها نداشته، اما دولت جمهوری آذربایجان کشته شدن چندین نظامی خود از جمله یک ژنرال را تأیید کرده است. همزمان با این تحولات، الهام علی اف، رئیس جمهور آذربایجان با کناره گیری وزیر خارجه کهنه کار دولت خود، اعلام کرده است که رویکرد تازه ای را در دیپلماسی دنبال خواهد کرد. وی گفته است که انتظار دیپلماسی فعال و قاطع از وزیر جدیدش دارد. کشورهایی همچون ایران و روسیه، پیشنهاد میانجیگری دیپلماتیک میان ارمنستان و آذربایجان را مطرح کرده اند.

ادامه درگیری هادر توووز

روز پنجشنبه باکو و ایروان یکدیگر را به حمله به مناطق مسکونی و غیرنظامی متهم کردند. درگیری هایی از یکشنبه هفته گذشته در منطقه توووز آذربایجان آغاز شده است، محلی که نزدیک به ۳۰۰ کیلومتر از منطقه قریب قاز که محل اختلاف قدیمی دو کشور از زمان استقلال است، فاصله دارد. اوکسیاوار طایان، تحلیلگر مسائل قفقاز در گروه بین المللی بحران معتقد است به این دلیل که دو طرف در منطقه مذکور ادعای ارضی و مناقشه مرزی ندارند، باید است که این درگیری ها بیشتر از این افزایش پیدا کند، به ویژه که این درگیری های مرزی به منطقه قریب قاز گسترش نیافته است. در حالی که بسیاری از کشورهای جهان از جمله جمهوری اسلامی ایران، جمهوری فدراتوروسیه و اتحادیه

سؤزه روز

آیا ممکن است «خرابکاری» جایگزین ایده «توافق با ایران» شده باشد؟

اتحاد خرابکارها علیه دیپلماسی

و بین المللی خود دست باید؛ اقدام خطرناکی که می تواند به مانند آتش افکندن در آنبار کار خاورمیانه باشد.

اهداف آشکار و پنهان اسرائیل

بیزنس اینسایدر به نقل از یک مقام امنیتی سابق اسرائیل که اکنون در نهادهای امنیتی وابسته به اتحادیه اروپا فعالیت می کند نوشته است که تل آویو به عنوان عضوی از کمپین «فشار حداکثری» تلاش دارد تا با بنادوم اقدامات خرابکارانه و انفجارهای مشکوک در ایران، پیش از آنکه دونالد ترامپ در نوامبر ۲۰۲۰ در انتخابات شکست بخورد، یک تقابل مستقیم با ایران ایجاد کند. پیش تر نیز نیویورک تایمز به نقل از یک مقام امنیتی از خاورمیانه نوشته بود: اسرائیل مسؤول اصلی انفجارهای اخیر در ایران است و وزیر خارجه این رژیم نیز در پنجم ژوئیه اعلام کرد «ما در حال انجام اقداماتی هستیم که بهتر است ناگفته بماند». مقامات جمهوری اسلامی ایران می گویند بیشتر انفجارها و آتش سوزی های اخیر اتفاقی بوده اما در مسأله انفجار در تاسیسات هسته ای نظنز اعلام کردند که «هی دانیم پشت پرده ماجرا چیست» اما در شرایط مناسب آن را اعلام خواهند کرد. یک مقام سابق دفاعی اسرائیل در این باره به بیزنس اینسایدر می گوید می توان تأیید کرد که «دست کم تعدادی از اتفاقات ایران» از سوی اسرائیل برنامه ریزی شده بود. او می افزاید: به رغم برخی اتهامات سیاست کلی اسرائیل در برابر ایران آشکار است: «آنها از دونالد ترامپ در اجرای سیاست فشار حداکثری به طور کامل پیروی می کنند.» به نوشته بیزنس اینسایدر به نقل از مقامات سابق اسرائیل، اقدامات اخیر به شدت تحت تأثیر انتخابات ماه نوامبر در امریکا است چرا که اسرائیل نگران انتخاب شدن مجدد ترامپ است و می خواهد با اقداماتی پیشاپیش جلوی برخی اتفاقات احتمالی در دولت بایدن را که از جمله آنها احیای توافق با ایران است بگیرد. آنها همچنین تأکید کردند که در قالب همکاری با دولت ترامپ، به برخی اقدامات خرابکارانه و بین المللی خود دست باید؛ اقدام خطرناکی که می تواند به مانند آتش افکندن در آنبار کار خاورمیانه باشد.

تأمین برق یک منطقه» به منظور قطع جریان برق انجام دهد. اقداماتی دیگر نظیر تخریب برای «پی آبرو کردن حاکمیت» اقداماتی با سطح خرابکاری بسیار بالا مانند سرکشی و بروس استاکس نت در سال ۲۰۰۹ که ساترن فیوژن های ایرانی در حال غنی سازی را هدف قرار داد، از جمله چیزهایی است که در قالب مجوز جدید و «یافته های ریاست جمهوری» اختیار آن به سیاستیافته شده است. یک افسر سابق سازمان جاسوسی امریکا در توضیح دیگر اقداماتی که با مجوز جدید برای سیاه کنان پذیرده شده است، می گوید: «در گذشته برای اینکه شما بتوانید ثابت کنید یک خبریه، پوششی برای کشور خارجی در راستای اقدام علیه امریکا است، باید اسل ها تلاش می کردید و با جمع آوری مدارک غیر قابل انکار، مقام قضایی را قانع می کردید که باید اقدامی علیه این خبریه صورت گیرد. اکنون اما با مجوز جدید همه چیز تغییر کرده و سیاه می تواند مستقیماً و بدون هیچ توضیحی اقدام کند.» او می افزاید: «سیاحتی اجازه پیدا کرد اطلاعات خصوصی افراد را یافته و در اینترنت افشا کند.» نشانه هایی از تغییرات جدید در اواخر سال ۲۰۱۸ آشکار شده بود. در سپتامبر آن سال جان بولتون، مشاور امنیت ملی رئیس جمهور با اعلام اینکه رئیس جمهور طی یک دستور غیر رسمی، بسیاری از قوانین و شرایط دولت اواما در خصوص عملیات های سایبری را رعلق کرده، گفت که ترامپ در قالب «این نامه شماره ۱۳ امنیت ملی» تغییراتی را در این بخش اعمال کرده که از جمله آنها تغییر در قوانین عملیات سایبری نظامی است. سیاست دولت ترامپ برای برخورد با کشورهایی که امریکا را تهدید می کند، به عنوان «این حمله آنچه به نیویورک اقدام به جاسوسی اجازه می دهد تا به طور مستقیم اقداماتی بشدت تهاجمی علیه کشور های دشمن انجام دهد». به گفته این مقام پیشین نام کشورهای روسیه، چین، ایران و کره شمالی مستقیماً در این سند ذکر شده است اما بر اساس اطلاعات یک مقام سابق دیگر، این مجوز می تواند علیه دیگر کشورها نیز که نام شان مستقیماً در سند مذکور ذکر نشده، مورد استفاده قرار گیرد. اختیارات جدید سیاه در فضای مجازی به آن معنی نیست که این سازمان جاسوسی بخواد با هک کردن تلفن همراه یا حساب کاربری افراد، اطلاعاتی به دست آورد بلکه به سیاه اجازه می دهد تا روش تلاش دارد تا سایبری اقداماتی خرابکارانه نظیر «هدف قرار دادن منبع

پیدا و پنهان

چه کسانی مخالف مالیات بر خانه‌های خالی هستند؟

محمد عدالتخواه، کارشناس حوزه مسکن با بیان اینکه بسیاری افراد با تصاحب زمین‌های موات و ارزشمند شدن زمین و خانه‌های خود از طریق زیرساخت‌های شهری به ثروت هنگفت رسیدند، گفت: این مالکان که در واقع فئودال‌های مدرن و صاحبان مجتمع‌های مسکونی هستند با مالیات خانه‌های خالی مخالفت می‌کنند. او افزود: ریشه مخالفت‌ها در یافت مالیات از خانه‌های خالی در واقع به‌رأنتی برمی‌گردد که بعضی افراد، دستگاه‌های خالی و بانک‌کسب کردند و هم‌اکنون دارای تعداد زیادی واحد مسکونی هستند. عدالتخواه تاکید کرد: به‌اعتقاد من ضرایب مالیاتی که برای واحدهای خالی از سکنه تعیین شده بازدارندگی لازم را ندارد. در کشورهای اروپایی برای خانه یا خودروهای دوم‌و بیشتر به قدری مالیات می‌پندند که به جز معدودی از سرمایه‌داران بزرگ، کسی قادر به نگهداشتن چند خانه یا چند ماشین نیست. به همین دلیل با وجود آنکه تعداد خانه‌های خالی در بعضی کشورهای اروپایی، کمتر از ایران است، مسکن در اروپا به کالایی مصرفی و در ایران به کالایی سرمایه‌ای تبدیل شده‌است.

افزایش نرخ سود بانکی نقدینگی را به بانک‌ها نمی‌برد

محمدرضا جمشیدی دبیر کانون بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی درباره مصوبه جدید نرخ سپرده‌های بانکی می‌گوید: این مصوبه همان مصوبه قبلی شورای پول و اعتبار است که حاکم نرخ سود سپرده‌ها ۱۸ درصد بود اما اکنون سپرده‌ها را به مدت زمان‌های کوتاه‌تری چون سه و شش ماهه تقسیم کرده‌اند. او با بیان اینکه هدف این تصویب افزایش نرخ سود برای جمع‌آوری نقدینگی سرگردان در بازارهاست، گفت: به توجه به نرخ تورمی که اکنون در اقتصاد کشور موجود است، این افزایش نرخ سود سپرده‌های بانکی در کنترل یا کاهش نقدینگی بی‌تاثیر نیست اما نمی‌توان تاثیر چشم‌گیری در این زمینه پیش‌بینی کرد، زیرا این مصوبه تغییری با گذشته نکرده و همان ۱۸ درصد سود است اما سود سپرده دوساله هم در نظر گرفته‌اند که در گذشته بانک‌ها نمی‌توانستند بیش از یک‌سال سپرده‌صادر کنند. در ادامه جمشیدی با بیان اینکه با وجود تورم نمی‌توان پیش‌بینی از افزایش جذب نقدینگی توسط بانک‌ها کرد، اظهار کرد: نرخ تورم موجب می‌شود میزان زیادی نقدینگی سرگردان در بازارها داشته باشیم و تا زمانی که مشکل تورم حل نشود، افزایش سود سپرده‌های بانکی نمی‌تواند در هدایت نقدینگی‌های سرگردان به بانک‌ها تاثیر گذار باشد. به گفته او، بیشتر از این‌میزان هم نمی‌توان نرخ سود سپرده‌ها را افزایش داد، زیرا برابرمیزان نرخ سود سپرده با سررسید دو ساله ۱۸ درصد تعیین شده، درحالی‌که نرخ تسهیلات در ۱۸ درصد است که در این شرایط، سود سپرده را ماه به ماه می‌پزد و نیم سود تسهیلات را ماه‌ها بانک‌ها شش ماه تا یک‌سال بعد در یافت می‌کنیم و این سود برای بانک‌ها زیان‌آور است.

انتظار بی‌ثمر ۳ ساله برای حضور هندی‌ها در راه‌آهن چابهار

خیراله خادمی، مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه زیربنای حمل و نقل در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی ایلنا درباره کنار گذاشتن هند از پروژه توسعه خط آهن زاهدان و اتصال چابهار به شبکه ریلی اظهار داشت: در خرداد سال ۹۵ با شرکت دولتی ایرک هند مذاکراتی برای سرمایه‌گذاری در بخشی از پروژه راه‌آهن چابهار زاهدان داشتیم که در ادامه آن توافقنامه‌ای بین دو کشور منعقد شد، پس از مدتی مدیرعامل این شرکت دولتی برای توافق قیمت‌های سفری به ایران داشت که پس از انجام مذاکرات توافقنامه اجرایی هم امضا شد. او ادامه داد: طبق توافقنامه منعقدشده ایران و هند قرار بر این شد که تامین مالی و اجرای زیرسازي این پروژه ریلی با هندی‌ها باشد و قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاءبش زیرسازي این پروژه را به‌اجرا برساند. همچنین تامین برخی از ادوات مانند ریل و سوزن هم برعهده هند بود. معاون وزیر راه و شهرسازی تاکید کرد: به‌رغم پیگیری‌های مستمر ایران در سال‌های ۹۵ و ۹۶ اما هندا اقدامات خود طبق توافقنامه را انجام نداد و از آنجایی که مدت زمان این توافقنامه طولانی شد تصمیم گرفتیم پروژه را با منابع داخلی خودمان پیش ببریم و بخشی از منابع هم با درخواست دولت و موافقت رهبری از صندوق توسعه ملی تأمین شد. او ادامه داد: این رو با تاخیر هندی‌ها منابع مالی از داخل کشور تأمین و از اواخر سال گذشته پروژه راه‌آهن زاهدان-چابهار به‌صورت جدی فعال شد.

کاهش ۴۵ درصدی خودروهای ناقص کف کارخانجات

براساس آمار اعلامی وزارت صمت، تولید جمعی خودرو و اول فروردین ۲۴ تیر ماه ۹۹ یا رشد ۱۸ درصدی مواجه بوده‌است. همچنین تحویل خودروهای مربوط به تعهدات معوق ۴۵ درصد بهبود یافته‌است. تحویل خودرو و نیز از ابتدای اسفند ۲۴ تیر ماه، از رشد ۳۰ درصدی برخوردار بوده است، به نحوی که در این بازه زمانی در سال ۹۸ معادل ۱۶۴ هزار و ۱۹۰ دستگاه خودرو تحویل مشتریان شده که این میزان در سال ۹۹ به ۲۱۴ هزار و ۲۴۴ دستگاه رسیده‌است. در مدت مشابه این سال ۹۹ هزار و ۷۱۱ دستگاه خودرو تحویل شده که در سال ۹۸ معادل ۸۷۵ دستگاه خودروی ناقص کف کارخانجات بوده‌است. همچنین تحویل خودروهای مربوط به تعهدات معوق ۴۱ درصد بهبود یافته به نحوی که تعداد تحویل و تعهدات معوق خودرو روران در سال ۹۸ معادل ۱۲۶ هزار و ۴۳۳ دستگاه بوده‌است. در مدت مشابه سال جاری به ۱۷۸ هزار و ۲۰۹ دستگاه رسیده‌است.

گفت‌وگو



علی حدادی اصل / آنا

گفت‌وگو با عباس هشی، کارشناس اقتصادی

نرخ ارز در بازار تبریز، تهران و دوبی کنترل می‌شود

گرگ‌های وال استریت در مقابل گرگ‌های بورس تهران، گربه هم نیستند

چه‌رسد به روزهای سخت که هر روز قیمت دلار بالا می‌رفت (کاهش ارزش پول ملی).

کل دلارهای خانگی نیز بین ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار تخمین زده‌شد. از کل ۲۰ میلیارد دلار ارزهای صادراتی براساس گفته‌های رییس بانک مرکزی در سال ۹۷ بین ۶ تا ۷ میلیارد دلار آن به کشور وارد شده است. بر گشت دلار در سال ۹۸ دست‌کمی از سال ۹۷ نداشت در حالی که صادرات در سال‌های ۹۷ و ۹۸ هر یک بیش از ۲۰ میلیارد دلار بود. یعنی افراد حقیقی یا حقوقی که ارز گرفتند، نه تنها آن را برنگردانند که طلبکار نیز بودند. درواقع می‌توان گفت دولت هیچ کنترل و نظارت عملیاتی و عام‌المنه‌ای بر دراندگان ارز خارج از کشور ندارد. اما این تمام ماجرا نیست، چرا که در سوی دیگر دولتی قرار دارد سفته‌بازانی در بازار سرمایه فعالیت می‌کنند که ریسک سرمایه‌گذاری را به حساب‌داران منتقل می‌کنند. او می‌گوید، امکان ندارد قیمت یک سهم در کمتر از ۱۸ ماه حدود ۱۷۰۰ درصد افزایش داشته باشد مگر با سفته‌بازی. او سیاست یک‌پام و دو هوا در برخورد با حساب‌برسان مستقل را نیز از جمله اقداماتی می‌داند که در نهایت می‌تواند با دستکاری در صورت‌های مالی، مخاطرات بورس را افزایش دهد. مشروح گفت‌وگو در ادامه می‌خوانید.

■ نرخ دلار در روزهای اخیر با وجود افزایش نرخ سود سپرده‌های بانکی و امید برای کاهش قیمتش، افزایش یافت. به نظر می‌رسد سیاست افزایش نرخ سود سپرده‌های بانکی که ابزاری برای کاهش نرخ دلار داشته باشد، اثر معکوسی بر آن داشته.

متأسفانه در سال‌های اخیر برای مسائل اقتصادی، تصمیم‌های آنی و شبانه‌زادی گرفته می‌شود. یک روز سود بانکی برای حرکت سرمایه‌به بورس کاهش می‌یابد و دیگر روز برای امر دیگری، نرخ سود را افزایش می‌دهند. علت تصمیمات اخیر در اقتصاد، نیاز کشور به تأمین ارز است. زمانی می‌توان از تحت کنترل بودن قیمت دلار سخن گفت که عرضه نیز متولب و نیاز باشد شکل گیرد. مدعای این گزارش در توانایی دولت به کاهش نرخ ارز دولت از ذخایر بانک مرکزی برای بهبود شرایط در بازار ارز کمک می‌گرفت. در واقع اقتصاد وابسته به نفت و متأسفانه افرادی که در طرف دیگر این سیاست بودند، نتوانستند وظایف خود را انجام دهند. زمانی که نرخ ارز داشت اما وقتی موانع ورود ارز به کشور افزایش یافت، به سراع خصولتی‌هایی رفت که ارز صادراتی داشتند. درواقع دولت گمان می‌کرد خصولتی‌های می‌توانند از رابر گردانند اما جهش‌های قیمت دلار تا مراد دولت را به این نتیجه رساند که این گروه از ارزبگیران، به دلیل تفاوت قیمتی در بازار آزاد و ارز دولتی، انگیزه لازم برای بازگرداندن ارز را ندارند. از این رو برای افزایش رغبت به آنها گفت به جای مبادله ارز با قیمت ۴۲۰ تومان آن را در سامانه نیما به فروش رسانند. در شرایطی که برخی صادرکنندگان از آوردن ارز به کشور خودداری کردند، نرخ ارز به ۱۸ هزار تومان رسید و هزینه‌های زندگی مردم سه برابر شد. با تشویق صادرکنندگان که به فروش ارز در سامانه نیما قیمت ارز بر سراسیمی سقوط قرار گرفت اما هزینه‌های زندگی به واسطه قیمت دلار افزایش یافته بود، نزولی نشد. با وجود ورود ارز به کشور اما راهی نیست که سود دارد که برخی شرکت‌های بورسی و بانک‌هایی در ۹ اسفند ۹۶ طبق صورت‌های مالی خودشان در حساب‌های خارج از کشور بالای ۲۰ میلیارد دلار سپرده داشتند، دولت به آوردن این ارز‌ها در اوایل سال ۹۷ دل‌پاشه بود. اما این خصولتی‌ها روز روز به حرف دولت گوش نمی‌دادند،

بخش دارد، بخش اولیه آن تزریق پول به تولید است، درحالی‌که عرضه اولیه آن بسیار کم است. باید به این نکته نیز اشاره کنیم که سال‌هاست نرخ ارز در بازار تبریز، تهران و دوبی کنترل می‌شود. نوسانات ریز و درشت دلار به دلیل ناتوانی دولت در مقابله با این بازارهاست. از سوی دیگر اقتصاد دولتی بالای ۶۰ درصد صا است که نرخ دلار را می‌چرخاند و دولت نیز کار زیادی برای مقابله با آن ندارد. باز هم جای شکر دارد که آقای روحانی به عنوان اولین رییس جمهور در سال آخر ریاست خود، سهام پنگاه‌ها را در بازار عرضه می‌نماید. در واقع در تلاشند بدهی چندین ساله دولت و مجلس به مردم و رهبری را در اولویت قرار دهند. اما متأسفانه برای کاهش تصدی‌گری دولت در حوزه حساب‌رسی که منجر به بهره‌مندی حسابداران رسمی مستقل کشور از سیاست‌های اجرایی و احکام توسعه کسب و کار می‌شود، نه تنها اقدامی بر نداشتند حتی وزیر اقتصاد و رییس شورای بورس با مصوبه ۸ خرداد ۱۳۹۸ توسعه کسب و کار را کاهش هم داده‌اند. اما اگر متناسب با عرضه اولیه، سهامداری نباشد حباب قیمتی در بورس ایجاد می‌شود. در این صورت است که قیمت سهام دو یا سه برابر می‌شود. در واقع با دستکاری نرخ بهره تغییر در رویه قیمت برخی سهام رخ نمی‌دهد. به عنوان مثال در سال ۸۷ قیمت سهمی که ۱۰۰ تومان بود و ۴۰ درصد سود می‌داد در پایان سال گذشته به ۲۵۰ تومان افزایش یافت که باید به سهامدارانش ۵۰۰ تومان سود بدهد. این شرکت زمانی می‌تواند سود بدهد که سودش ۱۰ برابر شده باشد. خب اگر شرکت نتواند از پس پرداخت این میزان سود ببرد، قیمت کالاها و خدماتی که ارائه می‌دهد را افزایش می‌دهد. این امر در دل اقتصادی که ۴۰ درصد از به دولت وابسته است، تورم به همراه دارد، چراکه بزرگ‌ترین مصرف‌کننده کالا خدمات دولت است. مامور کنترل تورم نیز وزارت اقتصاد است. برای کنترل تورم باید چند کار صورت بگیرد: مالیات، حساب‌رسی، سرمایه‌گذاری کار خبی، سیاست‌های اقتصادی و انضباط مالی. بازار سرمایه نیز در چند ماه اخیر عملی برای تغییرات در تورم شده‌ای یک طرف قیمت سهم بالا می‌رود و توقع مردم زیاد می‌شود و در نتیجه قیمت کالا و خدمات شرکتی نیز افزایش می‌یابد. دولت با یک دست یک وزن نه برمی‌دارد در حالی که وزن نه تورم را نمی‌تواند تنها با یک دست حمل کند.

■ **رشد و جهش بورس به نفع چند دسته‌است؟**
اول اینکه عرضه شرکت‌های دولتی در واقع ادای دینی است به مردم. دوم اینکه دولت با منابعی که از عرضه شرکت‌ها در بورس به دست می‌آورد، سرمایه‌گذاری کرده و پولی به تولید تزریق می‌کند. سوم کار گزاران نیز سهم دارند. هر خرید و فروش به دست می‌آورد. البته به‌عضا مشاهده شده برخی سب‌گردان‌ها به صورت پور تقوילו کار می‌کنند و تا مشاوره سرمایه‌گذاری تا ۵۰۰ درصد سود حاصله را طلب می‌کنند.

■ **شما معتقدید در بورس افرادی هستند که سید گرگ‌انی و دلالی می‌کنند، آیا همین امر بر نرخ ارز نیز تاثیر می‌گذارد؟**

در سال ۱۳۹۰ کل حجم عملیاتی بورس زیر ۱۰۰ درصد بود. بازار این بحران آرایه‌شده. البته تفاوت تحریمی و سخت اقتصادی این روزهای اخیر کشور، واقعیتی است که نمی‌توان آن را دور از نظر داشت و باید اعتراف کرد که برآمد ناشی از این شرایط باشد. واقعیت این است که برای شرایط فعلی اقتصاد در ایران تئوری دادن کار آسانی نیست: از این رو راهکارهایی که عنوان می‌شود با فرض شرایط نرمال و پایین بودن ریسک و خطر پذیری آرایه می‌شود. همین حالا باید تصمیم بگیریم: به صنایع معيوب وابسته خودرو و سازي مان را به اندیشه جلوگیری از خروج مواد خام و زایدی و به دست آوردن ارزش افزوده بیشتر در سروه سیاست‌های کلان قرار دهیم. راهکارهای توسعه منابع تولیدی برای راندمان بالا برای همه مناطق کشور باید تولید صنایع برای صنایع وابسته به انرژی‌های تجدیدپذیر باشد. توسعه پایدار این کار در درجه اول نیاز به حذف قوانین دست و پا گیر و در درجه دوم ایجاد مزیت برای سرمایه‌گذاران است. کار در بازگشت سرمایه در این مدل از صنایع است قطعا در دست بخش‌های دولتی به سندی که نتوانسته به کارخانه توسعه صنایع با مفهوم انرژی برپرداز، نیاز است و البته نیاز است کار گروه یا متولی برای آن در نظر گرفته شود. اگر امر و اتفاقاتی را که در آینده نزدیک برای مان رخ خواهد داد، تحلیل کنیم و برای تغییرات آینده تدبیر بگیریم، باید اصل آن گزارش بود. این سیاست یک پام و دو هواست.

برای پاسخ به این سوال باید این نکته را مدنظر قرار داد که نقدینگی و سود بانکی برای کسبل سرمایه به بانک‌ها متفاوت است. تغییرات حبابی در بازار به دلیل وجود پول‌هایشان را در بانک گذاشتند، کاهش ۱۰ درصدی گرگ دارد که گرگ‌های وال استریت جلوی آنها مانند گربه هستند. از سوی دیگر در چند سال اخیر دولت تضعیف‌کننده روحیه مردم شده به نوعی اطمینان مردم به دولت کاهش فراوانی داشته است. در این شرایط مردم اطمینانی به حرف‌ها و اقدامات سیاست‌گذاران ندارند، بنابراین با اقدامات یک‌شبه و کاهش نرخ بهره تغییر در میزان سپرده‌های بانکی به وجود نمی‌آید.

■ **شما معتقدید در شرایطی که دلار چند نرخ می‌شود، دولت در صدد جبران کسری بودجه است.**
شود، قیمت دلار در بازار حدود ۲۴ هزار تومان است

بخش دارد، بخش اولیه آن تزریق پول به تولید است، درحالی‌که عرضه اولیه آن بسیار کم است. باید به این نکته نیز اشاره کنیم که سال‌هاست نرخ ارز در بازار تبریز، تهران و دوبی کنترل می‌شود. نوسانات ریز و درشت دلار به دلیل ناتوانی دولت در مقابله با این بازارهاست. از سوی دیگر اقتصاد دولتی بالای ۶۰ درصد صا است که نرخ دلار را می‌چرخاند و دولت نیز کار زیادی برای مقابله با آن ندارد. باز هم جای شکر دارد که آقای روحانی به عنوان اولین رییس جمهور در سال آخر ریاست خود، سهام پنگاه‌ها را در بازار عرضه می‌نماید. در واقع در تلاشند بدهی چندین ساله دولت و مجلس به مردم و رهبری را در اولویت قرار دهند. اما متأسفانه برای کاهش تصدی‌گری دولت در حوزه حساب‌رسی که منجر به بهره‌مندی حسابداران رسمی مستقل کشور از سیاست‌های اجرایی و احکام توسعه کسب و کار می‌شود، نه تنها اقدامی بر نداشتند حتی وزیر اقتصاد و رییس شورای بورس با مصوبه ۸ خرداد ۱۳۹۸ توسعه کسب و کار را کاهش هم داده‌اند. اما اگر متناسب با عرضه اولیه، سهامداری نباشد حباب قیمتی در بورس ایجاد می‌شود. در این صورت است که قیمت سهام دو یا سه برابر می‌شود. در واقع با دستکاری نرخ بهره تغییر در رویه قیمت برخی سهام رخ نمی‌دهد. به عنوان مثال در سال ۸۷ قیمت سهمی که ۱۰۰ تومان بود و ۴۰ درصد سود می‌داد در پایان سال گذشته به ۲۵۰ تومان افزایش یافت که باید به سهامدارانش ۵۰۰ تومان سود بدهد. این شرکت زمانی می‌تواند سود بدهد که سودش ۱۰ برابر شده باشد. خب اگر شرکت نتواند از پس پرداخت این میزان سود ببرد، قیمت کالاها و خدماتی که ارائه می‌دهد را افزایش می‌دهد. این امر در دل اقتصادی که ۴۰ درصد از به دولت وابسته است، تورم به همراه دارد، چراکه بزرگ‌ترین مصرف‌کننده کالا خدمات دولت است. مامور کنترل تورم نیز وزارت اقتصاد است. برای کنترل تورم باید چند کار صورت بگیرد: مالیات، حساب‌رسی، سرمایه‌گذاری کار خبی، سیاست‌های اقتصادی و انضباط مالی. بازار سرمایه نیز در چند ماه اخیر عملی برای تغییرات در تورم شده‌ای یک طرف قیمت سهم بالا می‌رود و توقع مردم زیاد می‌شود و در نتیجه قیمت کالا و خدمات شرکتی نیز افزایش می‌یابد. دولت با یک دست یک وزن نه برمی‌دارد در حالی که وزن نه تورم را نمی‌تواند تنها با یک دست حمل کند.

■ **در همین شرایطی که انتشار یک دید نرخ سود بانکی پایین آمد تا محرکی باشد برای کسبل سرمایه‌ها به بانک‌ها، آیا این امر می‌تواند جلوی نقدینگی سرگردان و تغییرات حبابی در سایر بازارها را بگیرد؟**
برای پاسخ به این سوال باید این نکته را مدنظر قرار داد که نقدینگی و سود بانکی برای کسبل سرمایه به بانک‌ها متفاوت است. تغییرات حبابی در بازار به دلیل وجود پول‌هایشان را در بانک گذاشتند، کاهش ۱۰ درصدی گرگ دارد که گرگ‌های وال استریت جلوی آنها مانند گربه هستند. از سوی دیگر در چند سال اخیر دولت تضعیف‌کننده روحیه مردم شده به نوعی اطمینان مردم به دولت کاهش فراوانی داشته است. در این شرایط مردم اطمینانی به حرف‌ها و اقدامات سیاست‌گذاران ندارند، بنابراین با اقدامات یک‌شبه و کاهش نرخ بهره تغییر در میزان سپرده‌های بانکی به وجود نمی‌آید.

■ **شما معتقدید در شرایطی که دلار چند نرخ می‌شود، دولت در صدد جبران کسری بودجه است.**
شود، قیمت دلار در بازار حدود ۲۴ هزار تومان است



سال‌هاست نرخ ارز در بازار تبریز، تهران و دوبی کنترل می‌شود. نوسانات ریز و درشت دلار به دلیل ناتوانی دولت در مقابله با این بازارهاست. از سوی دیگر اقتصاد دولتی بالای ۶۰ درصد صا است که نرخ دلار را می‌چرخاند و دولت نیز کار زیادی برای مقابله با آن ندارد.

خبر

مشوق‌های مالیاتی برای بازار اجاره

پروانه اصلی، مدیر کل دفتر اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی گفت: مشوق‌هایی برای بازار اجاره در تمکین مالکین از ثبت واحدها در سامانه در نظر گرفته شده است بنابراین مالکینی که تا شهریور خانه‌های خالی خود را از به کننداز مالیات تاکنون معاف می‌شوند. به گفته او، در این طرح قرار نیست در سرمایه‌گذاری مالیاتی در یافت شود و فقط از سوداگران بازار مسکن مالیات دریافت می‌شود. گرفتن مالیات از خانه‌های خالی موجب عرضه بخشی از خانه‌های خالی به بازار مسکن خواهد شد، بنابراین با این کار بیش از دو برابر تولید ظرفیت یک کشور و در بازار خواهد شد. اصلی گفت: اگر این قانون بنیاد ۵۰ درصد خانه‌های خالی را وارد بازار کند موفق خواهد بود.

ایران نفتکشی را که توسط امریکا توقیف شده بود پس گرفت

رییس یک سازمان حقوق بشر در امور دریایی اعلام کرد نفتکش اسمایی گالف که امریکا به خاطر نقض تحریم‌های علیه ایران صادره کرده بود در روز پنجم جولای از ساحل امارات حرکت کرده و وارد آب‌های ایران شده است. به گزارش سنسیم به نقل از الجزیره، یک سازمان در بانو دی در گزارش تایید نشده اعلام کرد نفتکشی که امریکا به خاطر نقض عا مدانه تحریم‌ها علیه ایران صادره کرده بود، روز پنجم جولای از ساحل امارات متحده عربی حرکت کرده است. تصاویر ماهواره‌ای این کشتی را در روز پنجشنبه در آب‌های ایران نشان می‌دهد. مشخص نیست چه اتفاقی در نفتکش «م‌تی اسکای گالف» با پرچم دومینیکا افتاده ولی گزارش حرکت این نفتکش پس از ماه‌ها درگیری بین ایران و امریکا منتشر شده است. دویدها موند، رییس سازمان حقوق بشر در امور دریایی می‌گوید که اپیتان نفتکش اسکای گالف تایید کرده که این کشتی حرکت کرده است. هاموند ۲۶ نفر از ملوانان هندی این کشتی به کشور خود باز گشته‌اند و دو نفر دیگر در تهران به سر می‌برند.

ادامه از صفحه اول

شمارش معکوس برای زمین

نوع توسعه و بهره‌برداری ما از این منابع ارزشمند با حداقل اهتمام نسبت به توسعه پایدار و حفظ محیط‌زیست همراه بوده است و اکثریت بررسی‌های نشان می‌دهد که نگرانی‌ها نسبت به کاهش آلودگی در کل توسعه صنعتی در غرب بسیار جدی‌تر از کاهش آلودگی در کل توسعه صنعتی در غرب بسیار جدی‌تر از کاهش آلودگی در کل توسعه صنعتی در غرب بسیار در آن نفس می‌کشیم برای تمامی ساکنان زمین مشترک است، عواقب صنعتی شدن دامنگیر همه حیوانات، نباتات و نوع بشر می‌شود و اگر چه شدت این عواقب نسبت به حساسیت و توانایی این گونه‌ها متفاوت است اما به جرأت می‌توان گفت که گرمایش زمین و تغییرات آب و هوایی کار را برای همه ساکنان، به مرز هشدار رسانده است. از همین رو معاهده پاریس مطرح شد و در واقع تعهداتی در آن بر دوش کشورها نهاده شده تلاش شده برای عدم تمدن‌اندازی برای جلوگیری از شمارش معکوس بمب ساعتی است که انفجار این روزها کرانه فرصتی را در اختیار کشورهای توسعه یافته قرار داد تا با استفاده از نسل جدید باتری‌های LFP به دنبال یک رنسانس در مصرف انرژی در جهان باشند. LFP در این روزها برای صنعت حمل و نقل برقی فراهم کرده است که به زودی بنزینی‌ها را به سرنوشت درشکه‌های اسبی گرفتار خواهد کرد. البته کار تنها به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که حداقل در بازارهای کشورهای توسعه یافته دیگر جایگاهی برای مصرف آنها نخواهد داشت. این روند به همین جا ختم نخواهد شد؛ قوانین سخت‌گیرانه در خصوص استفاده از محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی که بر تکت‌های زبست محیطی در تولید آنها مدنظر گرفته شده است خواهد شد که

۸
ادامه از صفحه اول

دست رد بر سینه ییگانه

هر چند که کلای این سه جوان در روزهای بعد،واکنش های متفاوتی را نشان دادند و بحث‌هایی را مطرح کر دند، اما واکنش اصلی به تایید حکم اعدام آنان در جای دیگری اتفاق افتاد.از روز چهارشنبه به‌ناگاه در فضای مجازی و شبکه‌های مختلف اجتماعی با هشتگ «اعدام نکنید» واکنش‌ها شروع شد.در پی این واکنش‌ها، گروه‌های مختلف در حرکت مدنی درباره این سه جوان و تایید حکم اعدام آنان اتفاق افتاد.
پست‌های مختلفی که به‌تدریج از مرز ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار هشتگ هم گذشت و همچنان (تاحظه‌نوشته شدن این مطلب) ادامه دارد. هشتگ «اعدام نکنید» شاید در وهله‌اول پیام امر به معروف ونهی از منکر حاکمیت ادر در خود داشت که از مسوولان امر در خواست می کرد در این قضیه‌به‌خصوص چندان این شکل ازقبول‌رایی‌می‌نبداما نکته‌مهم‌تری که در دل این بیان اعتراض در فضای مجازی وجود داشت،تغییر شکل اعتراض در دل جامعه‌مدنی ایران بود.به این نکته باید توجه کرد که در بسیاری از تحلیل های اخیر درباره جامعه‌مدنی ایران حتی حکم مرگ آن نیز صادر شده بود.جامعه‌ای که با مشکلات اقتصادی بسیاری دست و پنجه نرم می کند و بر بن‌بست حر کت برای تجربه‌هایی چون حضور در خیابان، گویا دیگر راهی برای ارایه نداشت، اما اعلام تایید حکم اعدام سه جوان حوادث آبان‌ماه سال ۱۳۹۸ نشان داد که بخشی از جامعه مدنی ایران ممکن است به‌ناگاه به‌میدان بیایدو تجربه‌های به‌یادماندنی را رقم بزند.اتفاق که به‌خوبی نشان می داد جامعه‌ای‌رانی همچنان مسائل راه‌بدهفت صدمی‌کند و در موقع مقتضی باخلاقیت خاص خود به میدان می آید.اما این داستان همین جاتخم نند، چرا که بعد از چهارشنبه شب و اعلام حضور میلیون‌ی گروهی از جامعه‌ای‌رانی و ترند شدن هشتگ «اعدام نکنید» در توییتر و فاکرایی آن در سایر شبکه‌های اجتماعی همانند اینستاگرام و فیس‌بوک، شاخک‌های دولت‌ها، گروه‌ها و فعالان سیاسی خارج ایران نیز به آن جلب شده؛ به گونه‌ای که در نهایت دونالد ترامپ رییس جمهور امریکا با نوشتن یک توییت به زبان فارسی و هشتگ «اعدام نکنید» تلاش کرد خود را به جمع پر تعداد در خواست‌کنندگان برای جلوگیری از این حکم قرار دهد. این در حالی بود که گروه‌های معارض نظام در خارج از کشور هم با این‌ها و عقاید مختلف بر این موج جامعه مدنی ایران سوار شدند و عملاً برای گروه‌های تندرو داخل ایران که معمولاً ترجیح می‌دهند بدون توجه به موضوع ساز مخالف خود را کوک کنند،دست‌آویز بدهند.توییت دونالد ترامپ همین دست‌آویز راه‌بدهست آنان داد و در حالی که پیش از ورود در امپ‌تردیک به ۲۵۰ میلیون بار این هشتگ در توییتر استفاده شده بود، حمایت ترامپ را دلیلی برای امریکایی بودن این حر کت قلمداد کردند.این در حالی است که به نظر می‌رسید حتی قوه قضاییه و در رأس آن سیدابراهیم ریسی برای اعمال ماده ۴۷۷ یا اعاده‌دادرسی وارد عمل خواهند شد و جلوی این حکم گرفته می‌شود. اما باز هم این دست‌آویز نه تنها در برابر حر کت مدنی بخشی از جامعه‌ای‌رانی قرار گرفت، بلکه شرایط را برای تندروهایی که همواره بدترین راهی‌ها می‌پایانند، باز کرد. اکنون به خوبی می‌توان بابارگشت به‌عقب‌از ابتدای این ماجرا دید که بخشی از جامعه‌ای‌رانی، در اوج بلوغ خود، از فضای مجازی در قامت ابزاری برای بیان مستقیم خواسته‌هایش از مسوولان نظام استفاده می‌کند. راهی که نه تنها هنوز پهنای چون حضور در کف خیابان را ندارد، بلکه زمینه را برای گفت‌وگو و تفاهم در جامعه نیز به وجود می‌آورد. هر چند که ورود ترامپ، گروه‌های وابسته‌سماژمان‌مجاهدین خلق و سلطنت‌طلبان در این ماجرا افشار را برای تندروها فراهم کرده که این اعتراض مدنی را به بیریه بکشانند، اما به نظر می‌رسد این بلوغ در مجموعه نظام و سیستم قضایی کشور نیز به وجود آمده که تفاوت اعتراض مدنی و همراهی توییت‌هایی مانند دونالد ترامپ را بداند. این همان نقطه افتراقی است که می‌تواند ایرانی‌باشد که نشان داد تنها هنوز نمرده است، بلکه با «ترند راه انداختن با ربات» تقلیل دهد با این خواسته را به دلیل حمایت ترامپ کلافنی کند. اکنون آخرین فرصت در اختیار رییس دستگاه قضایی کشور قرار دارد تا ضمن توجه به خواسته بخش مهمی از جامعه مدنی ایران، بدون توجه به آنچه در خارج از کشور و افراد و گروه‌های مختلف با نظام مطرح می‌شود، دربار ما این سه جوان را رد عمل شود. سیستم قضایی در دوره جدید خود نشان داده که قصد رویکرد متفاوتی دارد. به این ترتیب آخرین امیدها برای بخشی از جامعه مدنی ایران نیز زنده می‌ماند. جامعه‌ای که تلاش می‌کند همه راه‌ها را برای تعادل حاکمیت بر پیش گیرد. رویکردی که شاید بی‌توجهی به آن آسیب‌های بسیاری را به بار آورد. گویا نگاه دوباره به حکم اعدام جوان حوادث آبان‌ها حداقل مهمی برای این خواسته‌های فراوان بخشی از جامعه ایرانی‌باشد که نشان داد تنها هنوز نمرده است، بلکه با جدید اتفاقات تخاصم از پیگیری می‌کند. از سوی دیگر جریان‌های ارتشی و اصولگرای کشور با جوع به سخنان مقام رهبری درباره اهمیت و ضرورت امر به معروف ونهی از منکر مسوولان و از کان قدرت می‌توانند در دستگاه تحلیلی خود این نتیجه برسدند که #فخام «تکلیف توصیه جامعه ایران به مسوولان قضایی برای انتخاب بهترین کار بوده‌است. این همان امر مهمی است که رهبری طی سخنانی در دهه ۷۰ بر آن به مردم توصیه کرده بودند: «مردم باید ما را به معروف امر و از منکر نهی کنند. مردم باید از مسوولان کار خوب را بخواهند؛ آن هم نه به صورت خواهش و تقاضا، بلکه با باید‌از آنها بخواهند.» البته ملت ایران از ابتدای انقلاب راه خود را برای د خلات بدخواهان جهانی و جریان‌های پرانداز بسته‌است. اما شاید این دوباره گفت و دوباره تاکید کرد که ورود ترامپ، اینستاگو و وابستگان به آنان به ماجرای #فخام «تکلیف در راستای مسوودسازی توان جامعه مدنی ایران است. آنها می‌دانند با دخالت‌شان و همراهی بدلی‌شان حساسیت دستگاه‌های حاکمیتی، امنیتی، قضایی و … را برای اتخاذ رفتاری بر خلاف مصالح کشور و مطالبه ملی برای انگیزند اما موقعیت این است؛ آنها شاید یک فتن ظالمان جهانی و همراهی آنان وقتی ملت مرزهای خود را روشن کرده، چه اهمیتی دارد؟ چه کسی است که داند آن‌ها همواره در صدمه‌مدار به‌مطلب کردن خواست ملت ایران و سندن زن به نام‌هویت هستند؟ اصلا یکی از اصلی‌ترین رهبردهای آنان همین بوده که می‌ایند تا مصداق دهه ۷۰ مهم آن است که مافرق جنگ روانی آنان را بخوریم و در زمین‌مغزی گذاری شده آنان، بازی نکنیم. پیام واقعی مردم ایران به رانندگان و هادبان و اسپیکس‌های خار جی آنان کاملاً واضح و شفاف و صریح است: «خودنجس خود را داخل دیگ مطالبه ملت ایران نیندازید.»

سیاست

گزارش روز
گروه سیاسی

نام علی یونسی و امیر حسین مرادی تا پیش از سال ۹۹، تنها با مدال‌های المپiad، رتبه‌های برتر آزمون‌های علمی و البته «دانشگاه شریف» اولین دانشگاه ایران در تراز بین‌المللی، گره خورده بود. نامی که هم آنها و احتمالاً خانواده‌های‌شان تصور می‌کردند قرار است در همین عرصه‌ها بیش از پیش بدرخشد.
فروردین امسال اما همه چیز شکل دیگری رقم خورد و سرنوشته این دو جوان دهه هفتادی را تغییر داد. جمعه، ۲۲ فروردین ماه آن‌طور که نزدیکان علی یونسی روایت کرده‌اند، همراه با ۱۲ مامور در حالی که شرایط مناسبی نداشت‌ه است به خانه بازگشت. پس از بازرسی خانه و ضبط کامپیوترها و موبایل‌ها بازداشت شد. شب ۲۲ فروردین ماه آخرین باری بود که علی یونسی به خانه مراجعت کرد و خانواده‌اش او را دیده‌اند. همزمان با او امیر حسین مرادی دیگر دانشجوی دانشگاه شریف نیز بازداشت شد. غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی دستگاه قضا اولین بار شانزدهم اردیبهشت در نشست خبری، اتهام امیر حسین مرادی دانشجوی فیزیک و علی یونسی دانشجوی کامپیوتر را «ارتباط با گروه مجاهدین خلق» عنوان کرد و مدعی شد که این دو، «به‌دنبال اقدامات خرابکارانه بوده‌اند و اقدامات ابتدایی هم انجام داده‌اند که جدی نبوده» و از «اقدام انفجاری در خرابکاری‌ها استفاده شده» که در جریان «بازرسی منازل این افراد» کشف شده است. ۹۳ روز پس از این بازداشت، در حالی که این دو جوان تنها به وکیل تسخیری دسترسی داشتند و در شرایطی که تمام سه ماه گذشته اجازه دیدار با خانواده‌های خود را نیافتاده، دستگاه قضا پس از نامه‌نگاری‌های دانشگاه شریف، نشست‌ی با حضور نماینده چهار تشکل دانشجویی، فاطمی‌زاده معاون دانشجویی، بهمن‌آبادی استاد دانشکده فیزیک و مسوول بسیج اساتید دانشگاه شریف و جهانگیر استاد دانشکده کامپیوتر و نماینده‌ای از بنیاد ملی نخبگان ترتیب داد و در اقدامی عجیب این دو متهم را از ساعت ۱۱:۳۰ تا ۱۴ در شرایط این نشست عمومی قرار داد.

خانواده علی یونسی در فضای مجازی نسبت به این اقدام اعتراض کردند. خواهر او در توییتر خود آوردن این دو نفر را به چنین نشست‌ی آن هم در شرایطی که وضعیت روحی مساعد و وکیل ندارند و مدت‌هاست خانواده خود را ندیده‌اند، بی‌عدالتی توصیف کرده و برادر علی یونسی نیز در حساب کاربری‌اش در توییتر مدعی شده که اساتید و دانشجویان حاضر در این نشست به «تهاد‌های امنیتی» وابسته بوده‌اند. دست کم چهار روایت رسمی از سوی چهار تشکلی که در این جلسه حضور داشته‌اند تا روز جمعه منتشر شده که در همه آنها اضطراب و دلهره این دو جوان، آن‌هم با چنین اتهامات سنگینی مشهود است. اضطراب و دلهره‌ای که اما قرار گرفتن در چنین موقعیتی نیز بر آن دامن زده است.

روایت اول، بیم و امید

انجمن اسلامی دانشجویان مستقل که بر خلاف صفت «مستقل» در عنوانش، گرایش جریانی و جناحی به «است» دارد و تنها از دانشجویان تک‌حکم و جدت دوره اصلاحات اعلام برائت کرده‌اند، یکی از تشکل‌هایی است که نماینده آنها در نشست روز دوشنبه حضور داشته است. به گزارش انصاف‌نیوز

این طور که این تشکل روایت کرده معاونت فرهنگی تماس می‌گیرد و نماینده این تشکیلات دانشجویی را برای جلسه‌ای با حضور دادستان عمومی و انقلاب تهران به کاخ دادگستری دعوت می‌کند. به

سیاست	siasat@etemadnewspaper.ir
--------------	---------------------------

سیاست	siasat@etemadnewspaper.ir
--------------	---------------------------



قوه قضاییه امیر حسین مرادی و علی یونسی را به نشستی دانشگاهی – امنیتی برد

۴ روایت از یک نشست نامتعارف

روایت دوم؛ مطالبه

دومین روایت متعلق به جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه شریف است که به نظر کمی مطالبه‌محورتر از روایت پیشین است. آن‌طور که انصاف‌نیوز گزارش داده، راوی این روایت بر گزار‌کننده این نشست را وزارت اطلاعات عنوان کرده و نوشته که برای همه ما سوال بود آیا «قرار است قوه قضاییه یک نمایش رسانه‌ای بر گزار کند». راوی عضو این تشکیلات دانشجویی نیز از سوال و جواب‌های رد و بدل شده دانشجویان و مسوولان نوشته و البته پاسخ‌هایی که گرفته‌است مثل اینکه چون ترس از استفاده از سپاور وجود داشته با ضرب و شتم بازداشت شده‌اند یا براساس تبصره ماده ۴۸ قانون دادرسی باید از فهرست مورد تایید دستگاه قضا وکیل انتخاب کنند. روایت این گروه از روند طی شده در جلسه نیز مشابه با سایر روایت‌هاست و البته شرح اضطرابی که در کلام و چشم‌های می‌دیده‌اند که این دو نفر همان یونسی و مرادی هستند، اتهامی که انجمن اسلامی دانشجویان مستقل نوشته، یونسی بخشی از آن را پذیرفته است. اگر چه راوی تاکید دارد که یکی، که در این جلسه حضور داشته‌اند تا روز جمعه منتشر شده که در این جلسه سوال و جواب نکند از «چه‌ها» در این جنبش سوال و جواب دارند و اما به توصیف همین راوی، آنها «استرس دارند و انگار با جمع راحت نیستند.» با این حال سوال و جواب با آنها ادامه پیدا کرده و آن‌طور که گفته شده آنها روایتی از بازداشت‌شان را در حالی که برای بمب‌گذاری رفته بودند، شرح داده‌اند. راوی از این سوال و جواب‌ها با عنوان «آپ و گفت» یاد کرده، گپ و گفتی که بغض راهی گلویشان متهمان کرده و آنها را به گفتن «پشیمانیم، بیخشید» سوق داده است. راوی با نماینده این تشکیلات در پایان روایتش از «امید» گفته است؛ امیدی که «امید کم‌وبسی» را به یادش آورده که بسا مدرک دکترای فیزیک اتمی از دانشگاهی در امریکا، پس از حضور در ایران به اتهام‌هایش با دولت متخاصم بازداشت و زندانی اما پس از مدتی آزاد شد و حالا کسب و کاری در گنبد کاووس دارد.

میان لیست و کلای مورد تایید قوه قضاییه و مبتنی بر تبصره ماده ۴۸) انتخاب کنند. بخش عجیب ماجرا، پرسش باز پرس در این نشست است که بی‌شباهت به دادگاه نیست. باز پرس از علی و امیر حسین می‌خواهد که بگویند چگونه جذب این گروهک شده‌اند.

روایت سوم؛ اضطراب و باز هم اضطراب

«خواست‌ام این است که پرونده زودتر به دادگاه برود و می‌خواهم وکیل داشته‌باشم.» این بخشی از درخواست علی یونسی است که بنابه گزارش انصاف‌نیوز در روایت بسیج دانشجویی دانشگاه شریف به چشم می‌خورد. نماینده قوه قضاییه در همین نشست گفته آنها قبول نکرده‌اند از میان وکلای تعیینی قوه، کسی را انتخاب کنند، به همین دلیل وکیل تسخیری دارند. آنچه در این روایت هم به چشم می‌خورد، «اضطرابی» است که در چشم‌ها و صدای هر دو موج می‌زند. صدای مضطربی که گفته «حاضر نیستیم با ۲۰۰۳۰ مصاحبه کند» و تاکید کرده که «من و خانواده‌ام در این مدت به عناوین مختلف تحت فشار بودیم و احساس من از بر گزاری این جلسه این است که شروع یک بازی جدید و حس خوبی ندارم.» راوی بسیج دانشجویی اتهامات این دو هم‌دانشگاهی سابق را پشت‌هم ردیف کرده که در میان آن: از آتش‌زدن و کندن بنر تاصب عکس مریم رجوی به چشم می‌خورد تا انفجار بمب دست‌ساز روزبه‌روی وزارت کشور و دادگستری و ارتباطات. اعتراض به صدور آن می‌گذرد. آیت‌الله هاشمی‌فرستنجانی که بخشی از سخنان نماینده بسیج دانشجویی است، راوی البته نوشته که دستگاه قضا تاکید داشته تا زمانی که اجازه صادر نشده، هیچ خبری به بیرون مخابره نشود. پس از صدور اجازه هم دانشگاه بنای ورود مستقیم و اطلاع‌رسانی رسمی نداشته است، بنابراین هر تشکل روایت خود را از این نشست منتشر کرده است.

روایت

۳۳ سال بعد؛ چرا امام قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت؟

فهرستی از مشکلات



نمی‌توانیم هزینه جنگ را بپردازیم» و نامه محسن رضایی، فرمانده سپاه وقت که نوشت «حالا که انگلیس و فرانسه در حال جنگ و از سوی آنها نیز باید حمایت وسیع‌تری بشود». در تصمیم نهایی امام مبنی بر پذیرش قطعنامه بی‌تاثیر نبوده است. این میان هاشمی‌فرستنجانی به عنوان فرمانده جنگ

شنبه ۲۸ تیر ۱۳۹۹ ۲۶ ذی‌القعدة ۱۴۴۱ ۱۸ جولای ۲۰۲۰، سال هجدهم، شماره ۴۶۹۵	
--	---------------

روایت چهارم؛ باز جومآی

«انجمن هرگز در زمره تشکلهای گروه‌هایی نبوده که نه تنها کمکی به وضعیت دانشجویان نکرده، بلکه با بازی در زمین نهادهای امنیتی خارج از دانشگاه، استقلال دانشگاه را به سرخه گرفته و راه تنفس دانشگاه را بسته‌اند.» پاسخ انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شریف به همه انتقاداتی است که نسبت به حضور آنها در چنین جلسه‌ای در فضای رسانه‌ای و مجازی و احتمالاً در جامعه دانشجویی مطرح شده است. آن‌طور که انصاف‌نیوز گزارش داده، این انجمن علاوه بر روایتی از این نشست، دلایل حضور نماینده خود را شرح داده تا آن‌طور که تاکید شده «شفاف‌سازی» شود. اعضای این انجمن اعلان کرده‌اند که پس از پیگیری سرنوشته علی و امیر حسین از سوی دانشجویان، دانشگاه را مراجع قضایی این درخواست را در میان می‌آورد. باز پرس به ترتیب دادن این جلسه می‌شود و اعضای انجمن با این رویکردها که «تهاد‌های امنیتی قصد ورود و بازجویی ندارد و گفت‌وگو میان دانشجویان است»، «بر گزاری این جلسه مسیر دیدار این دو دانشجو با خانواده‌های‌شان را هموار می‌کند»، «نمایندگان انجمن زینت‌المجلس نشوند و بتوانند پس از کسب اطلاعات از این دو نفر، دیگران را مطلع کرده و جمعی را از نگرانی خارج سازند» در این نشست حضور پیدا می‌کنند و حضور نماینده این تشکل به هیچ‌وجه دلیلی بر تایید و مورد پذیرش بودن اتهامات مطرح شده علیه علی و امیر حسین نیست و به گفته اعضای این انجمن یکی دیگر از دلایل حضور در این نشست جلوگیری از انتشار روایت‌های «یک‌سویه و مغرضانه برخی گروه‌های به‌اصطلاح دانشجویی» بوده است. با این حال خلف وعده نهاد امنیتی بابت «ایجاد ترس در دو دانشجوی بازداشتی با رفتار باز جومانه» و همین‌طور «اعلام شروط در رابطه با انتشار محتوای جلسه» باعث شد که انجمن اسلامی دانشجویان در مظان اتهام قرار گیرد. اگر چه آنها در متن منتشر شده نیز تاکید کرده‌اند با توجه به ماجرای «مازای ابراهیمی» نسبت به نهادهای امنیتی بدبین شده و البته تا زمانی که این افراد وکیل مستقل نداشته باشند و اتهامات‌شان در دادگاه صالحه بر گزار نشود، اتهامات وارد شده به آنها را نمی‌پذیرند، ضمن اینکه «هر گونه اقدام جهت تخریب روانی مانند پخش فیلم و بازجویی» را محکوم می‌کنند.

پرده آخر

هر چهار روایت، روایت اضطراب علی و امیر حسین از موقعیتی است که در آن قرار گرفته‌اند. هر کس «از ظن خود» بار این دو نبخیه دانشگاه شریف شده است، یکی با پیش‌فرض مجرم بودن علی و امیر حسین حرف از «افت اسلامی» و «بیخشن» و میان آورده، دیگری شرح دقیقی از فیلم‌های پخش شده داده که نشان می‌دهد نشست بی‌شباهت با پخش اعترافات تلویزیونی نبوده است. آن یکی هم از مطالبات دانشجویان در این جلسه گفته و بر حق انتخاب وکیل، دیدار با خانواده‌ها و دادگاه صالحه تاکید کرده‌است. در نهایت اما تنها انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شریف در تکمل‌های، توضیح داده که هدف از حضور در این نشست غیرمتعارف به هیچ‌وجه تایید اتهامات نبوده است. اگر از نشست پیامک پورزند، روزنامه‌نگار و فعال فرهنگی که در دوره بازداشت، نشست میبای و او بر برخی خبرنگاران ترتیب دادند، بگذریم نشست روز دوشنبه با حضور و دانشجویی بازداشتی بی‌سابقه و نامتعارف محسوب می‌شود، آن‌هم در شرایطی که هنوز پرونده‌شان به دادگاه ارسال نشده، بیش از سه ماه است که خانواده‌های‌شان را ندیده‌اند و نگرانی از سرنوشته عجیبی که گرفتار آن شده‌اند، احتمالاً آنها را در موقعیتی سخت قرار داده است.

روایت	
۳۳ سال بعد؛ چرا امام قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت؟	
فهرستی از مشکلات	
پیشنهاد می‌دهد که مسوولیت پذیرش قطعنامه را بپذیرد که حاج‌احمد آقا خمینی خبر می‌دهد که «امام درباره آتش‌بس نامه‌ای نوشته‌اند. ما قبل از آن خبری نداشتیم که امام نامه نوشته‌اند؛ یعنی بنا نبود که نامه‌ای بنویسند. امام بعداً به من فرمودند که من فکر کردم مساله مهمی است و من هم باید در آن شرکت کنم.» بالاخره به جای اینکه ما آتش‌بس را توجیه کنیم، امام آن نامه را نوشتند. همچنین نشریه خط حزب‌الله، ارگان رسانه‌ای بیت رهبری نیز به مناسبت سالگرد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بیانات رهبر انقلاب در ۷۵ یا ۷۸ باز خوانی کرده و به نقل از ایشان نوشته که پایان دادن جنگ به خاطر فشار دشمن نبوده، بلکه به دلیل «فهرستی از مشکلات» بود که مسوولان ارایه کردند.	
حسن عباسی خواستار تشکیل وزارت «امور سیاره» به جای «امور خارجه» شد	
پیشنهاد تئوریسین!	
او بتواند از سدر دصلاحت شورای نگهبان بگذرد. در آخرین نمونه عباسی نوشته که «از سال ۱۴۰۰ با بازگشت وزارت امور خارجه به قاعده فقهی نفی سبیل و سلطه، شعار استقلال گرای انقلاب اسلامی در سال ۵۷ در کنار سیاست‌ها خواهد بود.» و همچنین با تاکید بر اینکه «استقلال ملی قابل معامله و مذاکره نیست» در بخش دیگری از نوشته‌هایش بر نامه‌ای جدید برای وزارت امور خارجه ارایه داده و نوشته که «امور خارجه در نسام وزارت امور خارجه، مفهومی کهنه و مربوط به دوران ماقبل پدیده سیاره هوشمنداست. در ایران قرن جدید، وزارت امور سیاره متولی ابعاد جهانی تمدن اسلامی است.» این اظهارات با واکنش‌های قابل تاملی مواجه شده چنان که برخی اصولگرایان توییتر را نیز به انتقاد از عباسی و هزنه‌سازی‌هایش برای این جریان سیاسی وا داشته‌است.	

«اینکه الان شایع است، فقط من امام را قانع کردم! در ست نیست.» بخشی از خاطرات آیت‌الله هاشمی‌فرسنجانی در مورد پایان دادن به جنگ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ است که امام آن را «جام زهر» توصیف کرد و امروز ۳۳ سال و یک روز از صدور آن می‌گذرد. آیت‌الله محسن‌فرستنجانی که ازسوی منتقدان امروز مسوول خوردنن جام زهر به امام لقب گرفت در خاطر آتش شرح داده که جمهوری اسلامی نه‌تنها با عراق بلکه در هوا و زمین و دریا و حتی در شهرهای کوچک با امریکا و انگلیس و فرانسه در حال جنگ و از سوی آنها نیز تحت فشار بوده، از همین روی در جلسه‌ای با حضور حاج احمد خمینی شرایط برای امام شرح واده شد. اما پیش از آن، نامه دولت با این مضمون که «ما دیگر

رویداد

حسن عباسی حالانام یکی از جنجالی‌ترین چهره‌های متعلق به جریان سیاسی اصولگر محسوب می‌شود، چهره‌ای که برعبرم اظهارات ضدونقیض و اظهارات‌بعضا خارج از قاعده میان بدنه اجتماعی این طیف حامیان قابل توجهی دارد و از این رو اظهاراتش گاه و گاه با استقبال رسانه‌های این جریان سیاسی مواجه می‌شود؛ چنان‌که اعلام حضورش در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ میان اصولگرایان سرصدای خاص خود را ایجاد کرد، هر چند از سوی معتدل‌ها نهی شد و مثلاً محمد خری سب‌شینه هفته گذشته اما ویدیوی منتشر شده از سوی بخش خبری ۲۰۳۰ با عنوان پاسخی به شایعات درباره ابتدای تر گس محمدی به کرونا منتشر شد. پاسخی که اولاً به معنای عدم ابتدای محمدی به کرونا نبود و صرفاً از مداوای او زیر لنز دوربین‌ها حکایت داشت.



زندانی زنجبان به کرونا و نبود امکانات بهداشتی. اولین بار نیمه‌های تیرماه بود که یکی از اعضای خانواده تر گس محمدی خبر از ابتلای او به کرونا داد؛ خبری که به دلیل ابتلای تر گس محمدی به آمبولی ریه، نگرانی‌ها درباره سلامتی او را بیش از پیش می‌کرد. در نهایت با توجه به نامه‌ای که تر گس محمدی از زندان زنجان نوشت و از شرایط زندان در آن زندان و ابتلای تعدادی از زندانیان به کرونا و نبود امکانات بهداشتی انتقاد کرده بود، موضوع جدی‌تر از پیش شد. اگر چه مصطفی طاهری، نماینده مردم زنجان در مجلس یازدهم از ماجرای ابتلای زندانیان به کرونا بی‌خبر بود و حتی نمی‌دانست تر گس محمدی کیست اما سخنگوی قوه قضاییه در بیست و نهمین نشست خبری‌اش در واکنش به این موضوعات اعلام کرد که ابتلای تمام زندانیان زندان زنجان به کرونا کذب است. غلامحسین اسماعیلی البته ابتدای تر گس محمدی به کرونا را تکذیب نکرد و تنها به بیان اینکه «تبعیض قائل نیستیم» و «سلامت تک تک زندانیان برای ما اولویت است»، بسنده کرد. ۲ روز پس از این اظهارات سخنگوی قوه قضاییه در نشست خبری سب‌شینه هفته گذشته اما ویدیوی منتشر شده از سوی بخش خبری ۲۰۳۰ با عنوان پاسخی به شایعات درباره ابتدای تر گس محمدی به کرونا منتشر شد. پاسخی که اولاً به معنای عدم ابتلای محمدی به کرونا نبود و صرفاً از مداوای او زیر لنز دوربین‌ها حکایت داشت.

نمر فاطمی

هشتم بهمن ماه ۹۸ قاضی صلواتی حکم بدوی اعدام برای امیر حسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی را صادر کرد. ۴ تیر ماه ۹۹ برخی رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشور خبر از تأیید حکم اعدام از سوی دیوان عالی کشور دادند. خبر تکذیب شد؛ و کلا اعلام بی‌اطلاعی کردند و گفتند که اجازه ورود به پرونده و مطالعه آن به آنها داده نشده‌است. ۱۰ تیر ماه سخنگوی دستگاه قضایی اعلام کرد که هنوز پرونده‌ای معترضان آبان ماه از دیوان عالی کشور اعاده نشده و رای دیوان عالی کشور مبنی بر تأیید حکم به دست مانرسیده‌است. ۱۱ تیر ماه وکلای این ۳ معترض جوان به سخنگوی دستگاه قضایی نامه‌نوشته‌و به‌روند «غیر قانونی» رسیدگی به این پرونده اعتراض کرده و درخواست کردند تا بتوانند محتوای پرونده را مطالعه‌و بررسی کنند. ۲۰ تیر ماه خبر آمد که حکم اعدام از سوی دیوان عالی کشور تأیید شده‌است، وکلای پرونده اعلام کردند به دنبال اعاده دادرسی و درخواست عفو هستند. ۲۴ تیر ماه سخنگوی قوه قضاییه خبر تأیید حکم اعدام از سوی دیوان عالی کشور را تأیید کرد. ساعاتی بعد هشتگ «اعدام نکنید» راه افتاد. ۲۵ بهمن ماه به وکلا اجازه ورود به پرونده و مطالعه آن صادر شد. همان روز وکلا به ریاست دستگاه قضایی نامه نوشتند تا حکم اعدام را به تعویق بیندازند و اعاده دادرسی انجام شود. این خلاصه‌ای است از آنچه در پرونده امیر حسین مرادی متولد خرداد ماه ۷۳ و ۲۶ ساله، کارمند فروش موبایل و کلمپیوتر، سعید تمجیدی ۲۸ ساله و دانشجوی مهندسی برق در مقطع کارشناسی و محمدر جبی متولد ۷۲ دیپلمه است که به اتهام مشارکت در اعتراضات آبان ماه ۹۸ بازداشت شدند، اتفاق افتاده است. پرونده‌ای که اگر چه از همان ابتدای صدور حکم اعدام برای این ۳ جوان، توجه افکار عمومی را به شدت به خود جلب کرد اما پس از اعلام تأیید حکم اعدام از سوی دیوان عالی کشور از زبان سخنگوی دستگاه قضایی اهمیت دوچندان یافت و حالا چند روزی است این ۳ جوان دهه هفتادی که حدود ۸ ماهی است پشت میله‌های زندان اوین روزگار می‌گذرانند، بی‌آنکه بخواهند و بداندند در صدر اخبارند!

روز چهارم با «اعدام نکنید»

هنوز یک ساعت از اعلام تأیید حکم اعدام از سوی سخنگوی قوه قضاییه و پایان بیست و نهمین نشست خبری غلامحسین اسماعیلی نگذشته بود که یکی از کاربران معمولی توئیتر، در اعتراض به اعدام این ۳ جوان

سرقت چگونه اتفاق افتاد؟

نکته مهم این است که یک موبایل بیشتر نبوده؛ در حالی که آقای سخنگو گفته‌اند سرقت اموال صورت گرفته‌است اما یک عدد موبایل سرقت شده که همان شب هم مسترد می‌شود. نمی‌خواهم اساساً از این کار دفاع کنم، به هر حال کار، کار شایسته‌ای نیست؛ جرم است اما باز هم قانونگذار برای این کار حکم اعدام نداده‌است. از آن گذشته شاکی خصوصی رضایت بی‌قید و شرط داده است. برخی هموطنان ما چطور فراتر از قانون به موضوع نگاه می‌کنند؟ شاکی خصوصی که رضایت داده است، خود قانون هم برای این کار حبس در نظر گرفته و نه اعدام. حکم اعدام هم اصلا به دلیل سرقت نیست؛ چرا برخی افراد برای اینکه اعدام را تأیید کنند و آن را موجه جلوه دهند، از سرقت استفاده می‌کنند؟ موضوع سرقت کاملاً جدا بوده؛ یک عدد موبایل بوده است، ضمن اینکه این افراد صلاح هم نداشته‌اند. البته من اصلاً این کار را تأیید نمی‌کنم اما حرف ما این است که باید بین جرم و مجازات تناسب وجود داشته باشد. از آن گذشته مطمئن باشید که مساله‌ای در پرونده بوده که خود شاکی متوجه شده که اینها سازقان حرفه‌ای نبوده‌اند و به هر دلیل رضایت بی‌قید و شرط داده‌و ادعایی هم نداشت. حتی اگر شاکی رضایت نمی‌داد، قانونگذار برای چنین جرمی حکم اعدام در نظر نگرفته است؛ چنانچه در متن پرونده هم بابت این جرم سرقت به این متهمان حکم حبس داده‌است، نه اعدام.

اما چرا مجازات اعدام؟

آنچه بابت آن مجازات اعدام برای این ۳ جوان یعنی امیر حسین مرادی، محمد رجبی و همچنین سعید تمجیدی در نظر گرفته شده، مشارکت در تخریب و تحریق اموال عمومی به قصد مقابله با حکومت اسلامی است.

بابت این اتهام اعدام برای این افراد صادر شده است. بنابر این اینکه ما گفته‌ایم بابت حوادث آبان ماه ۹۸ برای این ۳ نفر حکم اعدام صادر شده، عین حقیقت است. بنده به عنوان وکیل یکی از این متهمان نمی‌خواهم بگویم که موکلان ما کاری نکردند اما تنااسب میان آنچه رخ داده با آنچه به عنوان مجازات در نظر گرفته شده، وجود ندارد.

این بحث مشخصی در این پرونده است. من به عنوان یک وکیل نباید احساساتی شده و بگویم هیچ جرمی نبوده اما از مردم و جامعه هم خواهش می‌کنم که وقتی اطلاعات ندارند، نگویند که اینها بمب‌گذاری کرده‌اند و باید اعدام شوند.

آیا ویدیویی از اعتراضات به خارج کشور ارسال شده؟

تا اینجا که پرونده را مطالعه کرده‌ایم، موکداً تأکید می‌کنم تا جایی که مطالعه کرده‌ایم، هیچ مدرکی دال بر ارسال عکس یا ویدیو به خارج کشور وجود ندارد، حتی یک مدرک تا این لحظه که من در خدمت شما هستم و پرونده را دیده‌ام، مدرکی در باره رابطه با افراد با خارج کشور، با مجاهدین و قس علیهذا وجود ندارد. ما تا الان ندیده‌ایم. حتی یک مدرک ر ارجع به اینکه نشان بدهد اینها دارند بانک را آتش می‌زنند، وجود ندارد؛ یعنی مدرکی که نشان بدهد اینها در حال آتش زدن یا تخریب هستند. وقتی می‌گوییم مدرک دال بر آتش زدن، یعنی باید ببینیم که اینها فعل آتش زدن را انجام داده‌اند. عده‌ای می‌گویند که اینها اقرار کرده‌اند و از صحنه آتش‌سوزی‌ها فیلم گرفته‌اند. این اظهار نظر ها به دلیل خامی و بی‌تجربگی دوستانی است که اظهار نظر می‌کنند. زمانی که جان‌اف‌کنندی، رییس جمهوری امریکا کشته شد، تعداد بسیاری مدعی شدند که قاتل او بوده‌اند. اما رییس جمهوری امریکا را یک نفر کشته بود، ۱۰۰ نفر که نکشته بودند اما چون اقرار کرده بودند، باید همه آن ۱۰۰ نفر را مجازات می‌کردند؟ اقرار نیست هر کسی را که اقرار کرد، مجازات کنیم، به فرض، اگر بانکی در حال سوختن بود و من یک سلفی با آن گرفتم و گفتم من این بانک را آتش زده‌ام، آیا کافی است؟ چرا دوربین‌های مدار بسته بانک بررسی نشده‌اند؟ باید آنها را بازبینی کنیم تا فهمیم دقیقاً چه کسی بانک را آتش زده است. متأسفانه خیلی اوقات جوانان تحت تأثیر جو فرار می‌گیرند و فکر می‌کنند اگر جایی اتفاقی افتاد، از خودشان فیلم بگیرند و بگویند آن حادثه توسط آنها انجام شده، می‌توانند به خارج از کشور رفته و پناهندگی بگیرند. دستگاه قضایی که نمی‌تواند بر اساس یک ویدیوی سلفی که شخص گفته من این مکان را آتش زده‌ام، به‌او حکم اعدام بدهد. مادر بحث محارب می‌گوییم باید شخص به روی مردم سلاح بکشد و نظام و حکومت اسلامی مقابله کند. سوال من این است که این ادله کجاست؟ اینکه اینها سلاح به روی مردم کشیده‌اند یا دارند بانک را آتش می‌زنند، کجاست؟ یعنی مشغول انجام فعل آتش زدن هستند. اقرار به تنهایی کافی نیست. اقرار موضوعیت ندارد، طریقت دارد و یکی از طرقی است که ما به حقیقت می‌رسیم. باید بررسی کنیم و ببینیم آیا این اقرار واقعا درست است؟ باید این مدارک را به ما نشان دهند. کل این پرونده تا اینجا که ما دیده‌ایم، مبتنی بر اقرار متهمان نزد بازجو و باز پرس و همین‌طور فیلم‌های موجود در گوشه‌های موبایل خودشان بوده، نه دوربین‌های مدار بسته یا شاهدات بشود. ادله خارجی در این پرونده وجود ندارد. من پیشنهاد می‌کنم دوستان جوزه ده و احساسات‌نا نشوند که بگویند اینها اقرار کرده‌اند.

۳ نفر کرد، کاربران فضای مجازی به آن واکنش نشان داده و این موضوع را مساله‌ای داخلی عنوان کردند. آنها معتقدند که ایرانیان به خوبی توانایی طرح مطالبات قانونی خود را دارند و در این مسیر به قدرتهای خار جی نیاز ندارند. این یکی از معدود دفعاتی بود که همه جناح‌ها در آن با هم، همصدا بودند. آنها نه می‌خواستند ترامپ و خارجی‌ها وارد بازی شوند و منافع شخصی‌شان را از این مطالبه انسانی دنبال کنند، نه می‌خواستند حکم اعدام، جان انسان‌ها را بگیرد. شاید همین خودجوش

بودن و مردمی بودن این مطالبه بود که باعث شد «اعدام نکنید» به عنوان جدی‌ترین و ماندگار ترین مطالبه فضای مجازی ایرانیان مطرح شود. درخواستی که قانونی خود را دارند و در این مسیر به قدرتهای خار جی نخستین بار مطرح شد و همچنان تا این لحظه که عصر روز جمعه است، تکرار می‌شود.

حق‌شان اعدام نیست!

ایمن میان اما مثل همیشه، کارشکنی‌هایی هم

بنابر اتهام‌های مندرج در کیفر خواست، منتظر چه حکمی هستید؟

حسب کیفر خواست صادره از دادسرای اوین، اتهامات بر این قرار است که «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت داخلی کشور»، «مشارکت در سرقت مسلحانه مقرون به آزار»، «مشارکت در تخریب و تحریق اموال عمومی شامل اتومبیل شهر داری، سطل زباله، دهک شهر داری، موسسه مالی و اعتباری ملل و بانک مهر اقتصاد به قصد اخلاخل در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی» و در نهایت اتهام «خروج از کشور بدون مجوز قانونی». مطالبی که سخنگوی محترم فرمودند به نحوی بود که برای بخشی از اشخاص در جامعه این تصور ایجاد شد که متهمان محکوم به اعدام شده‌اند چون ارادل و اوپاشی بوده‌اند که سرقت کرده‌اند و اساساً اتهامات آنها را تباطی به حوادث آبان ندارد. در حالی که اینچنین نیست. ما که نباید جلوتر از قانون برویم. بنابر قانون برای اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت داخلی نهایتاً ۵ سال حبس در نظر گرفته شده است. در مشارکت در سرقت مسلحانه هم باید بگوییم که من نه الان، بلکه قبلاً هم در مصاحبه‌های خودم کراراً در مورد این موضوع صحبت کرده بودم. اینکه برخی می‌گویند تاکنون به این موضوع اشاره نکرده‌ام، نشان می‌دهد که مصاحبه‌های قبلی من را نخوانده‌اند ولی وقتی اصرار می‌کنند که قبلاً کلامی درباره سرقت نگفته‌ام، ۲ حالت دارد؛ یا چهل به موضوع دارند یا عنادا!

آیا سابقه کیفری داشتند؟

تصور می‌کنم به سخنگوی محترم قوه قضاییه هم اطلاعات غلط داده شده‌است. در متن دادنامه بدوی هم قید شده که موکل من، امیر حسین مرادی فاقد سابقه کیفری است و اینکه در رسانه‌ها اعلام شد که اینها عده‌ای سابقه‌دار و ارادل و اوپاش هستند، با مطلبی که در رای مندرج در پرونده و حتی دادنامه شعبه ۱۵ آمده که امیر حسین مرادی فاقد سابقه کیفری است، در تعارض است. متأسفانه مطالب ضدو نقیض بسیاری در باره این پرونده مطرح شد. همان‌طور که دیدیم آنچه پیش از این در برنامه شوک مربوط به سال‌های پیش نمایش داده شده بود، به عنوان تصویر بر این متهمان هنگام سرقت مسلحانه در فضای مجازی منتشر کردند. چرا وقتی کیلی در باره نواقض پرونده صحبت می‌کند، عده‌ای برای توجیه رای از روش‌های نامشروع و غیر اخلاقی استفاده می‌کنند و تصور می‌کنند که از هر طریق می‌توان از این رای دفاع کرد؛ این روش غیر انسانی است و این گونه رفتارها و اظهارات با احساسات، بازی خانواده متهمان است. از طرفی دیگر رسانه نباید مطالب دروغ را به جامعه تحویل دهد و برای افکار عمومی احترام قایل شود.

نقش و کلادر مرحله دادرسی چه بود؟

در تبصره ۲ ماده ۱۹۰ آیین دادرسی کیفری آمده «در جرایمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، باز پرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند.» این عین مطالب قانون است. در این پرونده در دادسرا فقط یک متهم وکیل داشته و آن هم امیر حسین مرادی بوده که وکیلش من بود‌ام. من وکیل تعیینی امیر حسین مرادی بود‌ام در شعبه ۶ دادسرای امنیت اوین، اعلام وکالت کرده‌ام. ۲ متهم دیگر اصلاً وکیل نداشته‌اند. یعنی حتی تسخیری هم نداشته‌اند و آن تصاویری که خبرگزاری میزان از حضور وکلای تسخیری منتشر کرده مربوط به مرحله دادگاه است. من در پرونده عیناً دیده‌ام که تازه در مرحله دادگاه آقای قاضی صلواتی این افراد را برای متهمان به عنوان وکیل تسخیری انتخاب می‌کند. خانم مریم مرادی هم پس از اینکه تحقیقات به پایان رسیده، می‌گوید می‌خواهم اعلام وکالت کنم که باز پرس می‌گوید دیگر پرونده تمام شده و از او لایحه را می‌گیرند و فقط روی پرونده می‌گذارند. وکالت خانم مرادی توسط متهم امضا نشده بود، در دادگاه متهم را می‌آوردند و وکالت خانم مرادی را امضا می‌کند. این بدان معناست که این پرونده در مرحله دادسرا فاقد وکیل «فعال» بوده است. چرا می‌گویم وکیل فعال؟ چون تنها یک نفر وکیل داشته و آن هم من بوده‌ام که اجازه دخالت نداشته‌ام. در پاسخ به آن دسته‌از دوستانی که می‌گویند در مرحله دادسرا اصلاً وکیل حق دخالت ندارد هم باید بگویم که چنین نیست. قانونگذار نمی‌گوید وکیل نباید حضور داشته باشد، بلکه می‌گوید وکیل باید حضور داشته باشد، منتها چون تحقیقات مقدماتی باید به شکلی باشد که امکان مخفی کردن ادله و مسائل اثباتی جرم منتفی شود، نقش وکیل چندان فعال نیست اما قانون می‌گوید که در هر حال متهم باید وکیل داشته باشد؛ وکیل می‌تواند با موکلش صحبت کند، به او راهکار بدهد و مشورت کند و حتی در بحث اخذ آخرین دفاع می‌تواند به جای موکلش حضور داشته باشد. شاید مواردی به او اصلاً اجازه حضور ندهند اما این به این معنی نیست که نباید وکیل داشته باشد. تبصره ۲ ماده ۱۹۰ صراحت دارد که متهم در جرایم سلب حیات یا حبس ابد باید وکیل داشته باشد. آن دو نفر که وکیل نداشته‌اند، به من هم که اجازه دخالت ندادند. در ضمن باز هم می‌گویم که ما وکیل خود خوانده هستیم. وکالت من در جلد دوی پرونده ثبت شده است. دستر سی من به سامانه قوه قضاییه در خصوص این پرونده همچنان موجود است. عکس‌های مربوطه را هم در صفحه شخصی خودم در اینستاگرام منتشر کرده‌ام که نشان می‌دهد من وکیل امیر حسین مرادی بود‌ام.



در ادامه مطالبه «اعدام نکنید» از سوی شهروندان، بابک پاک‌نیا وکیل یکی از ۳ جوان معترض آبان ۹۸ از جزییات پرونده به «اعتماد» می‌گوید

قصه جرم و مجازاتی نامتناسب

وجود داشت. عده‌ای با پخش ویدیوهایی دروغین می‌خواستند ثابت کنند که این افراد در به آتش کشیدن بانک‌ها دست داشته و مستحق اعدامند. اگر چه آن ویدیو تکذیب و مشخص شد که مربوط به مستندی است که ۶ سال پیش در برنامه «شوک» به نمایش گذاشته شده، اما خواست و حرف شهروندان از اساس چیزی دیگر بود؛ آنها می‌خواستند دیگر جانی گرفته نشود.

هر چه بود برای بررسی آنچه در فضای مجازی به عنوان

سیاست

ابهامات این پرونده از سوی برخی افراد مطرح شد، سراغ بابک پاک‌نیا وکیل یکی از این ۳ جوان معترض رفتیم تا با توضیحات او بتوانیم، به پرسش‌ها و ابهامات افکار عمومی در این زمینه پاسخ داده و با روشنگری به برقراری هر چه بیشتر عدالت کمک کنیم.

این وکیل دادگستری به «اعتماد» می‌گوید که دستگاه قضایی به درخواست وکلای این ۳ جوان مبنی بر توقف حکم اعدام که روز چهارشنبه تحویل دفتر ریاست قوه

قضاییه شده، هنوز پاسخی نداده است. او از اظهار نظر‌های غیر کارشناسی که از سوی برخی کاربران فضای مجازی صورت گرفته، انتقاد می‌کند و تأکید دارد که نباید در ساره این موضوع با جوړزگی برخورد کرد و احساسات‌نای شد. بابک پاک‌نیا اگر چه موافق است که موکلان‌شان رفتارهای خطایی از خود نشان داده‌اند اما تأکید می‌کند که جزای این اشتباهات به هیچ عنوان حکم اعدام نیست و در صدور حکم اعدام، تناسبی بین جرم و مجازات وجود ندارد. آنچه با این مقدمه در ادامه می‌خوانید، توضیحات بابک پاک‌نیا، وکیل دادگستری و وکیل امیر حسین مرادی است، در پرونده ۳ جوان معترض آبان ماه ۹۸.

توضیح ضروری: ماچرای صدور حکم اعدام ۳ جوان دهه هفتادی به اتهام مشارکت در جریان اعتراضات آبان ماه ۹۸ و تأیید آن توسط دیوان عالی کشور که البته چنان‌چه سخنگوی محترم قوه قضاییه در آخرین نشست خبری روز سه‌شنبه هفته گذشته تأکید کرد، همچنان قابل اعدای دادرسی و توقف است، اگر از مهم‌ترین رویدادهای خبری هفته گذشته نباشد، بی‌شک از مهم‌ترین‌هاست. موضوعی که مورد توجه و ویژه افکار عمومی قرار گرفت و روزنامه «اعتماد» را بر آن داشت تا پرداختن به ابعاد مختلف آن، از برخی ابهامات این پرونده بکاهد. این میان آن‌چه کمتر مورد توجه قرار گرفت، رویکرد مبتنی بر رافت اسلام‌ها بود که این روزها به‌طور ویژه سرلوحه کار دستگاه قضایی قرار گرفته و به‌ویژه با توجه به نگاه ویژه آقای رئیس‌ی در راس دستگاه قضا، از سوی بسیاری از ناظران و افکار عمومی مورد استقبال قرار گرفت. روزنامه «اعتماد» چنان‌که پیش از این در پوشش رویکرد و دیدگاه دستگاه قضا و سخنگوی محترم قوه قضااییه پیشگام بود، بدین وسیله اعلام می‌کند از این پس نیز نظرات بزرگان را در رابطه با این پرونده و دیگر موضوعات پوشش می‌دهد.

نوع تعامل دیوان با وکلا چگونه بود؟

پس از اینکه در شعبه پانزدهم اجازه مطالعه پرونده و ورود به آن را به ما ندادند، به دیوان رفتیم تا بتوانیم با دسترسی به پرونده آن را مطالعه کنیم. اما هر بار به دبیرخانه رجوع کردیم، گفتند پرونده به دیوان نرسیده است. در نهایت ما از طریق مطلع شدیم که پرونده به دیوان ر سیده اما اصولاً چنین پرونده‌هایی را ثبت عمومی نمی‌کنند. ۳۰ یا ۳۱ فروردین بود که بالاخره گفتند پرونده ر سیده است اما گفتند ما پرونده را به شما نمی‌دهیم و حتی نمی‌گوییم کدام شعبه است. اگر می‌خواهید می‌توانید لایحه بدهید. من لایحه‌ای نوشتم اما در آن تأکید کردم که باید پرونده را بدهند ما مطالعه کنیم؛ چرا که به این صورت نمی‌توانیم از موکلان‌مان دفاع کنیم. اما گفتند پرونده را نمی‌دهیم و همین لایحه را روی پرونده می‌گذاریم. بگذریم از اینکه الان که پرونده را خوانده‌ایم، متوجه شدیم که حتی این لوایحی که بعداً هم داده‌ایم، روی پرونده نیست. من اینجا به تبصره ۲ ماده واحده مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۵ مهر ماه ۱۳۷۰ اشاره می‌کنم که مقرر داشته «هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه‌ای حق وکیل گرفتن را از متهم سلب نماید، حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه ۳ و برای مرتبه دوم موجب انفصال از شغل قضایی می‌باشد» این صراحت قانون است. بر همین اساس می‌توان گفت که این حکم اعتبار قانونی ندارد و شایسته نقض است.

ماچرای ورود به خانه چه بود؟

ماچرا ورود به عتف نبوده. هر چند من اعتقاد دارم که باید رسیدگی‌های دقیق‌تری در این موضوع انجام دهم اما آنچه تا به حال در پرونده دیده‌ایم، ورود به عتف نبوده است. یک آگهی منتشر می‌شود و اینها در نتیجه این آگهی به محل مراجعه می‌کنند و در ادامه منجر به درگیری و سرقتی می‌شود. اما ما چرا اینجاست که اینها وقتی در محل حضور پیدا می‌کنند، به زور وارد خانه نمی‌شوند. خود صاحب گوشی ظاهراً از اینها می‌خواهد تا برای بررسی بیشتر وکلای این متهمان موبایل بر این متهمان هنگام سرقت مسلحانه در فضای کنند، یکی از اشخاص گیر می‌افتد، یکی فرار می‌کند و یک نفر هم که پایین بوده است. آن یک نفر که گیر می‌افتد، امیر حسین مرادی بوده که بازداشت می‌شود. اینها مسائلی است که در پرونده آمده و من نمی‌خواهم اصلاً وارد این مساله شوم که می‌توان گفت که این اقرار بر صحیح است یا خیر.

نقش وکلای انتخابی در روند صدور حکم در دادگاه بدوی چه بود؟

تصور من این بود که در دادگاه من را عزل کرده‌اند اما موکلیم گفت که مرا عزل نکرده و خودم هم استعفا نداده بودم، بنابر این سوالی که پیش می‌آید این است که چرا من را به جلسه رسیدگی دعوت نکردند؟ مگر من وکیل انتخابی متهم نبودم؟ می‌گویند خانم مرادی از اقوام‌شان بوده و در جلسه به عنوان وکیل حضور داشته اما وکالت ایشان جاسد است، وکالت من هم جاسد است. مستقلاً وکلای این متهمان موبایل بر این متهمان هنگام سرقت مسلحانه در فضای کردند، یکی از اشخاص گیر می‌افتد، یکی فرار می‌کند و یک نفر هم که پایین بوده است. آن یک نفر که گیر می‌افتد، امیر حسین مرادی بوده که بازداشت می‌شود. اینها مسائلی است که در پرونده آمده و من نمی‌خواهم اصلاً وارد این مساله شوم که می‌توان گفت که این اقرار بر صحیح است یا خیر.



نقد و تحلیلی بر فیلم Loveless آخرین ساخته آندره زویاگینتسف

بر مدار شکلی جامعه‌ای مر عوب

منظور: گم شدن آلیوشا بر اثر بی‌مالاتی خانواده که

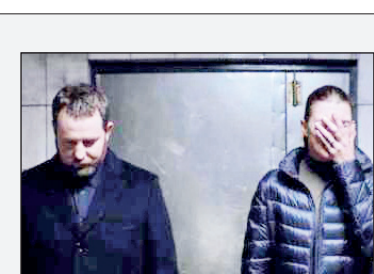
رابطه علت و معلولی آن حادثه محرک فیلم است و به صورت‌اخص: مکالمات بی‌پرده‌و ژینا و بوریس در شبی که آلیوشا در دستشویی منزل سرا پا گوش است تا آن دو بر سر حضانت بچه و نخواستنش می‌جنگند، ظرف حقیقت برای مضموف‌اثر آلیوشا مهیب است و او تاب پذیرش آن را نداشته و در عطف اول فیلم (دقیقه ۵۰) پاه فراری بی‌بازگشت می‌گذارد، نقدی که وارد است آنکه عطف اول فیلم کمی دیر اتفاق می‌افتد، زیرا کار گردان اسبیر جزئیات در شخصیت‌پردازی‌های چهار راس شکلی خود است.

فرزند نوجوان قربانی حاصل از میوه هوس است، او نیز در استیلاي عشقی است که وجود ندارد، والدینی که خود در هسته همجوشی شده‌ای از این پر تو قرار ندارند و فقدان عشق (کانسپت فیلم) که حاکم بر ذات است و به صورت زبانی، سایه آن بر دیالوگ‌های رو در روی ژینا و بوریس در چند سکانس جداگانه آشکار است، مکالماتی که در پایان هر یک به تنش و دعوایی لفظی فیمابین تبدیل می‌شود که مبین جهان‌های جدامانده و فاقد اشتراک این دو است.

نکته عیان در پرده اول در خلال شخصیت‌پردازی‌ها، تصویر پر تویی ظریف از جامعه روسیه است که کارگردان با درایت‌تمام‌به‌مخاطبش تقدیم‌می‌کند که گاهی این رویدادها در اواخر پرده دوم و سوم نیز مشهود است، در واقع نقدی از سیستم ناظر و تمامیت‌خواه فردی با ظاهری ساده است که به او احترام بگذارد و حامی او باشد. بر اساس این شکل‌گیری فرمی کار گردان در شخصیت‌پردازی‌ها، ترسیم مربعی را در پیش می‌گیریم که دو راس دیگر آن ماشا (نامزد پنهانی بوریس) و آنتون (دوست نوبافته ژینا) هستند که هر یک به عنوان متضمن بر شخصیت‌های اصلی فیلم تشکیل یک ضلع از این مربع را می‌دهند؛ مربعی که خود در فرم مفهومی تنویر فشار و اضطراب است؛ از سویی ماشا تنبیه سازه‌یست با حمایت مادرش و از سوی دیگر آنتون از طبقه مرفه که پاسخگویی‌نیازهای ساختگی و بدل شده‌به تر تیب و بوریس و ژینا هستند، بر اساس این پایه‌محوری شخصیت‌پردازی‌ها در فیلم شکلی می‌گیرد تا نقطه عطف اول فیلم شکل گیرد.

حاکم و تاثیرات آن بر ارکان جامعه مدرن روسیه در قالب بیان ریشه سیر خرافانگری بر نسل‌های قدیمی (والد) و بی‌هدفی در نسل‌های جدید (فرزند) است؛ به‌طور مثال در پرده اول زن آرایشگر که از زندگی شخصی خود سخن به میان می‌آورد، دختر خود را الا‌بالی و بی‌قید معرفی می‌کند، او با خطاب قرار دادن دخترش به ژینا می‌گوید: «نه حرف‌های دارد و نه آرزویی!» یا در اواخر پرده دوم از ساختمانی که پلیس آن را برای یافتن آلیوشا زیر نظر دارد شاهدیم که دو دختر جوان با حالی سرخوش و بی‌هدف از آنجا بیرون آمده و جملاتی ناشی از بی‌قیدی به اطرافیان خود حواله می‌دهند.

در پرده دوم فیلم عمدتا و با جزئیات در جست‌وجوی قهرمان غایبی هستیم که عدم توانایی گروه‌های کمکی و داوطلبان و پلیس راه به جایی نمی‌برند، در واقع جمع اضداد بر کاراکترهای اصلی فیلم ژینا و بوریس غلبه می‌کند و آنها در بطن درونی و جوینده مکالماتی که در پایان هر یک به تنش و دعوایی لفظی هسته‌بی‌عشقی خود‌مواجهند، هسته‌ای که در تجسد نوجوانی حلول یافته تا آنها با سیر محیطی و فیزیکی نه تنهاورا پیدا نمی‌کنند، بلکه در درون خود نیز همواره در انتظار خواهند ماند، می‌توان در اینجابه به دو سکانس پیش از پایان فیلم دقت بیشتری داشت جایی که بوریس پس از چند سال و در زندگی جدیدش حین عدم توازن روحی برگرفته از خشم درونی حاصل از



بیرون می‌رود و محوطه بازی کودکان را نشانانه می‌رود که در تیررس این معنای رخ داده قرار دارند، چه بسا آنان قربانیان جدید جامعه‌باشند.

آندری زویاگینتسف درباره «Loveless» چه می‌گوید؟

لحظه‌های بی نقاب



و در نهایت می‌توانید به عنوان پاسخ در نظر بگیرید چون واقعا دلم می‌خواهد چیزی بگویم اما حقیقتا پاسخ‌روشنی ندارم. استراتژی خاصی برای ساخت فیلم در مورد خانواده ندارم. فقط می‌خواهم چیزهایی که به صورت طبیعی اتفاق می‌افتد را باز‌نمایی کنم. «این کار گردان سپس درباره نوع رابطه‌اش با باز یگران توضیح می‌دهد؛ مشخصا در این باره که آیا باز یگر هنگام تصویربرداری اجازه بداهه‌پردازی پیدا می‌کند

honar@etemadnewspaper.ir

هنر و ادبیات

پادداشت

دو نگاه به چند شعر از سه شاعر شعر در سرزمین مادری خودیتیم و غریب افتاده‌است

در کتاب «صدایی که پر از بارون بارونه» که نشر آوای کلار سال ۱۳۹۷ آن را به چاپ رسانده است؛ مطمئتم بسیاری از مخاطبان شعر ندیده‌اند این کتاب را مانند بسیاری از کتاب‌های شعری که دیده نمی‌شوند، چرا؟ چون شعر در سرزمین مادری خود یتیم و غریب افتاده است، شاعر هم به محض پاسخ مثبت به یک شبکه‌ماهورای خارجی مجبور مواخذه قرار می‌گیرد، خب وقتی صدا و سیما در تیول فقط یک تفکر از بین تنوع مخاطبان این کهن بوم و بر است و هیچ‌بارونه نبرده‌شدی برای این غربت اندیشیده نشده و از سوی دیگر و مضافا مافیای نشر هم به سود خود مهندسی سوژه، شاعر و ناشر می‌کند و اساسا دل‌شان نمی‌خواهد امثال موساه‌دیده‌شوند، اگر چه می‌توان

به خود امید داد که اثری که اثر باشد بالاخره تا ابد در پرده که نخواهد ماند؟ و البته این کاستی حقی است که در فاصله و محدوده زمانی از آفرینشگران کتاب ستانده می‌شود و اما بگذریم و بخوانیم شعر ۲۲ مطلقن شعر ۲۲ کتاب را: صدایی که پسر از بارون بارونه/از چه شکسته کاست آمد/من اینقدر ابرها را نوشته‌ام /تا گل نساء از/دقیقا نمی‌دانم تا بدانم که حالا با این روزها/یعنی

همین روزها/ که آفتاب هم دقیقا/ به حالت تعطیل/ این خواب‌ها در تمام شب بیدارند/ و بیدها دارند/ به همه ملحفه‌ها و صندوqچده‌هایم پیچند/ دارند/ تمام حواس مرا بر سفره تو می‌آورند/ که پر از گل و گیاه و گناهی/ و گناهی ناکرده در بلخ/ همین ترانه/ که اگر دقت می‌کری/ اسطر به سطر/ می‌نویسم که خواب هم دقیقا/ نبودم// و سرسختی همین گل‌هاست/ که دنیا را دیوانه می‌کند/ تمام ما می‌رویم بالای بام/ به رنگ سوزان بمبی خیره می‌شویم/ که احتمالا به کشور بالاتر افتاده- با همه چتر خود/ می‌پریم از هو/ا تو ی بارون بارونه/ گل‌نساء هم که از خنده تر کیده/ می‌گوید ترا کی دیده‌ام ۸۷/۱۲/۲۸ بندر عباس.

شعر در زبان، موسیقی، منولوگ شعری و فضایی غیر واقعی و مخیل و ویژه چون موج بر مخاطب، خود را سوار می‌کند. شعری که وادار هیچ مضمون واقع- جز تخیل شاعرانه نیست، شعری در تعلیق زبان مصداق همان: رشتنهای بر گردنم افکنده دوست/ است که خاطر خواه اوست و این دوست هموست، همان تخیل و تعلیق زبان که تان به تان به بالای سر برده و فرود آورده، اسب شعر را به تاخت هر جا که طلبد می‌تازاند و شعر مگر جز این است؟

نثراتر

دو نگاه به چند شعر از سه شاعر شعر در سرزمین مادری خودیتیم و غریب افتاده‌است

در داوری سال ۹۷ شعر جم به چند کتاب شعر مواجه شدم، یکی از آن دو چامک‌هایی است که دو زبانه هم منتشر شده است، شاعرش را نه دیده و نه می‌شناسم و گویا چون پدرش بیمار بود حتی در ایامی که در شهر زیبای جم با مردمانی صمیمی و مهمان‌نواز بودم هم نتوانسته بود از حوالی شیراز به عنوان یکی از برگزیدگان در روز جایزه جم حضور به هم رسانند. اما شعرهای کوتاهش را باید ببینند، اگر چه در حوزه زبان تلاش و کار کردی موکدی ندارد، اما توانسته مضامین قابل تامل شعری بیافریند که

قابلیت آن دارد بر صف مخاطبان شعر بیفزاید، چنین رویکردی البته توانسته زبان تر جمه را در زبانش نرم کند، اما اگر از بیناهمنیت ذاتی زبان پارسی بهره بیشتر بگیرد مطمئنا شعرها، آن رسانگی در حال حاضر را در ترجمه نخواهند داشت، اگر چه در زبان مبدا توان شگفتی‌سازی دارند: دوست ندارم/ مرا انطور که هستم بشناسی محسوب من/ سر‌بازی که از جنگ

بر می‌گردد/ به خوابی عمیق نیاز دارد/ صفحه ۶۲ یا هر دو می‌دانند پیراهنش حاصلخیز است/ هم گل/ هم گلوله‌ای/ یا ماه/ تنها دکه‌ه از شلوار مردیست سیاه‌پوش/ که به‌بیشتر اوقات/ فراموش می‌کند/ آن را کامل ببندد/ صفحه ۲۲ سجاد سیزواری متولد ۱۳۵۸، انتشارات گیومه، ۱۳۹۷، برگردان انگلیسی آذر فیروزی، مجموعه شعر دو زبانه با نام «هرمت مهر و ماتیک». یا شعرهای مجموعه «یکمoo» بهنام کشاورز دهشدتی، انتشارات سپیس سرخ، ۱۳۹۷ که زبان شعر او نیز از زبانت پهره نپرده اما مضمون‌پردازی‌اش خاص باورهای هموست، مانند نمونه زیر که در بزنگاه امروز جهان و به‌ویژه خاورمیانه می‌تواند بسا موضوع «نه، به‌ه جنگ»، بین جمعیت کثیری اثر گذار و - به مثابه تذکار - تکان دهنده ظاهر شود:

تفنگ می‌کنی! /چپ‌ها در خیال آنکه بازی است... انتشارات سپیس سرخ، ۱۳۹۷
■ نگاه می‌کنند! یک از آنان تنه می‌زند و تصویری محیطی از فروپاشی خانواده روسی را در خود‌نمایان می‌کند، یافتن لباس آلیوشا نیز بر واقعی‌بودن تصاویر در جهان فیلم دلالت دارد، نشانهای دل ناکجای دل این خانواده. در میانه‌نسی فیلم (دقیقه ۶۵) به پیشنهاد پلیس و گروه داوطلبان به قلب پلات می‌رویم، منزل مادر ژینا که کلید طلایی برای پاسخ به جمانه‌ی اثر است، مادر ژینا شخصیتی روان‌نژد، اجتماع‌گریز و پر خاشگر که تمام مشکلات بروز داده شده از سمت ژینا را می‌دهد، او هسته اصلی بی‌عشقی است، نمادی مدرن از نقش مادر در سونات پاییزی قرن ۲۱.

نقطه عطف دوم فیلم که با اوج گاه فیلم در هم تنیده، فروپاشی روحی ژینا و بوریس در مرکز پزشکی قانونی شهر است که برای تشخیص هویت یک جسد توسط پلیس فراخوانده می‌شوند. التهاب صحنه بالاست تا جایی که ژینا تاب نمی‌آورد و در حالی که بوریس او را نوازش می‌کند، ژینا‌ورا به یاد کتک می‌گیرد و بوریس نیز در کنجی فرو رفته و بی‌اختیار می‌گردد. در پرده سوم به آپارتمان فروش رفته این زوج می‌رسیم، جایی که کارگران در حال مرمت و نوسازی واحدد و دوربین با حرکت آرام Zoomout از پنجره اتاق آلیوشا بیرون می‌رود و محوطه بازی کودکانی را نشانانه می‌رود که در تیررس این معنای رخ داده قرار دارند، چه بسا آنان قربانیان جدید جامعه‌باشند. شایان ذکر است که فیلم‌الگوی ماهوی جامعه‌شناسانه برای کشورهایی است که در مسیر شکلی نظام‌های برآمده از تمامیت‌خواهی قرار دارند، لذا همذات‌پنداری با کاراکترهای آخرین اثر زویاگینتسف در جوامع نظیر سر گیجه پشت سر گیجه.

وقتی به ماجراهای این روزهای تئاتر نگاه می‌کنیم وضعیتی مشابه حاکم است. هر قدر هم که دقیق و ظریف و جست‌وجوگر باشسید، باز هم جایی چیزی از گوشه چشم‌تان در می‌رود؛ بس که نقاط مرکزی شهر بر شده از موسسه هنری، پلائو، سالن تئاتر و گالری، دولت

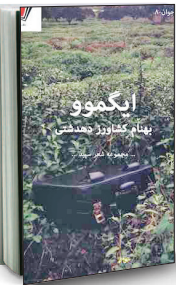
می‌گوید بوجه ندارم، مدیر دولتی هم ناتوان از جذب منابع حداقلی است، در نتیجه مدام باید خودش را بچلاند و هزینه‌های اضافی‌اش را تحت عنوان «مدیریت منابع» کاهش دهد. خروجی بی‌کلاه فعالان تئاتر.

در این مرحله کار گردان و مدیر سالن به ناچار باید یک تنه استنین بالا بزنند. همه جای جهان گروه‌های تئاتر سالن‌ها اداره می‌کنند ولی به واسطه عقب‌نشینی دولت‌ها و شهرداری‌ها و از با درآمدن کارخانه‌ها کم‌رشان زیر انواع و اقسام فشار خرد نمی‌شود.

اصلا مشکل اینجاست که همه دور هم دچار سر گیجه‌ایم، هیچ کس نمی‌داند با حضور و بروس چه فردایی در انتظار است، یک روز دست‌ور رفع قر نطنیه می‌آید، مدتی بعد بانگ خاموشی دوباره سر می‌دهند. یعنی آدم می‌ماند هنرمند و مدیر فرهنگی باید چه قابلیت‌های عجیب و غریبی داشته باشد که از پس انواع محاسبه بر آید؛ چیزی شبیه سوپرمن؟ مثلا باید بداند فردا قرار است قیمت



علی‌رضا پنجه‌ای



درباره سر گیجه این روزهای مدیران و بعضی هنرمندان نمایشی

انسان بر تر از تئاتر آمد پدید

دلار چه بر سر او و حرف‌هاش بیابرد. اینکه ویروس تا پایان سال چطور می‌خواهد سر همه را بکوبد به طاق! جیب ملت چه وضعیتی خواهد داشت؟ با این سیر صعودی قیمت‌ها، امکان دارد مثلا به افزایش بهای بلیت نمایش یا فیلم فکر نکنیم؟ اصولا تئاتر کار کنیم یا به دوستان تاکسی‌های اینترنتی درود بفرستیم؟ ماجرای اجاره‌بهای تلبیار و صاحب ملکی که برای دریافت تاق‌ران آخر اجاره‌اش ستاده یک لنگه‌یای چه می‌شود؟ اگر بی‌هوا دستی خورد به سوبیج ماشین مملکت و بدون راهنما و پیش‌بینی نشده چپ و راستی رفتیم چه می‌شود؟

همه سر‌در گم‌ند، آیا همچنان باید کار هنری را به عنوان شغل تعریف کنیم یا نه، در حالی که وقتی بزنگاه کرونا بی سر می‌رسد، همه چیز به فاصله نوشیدن یک لیوان آب نیست می‌شود. بین این همه گرفتاری، اینکه یعنی هنوز نسبت به روی صحنه آوردن نمایش پافشاری می‌کنند هم در نوع خودش ماجرای است. دلم می‌خواهد از این دوستان ببرسم

تئاتر بر تر از انسان آمد پدید یا بر عکس؟ چطور ممکن است در این شرایط ناایمن از مردم بخواهیم خانه‌های امن خود را راه کنند و برای دین تخم دوز زده ما خطر حضور در انواع محیط‌های با ریسک بالا را بپذیرند؟ اصلا چطور ممکن است کار گردان بتواند مسوولیت دور هم

جمع کردن یک گروه بر تعداد را آن هم در چنین شرایطی بپذیرد؟ نوع بر خورد‌ها بیشتر به ماجرای مواجهه انسان با مصنوعات تکنولوژیک ساخته دست‌خوش شباهت پیدا کرده، ما گوشی‌های هوشمند را مدیریت می‌کنیم یا گوشی‌ها مشغول مدیریت زندگی ما هستند؟ انواع جست‌وجوگرهای اینترنتی را ما ساختیم یا حالا آنها هستند که با آنالیز زیربوم سفارش‌ها و علایق انسان مشغول ساختن خلاصه‌ه بین تمام سر گیجه‌های موجود این نمونه آخری نور علی نور است. غافلگیر کننده! اینکه تازه بعضی از گروه‌ها و کار گردانان تئاتر مردم را به خاطر استقبال نکردن از نمایش‌های خود سرزنش هم می‌کنند. یک نفر باید به این دوستان برساند که اگر شما به کشف قرص و آمپول نابودکننده ویروس کرونا نایل آمده‌اید، مردم هنوز مشغول مطالعه و تحصیلتند. اگر شما به سر گیجه دچارید دلیل ندارد مردم هم سر گیجه بگیرند و جان شریف بی‌دفاع‌شان را بیکه و تنها در برابر اهریمن قرار دهند.

پیشخوان Pishkhan

گروهی از دانشگاهیان، اهالی فرهنگ و رسانه و کنشگران از بیانیه‌ای تأکید کردند

ستاد مقابله با کرونا گام‌هایش را محکم بردارد

گروهی از دانشگاهیان، اهالی فرهنگ و رسانه و کنشگران مدنی خطاب به ستاد ملی مقابله با کرونا تأکید کردند ستاد مقابله با کرونا گام‌هایش را محکم بردارد، تصمیم بگیرد و اجرا کند.

به گزارش ایسنا، در این بیانیه آمده است:

«در چند ماه اخیر انواع مشکلات بار دولت را سنگین کرده است. سیاستمداران هم انسانند. هر چند در موقعیت مسوولیت مجاز به یاس و انفعال نیستند ولی غلبه چنین حالتی ناممکن نیست. آنها نیز مثل هر انسان دیگری در برابر مسائل مختلف، واکنش‌های روانی انسان‌ها دارند.دست‌معمولا وقتی تعداد و وزن مشکلات زیاد می شود، آدم‌ها در میان یک چندراهی ممکن است احساس ناتوانی کنند و اعتماد به نفس خود را از دست بدهند. اولین نتیجه چنین حالتی، کاهش توان تصمیم‌گیری و کاهش قدرت عمل است. شاید ستاد مقابله با کرونا چار چنین وضعیتی شده باشد که تقریبا هیچ برنامه خاصی برای مقابله با موج تازه شیوع کرونا رایه نمی‌کند جز تکرار ضرورت استفاده از ماسک، که هر چند درست است اما قطعاً کافی نیست.

برای تصمیم‌های سراسری ستاد کرونا این بخش از مشکلات دولت قابل فهم است که شرایط اقتصادی بحران زده فعلی مانع از تعطیل کردن کسب و کارهای مردم و ایجاد محدودیت‌های گسترده است. شاید امکان چنین کارهایی دست‌کم فعلاً نباشد، اما بی‌تردید اگر لازم شود حتی به قیمت جیره‌بندی مواد غذایی لازم است از جان مردم مراقبت شود. البته باور داریم حتی در شرایط کنونی نیز ستاد مقابله با کرونا می‌تواند حداقل‌هایی را انجام دهد که به کاهش میزان خطر ابتلا و افزایش مبتلایان و مرگ و میر کمک کند. دولت می‌تواند از خودش مایه بگذارد. اغلب این اقدامات حداقلی چیزهایی است که خود دولت یا سازمان‌های عمومی می‌توانند صورت بدهند؛ کارهایی مانند نیمه تعطیل کردن ادارات دولتی، سازمان‌های عمومی و بخش‌های اداری شرکت‌های دولتی و شرکت‌های بزرگ، بانک‌ها و... از طریق کاهش تعداد کارکنان روزانه به میزان بیش از ۵۰ درصد، با لغو طرح ترافیک برای کاهش میزان استفاده مردم از وسایل نقلیه عمومی که از مهم‌ترین مکان‌های انتقال ویروس است، ایجاد محدودیت‌های سخت برای سفرهای برون‌شهری، افزایش برنامه‌های آموزشی و خبری و ترویجی تلویزیون کشور برای آگاه کردن بیشتر مردم نسبت به خطر شیوع لجام‌گشسته کرونا و...»

حتماً اقدامات دیگری را نیز می‌توان به این فهرست افزود، اما مشکل آن است که به نظر می‌رسد دولت و ستاد مقابله با کرونا اعتماد به نفس خود را در دست دادند.

باید اعتماد به نفس داشته باشید!

فراوانی انواع مشکلات، قدرت تصمیم‌گیری ستاد را شدیداً کاهش داده است. از اخبار ستاد، بوی استیصال می‌آید. منشأ بخشی از این استیصال همانند دانشگاه‌های موجود است، اما شاید بخش مهم دیگر آن شرایط روانی حاکم بر دولت و ستاد مقابله با کروناست. انگار خود را باخته‌اند. وقتی آدم خودش را می‌بازد، نه توان تصمیم دارد، نه توان عمل. به‌طور ناخوسته می‌نشیند تا توان زمانه برایش تعیین تکلیف کند. دولت همچنان توانایی‌های زیادی دارد. قادر است خیلی کارها بکند، اما بداند این آفت اقدام در دست در زمانی که فشارها فرونی می‌گیرد پناه بردن به اوام و خودشیفتگی است. مدیریت شرایط در کشور ما، مشکلات خود را دارد و قرار نیست برای کسی الگو باشد یا با کسی قیاس شود. با فروتنی بپذیریم کمبودهای فراوانی داریم و البته بر توانایی‌های داخلی تکیه کنیم؛ زمانه همه‌گیری کووید-۱۹ بیش‌تر از آنکه دوره تقابل و تکبر باشد دوره تعامل و فروتنی است. به جای برخورد‌های حذقی، تیربر‌های تازه از جامعه‌مدنی رافراخوانی کنید، از ایده‌های جدید برای بازسازی ستاد کمک بگیرید و البته به استیصال اجازه ندهید بر شما حاکم براند.

هادی آفریده، مستندساز دکتر مسعود احمدزاداصل، روانپزشک مهرداد احمدی شیخانی، گرافیکست نعمت احمدی، وکیل دادگستری فرزاد ادیبی، گرافیکست مجیدبرزگر، کارگردان بابک برزویه، عکاس و کارگردان هوشنگ پوربابایی، وکیل دادگستری امیر حسین جلالی ندوشن، روانپزشک ولی خلیلی، روزنامه‌نگار علی دهباشی، مدیر مجله بخارا نفیسه رسولی محلاتی، کنشگر مدنی دکتر مجید صادقی، روانپزشک ناصر صفاری، مستندساز مجید صیادی، فعال فرهنگی محمد عاقبتی، کارگردان تئاتر عباس عبدی، روزنامه‌نگار دکتر مهرداد عربستانی، انسان‌شناس فریدون عموزاده خلیلی، روزنامه‌نگار بهرام کله‌پرنیا، گرافیکست دکتر علی متولی زاده اردکانسی، عضو گروه علوم پایه فرهنگستان علوم دکتر فریدون مجلسی، محقق و مترجم دکتر مازن مرادی لا که، متخصص پزشکی اجتماعی مجید مظفری، بازنگر دکتر پدرام موسوی، کنشگر مدنی دکتر آرشن نصر افجهانی، جامعه‌شناس دکتر علیرضا نوروزی، روانپزشک کامیاب نوروزی، حقوق‌دان و روزنامه‌نگار علی ورامینی، سردبیر ماهنامه مدیریت ارتباطات

هزینه‌های سر بار جدید ناشی از شیوع ویروس کرونا یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان برای هر نفر کرونا همچنان همو طنان مان را به مسلخ می‌برد



گروه اجتماعی | اگر نادر حالی ۱۸۳ هموطن دیگرمان را از ما گرفت که ایرج حریرچی، معاون کل وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در گزارشی اعلام کرده اگر هر خاوار ایرانی به دلیل مسائل بهداشتی و درمانی در ایام کرونا حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان (معادل ۱۰۰ دلار در ابتدای پاندمی کرونا) افزایش هزینه داشته باشد، هزینه‌های کمرشکن سلامت از ۳۷ درصد به حدود ۸ درصد می‌رسد. در خانوارهای روستایی این شاخص از ۴۹ به ۱۲٫۹ درصد و در خانوارهایی که دارای فرد بیشتر از ۶۰ سال هستند، این شاخص به ۱۲٫۳ درصد افزایش می‌یابد. این در حالی است که هر روز ما عده‌هایی نزدیک ۲۰۰ نفر را درباره تعداد جان‌باختگان اعلام می‌کنیم و گمان نمی‌کنیم که این عده‌ها نمایانگر انسان‌ها و خانواده‌های شان است. در میان همین ۱۸۳ قربانی اخیر کووید۱۹ یکی از همکاران رسانه‌ای ما بود؛ «سهیل گوهری». او همین‌اواخر مسوولیت روابط عمومی باشگاه استقلال را پذیرفته بود. اما حدود ۱۰ روز قبل خبر رسید که او به ویروس کرونا مبتلا شده و به سبب وخامت حالش با دستگاه ونتیلاتور تحت درمان قرار گرفت اما پیروز صبح هم خبر نگاران و اهالی رسانه روز خود را با خبر مرگ او آغاز کردند. هنوز هم هیچ کس باور نمی‌کند که «سهیل گوهری» از بابت ابتلا به ویروس کرونا جان باخته است. برای همین است که باید درباره این عده‌هایی که هر روز خانم لاری سخنگوی وزارت بهداشت مرور می‌کند، شفاف‌تر و صریح‌تر سخن بگوییم و نه آنکه آن را در قالب چند عدد از ذهن بگذرانیم.

با این حال به عادت همه روزهایی که در ۵ ماه گذشته پشت سر گذاشتیم، عده‌هایی که سخنگوی وزارت بهداشت اعلام کرده را مرور می‌کنیم. اما یادمان باشد هر یک از آنها یکی از جنس ماست یکی مثل «سهیل گوهری». بر اساس گزارشی که سخنگوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ارائه داد: تاکنون ۲۶۹ هزار و ۴۴۰ نفر در کشور به‌طور قطعی به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند و بافوت ۱۸۳ نفر در ۲۴ ساعت منتهی به ۱۵ تا دموتر، استفاده از جان‌باختگان کرونادر کشور به ۱۲ هزار و ۷۹۱ نفر رسید.

سیماسادات لاری درباره آخرین آمار مبتلایان قطعی به ویروس کرونا در کشور و موارد فوت ناشی از این ویروس بیان کرد: در ۲۴ ساعت گذشته تا ظهر روز ۲۷ تیر ۱۳۹۹ و بر اساس معیارهای قطعی تشخیصی، دو هزار و ۷۹۱ بیمار جدید مبتلا به کووید۱۹ در کشور شناسایی شد که هزار و ۸۵۲ مورد بستری شدند. با این حساب، مجموع بیماران کووید۱۹ در کشور به ۲۶۹ هزار و ۴۴۰ رسید.

معاون وزیر بهداشت گفت: خوشبختانه تاکنون ۲۳۲ هزار و ۸۷۲ نفر از بیماران بهبود یافته از بیمارستان‌ها ترخیص شده‌اند. همچنین ۲۵۰۹ نفر از بیماران مبتلا به کووید۱۹

دانشگاه‌ها برای پاییز آنلاین آماده می‌شوند

گروه اجتماعی | ۱۹۸، ۱۹۸، ۲۰۳، ۱۷۹۰ در روزهای گذشته آمار جان‌باختگان کرونا حوالی همین اعداد چرخیده و نشان داده که هنوز تا نفس راحت کشیدن و به روال عادی زندگی بازگشتن راه درازی در پیش است. همین آمار و هشدارهای بیمارستان‌های بدون تخت خالی است که سبب شده در یک هفته گذشته نه تنها شهرنندگان که نهادهای مسوولان بیشتری احساس کنند که خطر جدی به قوت خود باقی است و باید تصمیم‌های دیگری گرفت. این هشدارها روی تصمیم‌گیری برخی دانشگاه‌ها هم تأثیر گذاشته است، ۱۶ تیر ماه دانشگاه تهران تکلیفش را از دوتر از بسیاری دانشگاه‌های دیگر طی اعلامیه‌اش روشن کرد. در حالی که همچنان صحبت از نحوه بازگشایی و پذیرش دانشجوی خوابگاه‌ها در میان بود، این دانشگاه طی اعلامیه‌ای خطاب به اساتید و مدیران اعلام کرد که بنا بر این بنگارند که نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۳۹۹-۲۰۰۰ به صورت مجازی بر گزار خواهد شد: «محتوای دروس نیم‌سال آینده خود را با فرض الکترونیکی بودن آموزش تهیه کرده و آمادگی‌های لازم را برای استفاده از سامانه‌های مورد استفاده در دانشگاه داشته باشند. پیش‌بینی و آمادگی لازم برای ارزیابی دانشجویان به صورت مستمر در طول نیم‌سال و کاهش سهم نمره آزمون پایان ترم در تعیین نمره نهایی را داشته باشند.» روز گذشته سایت دانشگاه صنعتی شریف به نقل از محمود فتوحی، رئیس این دانشگاه نوشت که تمرکز بر نمره‌ی زیرهای و ماه‌های پاییز است و دانشگاه آماده است تا حد امکان درس‌هایش را به صورت مجازی ارائه کند: «هادر پاییز دو مساله بسیار مهم داریم؛ یکی رسیدگی و پیش‌بردن بر نامه دانشجویان فعلی و دیگری ساماندهی دانش‌جویان ورودی جدید که احتمالاً از آبان و آذر وارد دانشگاه می‌شوند. این در حالی است که پیش‌بینی می‌شود در آن زمان با موج دیگری از کرونا دست و پنجه نرم کنیم و دانشگاه دوباره تعطیل شود. با در نظر گرفتن تمام سناریوها تلاش می‌کنیم تا بر پاییز بتوانیم بهترین عملکرد را نسبت به اتفاقی که رخ خواهد داد، داشته باشیم.» این دانشگاه امتحانات پایان ترم خود را هم به شیوه مجازی برگزار کرده بود تا به خاطر حضور در جلسه امتحان ناچار به بازگشایی خوابگاه‌های دانشجویی نشود. برای برخی دیگر از دانشگاه‌ها اما به نظر می‌رسد که چاره‌ای جز برگزاری حضوری برخی کارگاه‌ها و کلاس‌های عملی وجود ندارد. دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی به این نتیجه رسیده که برای کم‌خطر کردن برگزاری این کلاس‌ها باید از دانشجویان تعهد بگیرد. سه روز قبل، معاونت آموزشی دانشگاه خواجه نصیر اعلام کرد از دانشجویانی که درس‌های برخی کارگاهی و عملی حضوری دارند، تعهدی به صورت الکترونیکی یا کتبی مبنی بر رعایت نکات بهداشتی و پذیرفتن مسوولیت شرکت در کارگاه در اولین روز حضور در کارگاه اخذ خواهد شد: «چنانچه دانشجویانی موافق به شرکت در کارگاه به صورت حضوری نیستند، قبل از شروع کارگاه باید در خواست

خود مبنی بر حذف این دروس را به آموزش دانشکده اعلام کنند تا درس عملی آنها حذف شود.» این دانشگاه کشیدن و نشان داده که هنوز تا نفس راحت کشیدن و به روال عادی زندگی بازگشتن راه درازی در پیش است. همین آمار و هشدارهای بیمارستان‌های بدون تخت خالی است که سبب شده در یک هفته گذشته نه تنها شهرنندگان که نهادهای مسوولان بیشتری احساس کنند که خطر جدی به قوت خود باقی است و باید تصمیم‌های دیگری گرفت. این هشدارها روی تصمیم‌گیری برخی دانشگاه‌ها هم تأثیر گذاشته است، ۱۶ تیر ماه دانشگاه تهران تکلیفش را از دوتر از بسیاری دانشگاه‌های دیگر طی اعلامیه‌اش روشن کرد. در حالی که همچنان صحبت از نحوه بازگشایی و پذیرش دانشجوی خوابگاه‌ها در میان بود، این دانشگاه طی اعلامیه‌ای خطاب به اساتید و مدیران اعلام کرد که بنا بر این بنگارند که نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۳۹۹-۲۰۰۰ به صورت مجازی بر گزار خواهد شد: «محتوای دروس نیم‌سال آینده خود را با فرض الکترونیکی بودن آموزش تهیه کرده و آمادگی‌های لازم را برای استفاده از سامانه‌های مورد استفاده در دانشگاه داشته باشند. پیش‌بینی و آمادگی لازم برای ارزیابی دانشجویان به صورت مستمر در طول نیم‌سال و کاهش سهم نمره آزمون پایان ترم در تعیین نمره نهایی را داشته باشند.» روز گذشته سایت دانشگاه صنعتی شریف به نقل از محمود فتوحی، رئیس این دانشگاه نوشت که تمرکز بر نمره‌ی زیرهای و ماه‌های پاییز است و دانشگاه آماده است تا حد امکان درس‌هایش را به صورت مجازی ارائه کند: «هادر پاییز دو مساله بسیار مهم داریم؛ یکی رسیدگی و پیش‌بردن بر نامه دانشجویان فعلی و دیگری ساماندهی دانش‌جویان ورودی جدید که احتمالاً از آبان و آذر وارد دانشگاه می‌شوند. این در حالی است که پیش‌بینی می‌شود در آن زمان با موج دیگری از کرونا دست و پنجه نرم کنیم و دانشگاه دوباره تعطیل شود. با در نظر گرفتن تمام سناریوها تلاش می‌کنیم تا بر پاییز بتوانیم بهترین عملکرد را نسبت به اتفاقی که رخ خواهد داد، داشته باشیم.» این دانشگاه امتحانات پایان ترم خود را هم به شیوه مجازی برگزار کرده بود تا به خاطر حضور در جلسه امتحان ناچار به بازگشایی خوابگاه‌های دانشجویی نشود. برای برخی دیگر از دانشگاه‌ها اما به نظر می‌رسد که چاره‌ای جز برگزاری حضوری برخی کارگاه‌ها و کلاس‌های عملی وجود ندارد. دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی به این نتیجه رسیده که برای کم‌خطر کردن برگزاری این کلاس‌ها باید از دانشجویان تعهد بگیرد. سه روز قبل، معاونت آموزشی دانشگاه خواجه نصیر اعلام کرد از دانشجویانی که درس‌های برخی کارگاهی و عملی حضوری دارند، تعهدی به صورت الکترونیکی یا کتبی مبنی بر رعایت نکات بهداشتی و پذیرفتن مسوولیت شرکت در کارگاه در اولین روز حضور در کارگاه اخذ خواهد شد: «چنانچه دانشجویانی موافق به شرکت در کارگاه به صورت حضوری نیستند، قبل از شروع کارگاه باید در خواست

در وضعیت شدید این بیماری تحت مراقبت قرار دارند. لاری در توضیح وضعیت موجود تشخیص بیماری نیز بیان کرد: تاکنون دو میلیون و ۹۸ هزار و ۹۸۵ آزمایش تشخیص کووید۱۹ در کشور انجام شده است. سخنگوی وزارت بهداشت افزود: استان‌های آذربایجان شرقی، ایلام، بوشهر، خراسان رضوی، خوزستان، زنجان، گلستان، مازندران (به خصوص آمل)، کرمان و فارس در وضعیت قرمز قرار دارند و در استان‌های کرمانشاه، آذربایجان غربی، هرمزگان و کردستان با رعایت پروتکل‌های بهداشتی توسط هموطنان عزیز شاهروند نسبتاً کاهش در موارد ابتلا بستری و مرگ و میر هستیم و همچنین تأکید کرد از مردم می‌خواهیم از تردیدی هدف و رفتن در اماکن عمومی خودداری کنند زیرا دفعات حضور و زمان حضور در اماکن عمومی احتمال ابتلا به ویروس کرونا را بیشتر می‌کند. همچنین دورهمی‌های خانوادگی را از شکل حضوری به مجازی تبدیل کنیم. یادمان باشد که تنها راه پیشگیری از ابتلا به کرونا رعایت سه اصل فاصله گذاری فیزیکی ۱٫۵ تا دموتر، استفاده از ماسک و شستن مداوم دست‌هاست. این در حالی است که حریرچی در وینپار فاصله گذاری هوشمندانه، همراهی اقتصاد با سلامت توضیح داد: اگر هر خانوار ایرانی به سبب



مسائل بهداشتی و درمانی در ایام کرونا حدود یک میلیون ۶۰۰ هزار تومان (معادل ۱۰۰ دلار در ابتدای پاندمی کرونا) افزایش هزینه داشته باشد، هزینه‌های کمرشکن سلامت از ۳۷ درصد به حدود ۸ درصد می‌رسد. در

خود مبنی بر حذف این دروس را به آموزش دانشکده اعلام کنند تا درس عملی آنها حذف شود.» این دانشگاه کشیدن و نشان داده که هنوز تا نفس راحت کشیدن و به روال عادی زندگی بازگشتن راه درازی در پیش است. همین آمار و هشدارهای بیمارستان‌های بدون تخت خالی است که سبب شده در یک هفته گذشته نه تنها شهرنندگان که نهادهای مسوولان بیشتری احساس کنند که خطر جدی به قوت خود باقی است و باید تصمیم‌های دیگری گرفت. این هشدارها روی تصمیم‌گیری برخی دانشگاه‌ها هم تأثیر گذاشته است، ۱۶ تیر ماه دانشگاه تهران تکلیفش را از دوتر از بسیاری دانشگاه‌های دیگر طی اعلامیه‌اش روشن کرد. در حالی که همچنان صحبت از نحوه بازگشایی و پذیرش دانشجوی خوابگاه‌ها در میان بود، این دانشگاه طی اعلامیه‌ای خطاب به اساتید و مدیران اعلام کرد که بنا بر این بنگارند که نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۳۹۹-۲۰۰۰ به صورت مجازی بر گزار خواهد شد: «محتوای دروس نیم‌سال آینده خود را با فرض الکترونیکی بودن آموزش تهیه کرده و آمادگی‌های لازم را برای استفاده از سامانه‌های مورد استفاده در دانشگاه داشته باشند. پیش‌بینی و آمادگی لازم برای ارزیابی دانشجویان به صورت مستمر در طول نیم‌سال و کاهش سهم نمره آزمون پایان ترم در تعیین نمره نهایی را داشته باشند.» روز گذشته سایت دانشگاه صنعتی شریف به نقل از محمود فتوحی، رئیس این دانشگاه نوشت که تمرکز بر نمره‌ی زیرهای و ماه‌های پاییز است و دانشگاه آماده است تا حد امکان درس‌هایش را به صورت مجازی ارائه کند: «هادر پاییز دو مساله بسیار مهم داریم؛ یکی رسیدگی و پیش‌بردن بر نامه دانشجویان فعلی و دیگری ساماندهی دانش‌جویان ورودی جدید که احتمالاً از آبان و آذر وارد دانشگاه می‌شوند. این در حالی است که پیش‌بینی می‌شود در آن زمان با موج دیگری از کرونا دست و پنجه نرم کنیم و دانشگاه دوباره تعطیل شود. با در نظر گرفتن تمام سناریوها تلاش می‌کنیم تا بر پاییز بتوانیم بهترین عملکرد را نسبت به اتفاقی که رخ خواهد داد، داشته باشیم.» این دانشگاه امتحانات پایان ترم خود را هم به شیوه مجازی برگزار کرده بود تا به خاطر حضور در جلسه امتحان ناچار به بازگشایی خوابگاه‌های دانشجویی نشود. برای برخی دیگر از دانشگاه‌ها اما به نظر می‌رسد که چاره‌ای جز برگزاری حضوری برخی کارگاه‌ها و کلاس‌های عملی وجود ندارد. دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی به این نتیجه رسیده که برای کم‌خطر کردن برگزاری این کلاس‌ها باید از دانشجویان تعهد بگیرد. سه روز قبل، معاونت آموزشی دانشگاه خواجه نصیر اعلام کرد از دانشجویانی که درس‌های برخی کارگاهی و عملی حضوری دارند، تعهدی به صورت الکترونیکی یا کتبی مبنی بر رعایت نکات بهداشتی و پذیرفتن مسوولیت شرکت در کارگاه در اولین روز حضور در کارگاه اخذ خواهد شد: «چنانچه دانشجویانی موافق به شرکت در کارگاه به صورت حضوری نیستند، قبل از شروع کارگاه باید در خواست

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰

مقاطع

افقی

- ۱-ایالتی در امریکا- بن‌دباز
- ۲- نفع - وسیله نقلیه قطبی - پایتخت نروژ
- ۳- حرف آخر - حرف همراهی عرب - طلوع صبح- پاره کردن
- ۴- از اسماء حسنی - آرایش هنرپیشه
- ۵- یگانه - حیوان وحشی - همدوم یار - تصدیق روسی
- ۶- توده یخا متر-کرم - وسایل خانه - پیساد
- ۷- جنس به ظاهر قوی - شکاف و خرنه - سزوار بودن
- ۸- ایمن - تحریم سیاسی
- ۹- از کوه‌های مهم کشور - از کوه‌های مهم کشور - چانه
- ۱۰- سرپرست و قیم - آخرین ملکه مصر - قریب خانم‌ها!
- ۱۱- نشانه مغفولی - پارچه روپوشی - باد سرد - قلعه و حصار
- ۱۲- نغمه و آواز - بی آبرویی
- ۱۳- شوه خوار - قللمه بزرگ - باب‌روز - گیاه توخالی
- ۱۴- سرباز نیروی دریایی - مزد کار و حمت - فرزندان‌ها!
- ۱۵- الهاب حفره‌های بینی - نگهبان بلندی

شکایات ارسال شده به این اداره کل اعلام کرد.

شهردار تهران:

برای تامین بودجه به پستوانه

حقوقی نیاز داریم

شهردار تهران در خصوص عدم تحقق بودجه شهرداری گفت: برای تامین بودجه به پستوانه حقوقی و منابع مالی علاوه بر امکانات خود شهرداری‌ها نیاز است. براساس گزارش ایلنا، پیروز حناچی، شهردار تهران در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه برنامه شهرداری برای مسکن شهرداری‌ها چیست؟ گفت: شهرداری آن در شهر تهران چیست؟ گفت: شهرداری برای مسکن وظیفه مستقیم ندارد، اما در این زمینه پیشنهادهاتی دارد. او در خصوص پیشنهادات شهرداری گفت: مهم‌ترین ابزارهای لازم برای تأثیرگذاری بین دستگاه‌های موجود در داخل محدوده قانونی شهرداری‌ها هستند و آقای رییس‌جمهور هم این را قبول دارند. او همچنین در پاسخ به سوالی در خصوص عدم تحقق ۵۰ درصد بودجه شهرداری تهران در سه‌ماهه نخست سال جاری که انتقادات اعضای شورای شهر را نیز در پی داشت، گفت: قاعدتاً اگر شهرداری‌ها بخواهند این اقدام را انجام دهند هم به پستوانه حقوقی و هم به منابع مالی دیگری علاوه بر امکاناتی که خودشان در اختیار دارند نیاز دارند.

حریق مجتمع تجاری در بازار تهران

گروه اجتماعی | سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران از وقوع حریق در یک مجتمع تجاری در بازار کفاشان تهران خبر داد. به گزارش ایسنا، سیدجلال ملکی در این باره اظهار کرد: ساعت ۲۰: ۱۰ دقیقه روز جاری یک مورد آتش‌سوزی در یک پاساژ به سامانه ۱۲۵ سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران اطلاع داده شد که بلافاصله چهار ایستگاه آتش‌نشانی به همراه خودروهای تنفسی و تانکر آب به محل واقع در محدوده بازار کفاش‌ها، بازار، سیدولی اعزام شدند. ملکی بایان اینکه آتش‌نشانی در مدت زمان چهار دقیقه به محل رسیدند، گفت: در یک ساختمان سه طبقه که کاربری تولید کفش داشت و در آن مواد قابل اشتعال نگهداری می‌شد حریق رخ داده بود. روی سطح پشت بام این مجتمع به لوازم باایمن، انباری‌هایی تعبیه شده بود و این حریق در یکی از انباری‌هایی که روی سطح پشت بام واقع شده بود رخ داده بود. او ادامه داد: از آنجایی که حریق روی سطح پشت بام رخ داده بود، پس از شهرنندگان این مورد را مشاهده کردند. همچنین از طریق رایزر به بخشی از طبقات پایینی سرایت کرده بود که آتش‌نشنان با حضور به‌موقع از چند طرف عملیات را آغاز کردند و حریق را تحت کنترل در آوردند. به گفته او حریق اطفا شده و آتش‌نشانی در حال آنکه گیری و ایمن‌سازی محل هستند. این حادثه تاکنون مورد مصدومیت نداشته است.

سودوکو

۹	۴	۲	۵	۷	۱	۸	۳
۶	۸	۱	۴	۷	۳	۹	۲
۱	۷	۳	۹	۲	۸	۴	۵
۴	۳	۱	۶	۹	۵	۷	۸
۵	۲	۴	۸	۳	۷	۱	۶
۷	۸	۹	۱	۲	۵	۴	۳
۳	۵	۷	۶	۴	۱	۲	۸
۲	۶	۵	۳	۱	۸	۴	۷

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

عمودی

- ۸- از رودهای مهم ایران - کام‌دهان - پشته - خانه شعر
- ۹- حکم و دستور - سیل بزرگ - پدر بهرام گور
- ۱۰- کوچک - از شهرهای خراسان - ترنجبین - سازشاک
- ۱۱- اصطلاحی در ورزش بسکتبال - بزرگوار تر
- ۱۲- گشادگی رنگ‌ها یا - مقیاس اندازه گیری - شگون
- ۱۳- خنده رو - جامه صاف می‌کند - جواب‌های افشده گوجه
- ۱۴- دشمن سخت - گاز - دنبه - آواز
- ۱۵- زبان مردم کشور تونگا - رقاد

- ۱- معاون و دستیار - فوریت پزشکی
- ۲- جایز و سیاسته - جنگ - حرف نفی عرب -
- ۳- سرپرست و قیم - آخرین ملکه مصر - قریب خانم‌ها!
- ۴- شگاه‌ها - تیره - پایگانی
- ۵- گشادگی - حاکم
- ۶- دل آزار کهنه - دشمن - سودمند و مفید - ماه سرد
- ۷- کشتی تاریخی فلیپ دوم - ضخیم نیست - عضو



گفت‌وگو با حسین معززی نیا، پژوهشگر و منتقد سینما

فوتبال بدون تماشاچی نامش فوتبال نیست

علی ولی‌اللهی

شاید از دیدن این گفت‌وگو در صفحه ورزش تعجب کنید. حق هم دارید. بحث با یک فیلمساز و منتقد سینما در مورد فوتبال کمی دور از ذهن به نظر می‌رسد. با این حال علاوه بر اینکه باید بدانیم حسین معززی نیا در کنار فیلمسازی و حضور در

هیات داوران جشنواره‌ها و تدریس سینما یک طرفدار دو آتشه بارسلوناست و به قول خودش ۲۵ سال است بازی‌های این تیم را دنبال می‌کند، شرایط امروز فوتبال نیز به شکلی است که آدم‌راید فیلم‌های آخرآلزامانی باساینس فیکشن می‌اندازد. استادم‌های خالی، صدای مصنوعی تماشاچیان، ماکت‌های سه بعدی مردم روی سکوها و مونیتورهایی که تصویر مردم در خانه‌ا کنار زمین در حال دین بازی‌نشان می‌دهدبخشی از این وضعیت است. اگر بپذیریم تماشاچیان بخش جدانشدنی یک بازی فوتبال به حساب می‌آیند، نبودشان بدون شک بسیاری از مفاهیم قبلا ثابت فوتبال را دستخوش تغییر می‌کند. این لطمه در وهله اول از منظر زیباشناسی قابل بررسی است و بعد می‌توان نتایجش را در سایر حوزه‌هائیز پیدا کرد. برای بررسی این شرایط چه کسی بهتر از فردی که روی هنرهای نمایشی تسلط دارد فوتبال را نیز می‌فهمد؟

■ **فوتبال بدون تماشاگر پدیده عجیبی به نظر می‌رسد. این طور نیست؟**

اولین نکته‌ای که فکر می‌کنم باید به عنوان مقدمه ورود به این بحث مطرح کنم این است که من هم مثل میلیون‌ها آدم دیگر که در سراسر دنیا به این چشم دوخته‌اند که این وضعیت اصلا چه چیزی هست و تعریف آن دقیقا چگونه باید انجام شود، همین وضعیت را دارم. راستش من نمی‌توانم پیش از اینکه مطمئن شوم چه چیزی در انتظارمان است به خیلی مسائل فکر کنم. به این معنا که باید بدانیم وپروس کرونا در نهایت چه تأثیری بر زندگی ما درازمدت خواهد گذاشت و بعد این سوال اساسی را مطرح کنیم که ما چقدر با یک وضع موقت ظرفیم و چقدر با چه چیزی ظرفیم که می‌تواند آینده زندگی ما را لاقط تا آنجا که چشم‌اندازی داریم تغییر بدهد. تصور می‌کنم آن قدری که من از اوضاع متوجه شدم نه جامعه پزشکی، نه اهل اقتصاد، نه اهل سیاست و نه هیچ کس دیگری که در جایگاه‌های مدیریتی دنیا چه به شکل جهانی و کشوری حضور دارد، هیچ کدام جواب قطعی و شفاف و به درخوری به سوالات ما ندارد. حسم این است که ما در یک ابهام بزرگ در حال کرم. دریافت من این نیست که ما در حال صر هستیم تاآنچه برای دانشمندان روشن شده زودتر به نتیجه برسد. واقعیت این است که خود دانشمندان هم به نظر می‌رسد تسلطی بر موضوع ندارند. بیشتر اوضاع به اینگونه است که عده‌ای در حال مدیریت روانی جامعه جهانی هستند تا ما از هم ناپاشیم و توانیم به زندگی ادامه دهیم. بالاخره هر چیزی به اسم امید در هر دورهای از تاریخ وجود دارد و در همین تعریف کلی اش باعث شده آدم‌ها به پیش بروند. امروز همان امید در معناى عاشق در حال تزریق به جامعه است تا ما به قول فرنگی‌ها give up نکنیم. بر اساس همین مقدمه نسبتاً طولانی پاسخ دادن به سوالات شما و حضور در بحثی که است در حد یاد بسیار معطوف است به برداشت ما از همین مقدمه. اینکه ما داریم در مورد یک آینده نه چندان کوتاه و محدود حرف می‌زنیم؟ آیا ما ۱۰ تا ۲۰ سال در گیر همین موقعیتیم یا اینکه واقعا در مورد یک شرایط موقت حرف می‌زنیم؟ اگر قرار باشد خیلی خوشبینانه به مسائل نگاه کنیم و بگوییم حداکثر یک فصل دیگر از مسابقات فوتبال را قرار است با مختصات فعلی نگاه کنیم و بعدش تمام می‌شود و به تاریخ می‌پیوندد، پاسخ به این سوال‌ها هم کنترل شده‌تر می‌تواند جلو ببرد. اگر بدانیم وضعیت موقت است آن وقت حرف زدن در مورد اینکه «این شرایط جوانه‌روانه است یا نیست؟» یا اینکه «این تنها راهی است که می‌توان فوتبال را زنده نگه داشت یا نه؟» یا اینکه «باشگاه‌ها در حال بهره‌برداری اقتصادی از این وضعیت می‌کنند یا راهی جز این ندارند؟» یا اینکه فکر کنیم «باشگاه‌ها به نوعی در حال دور زدن هواداران هستند؟» و تمام این سوال‌ها با در نظر گرفتن یک شرایط موقت زیستی خیلی پاشتنش فرق می‌کند و ما می‌توانیم آن را به سلاقی و سربلایط واگذار کنیم و بگوییم در یک جمع‌بندی کلی راهی جز این چیزی که در حال اتفاق افتادن وجود ندارد.

■ **با این حال فارغ از بحث زمان می‌توان گفت که فوتبال بدون تماشاچی از منظر زیباشناسی آسیب دیده است.**

اگر بخواهیم قید زمان را برداریم و از موقتی بودن یا طولانی مدت بودن درگیری با بیماری عبور کنیم، می‌توانم به این اشاره کنم بی‌شک ما در دورانی زندگی می‌کنیم که یک خصوصیت قدیمی را در دوران مدرن با ساختاری دقیق تر شاهد هستیم. آن هم انجام چیزهایی است در قالب نمایش یک فیلم سینمایی، بر گزاری یک کنسرت یا انجام یک مسابقه فوتبال. در تمام اینها مساله حضور جمعیت وجود دارد. آن ارتباط اینترنتی که به شکل رفت و برگشتی بین تماشاگر و کسی که در حال اجرای نمایش است، شکل می‌گیرد. این ارتباط از همه دوره‌های گذشته شاید طراحی تر شده‌تر و ساختارمندتر است. البته که این چیزها از ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ سال پیش هم سابقه دارد و مثلاً اجرای شکل‌های دیگری از این ارتباط‌ها سابقه داشته است؛ از همان زمانی که کلیسایوم در م بنا شد یا سالن‌های بزرگ نمایش در یونان وجود داشت یا هر شکل دیگری از این نوع که در تاریخ بشر به ثبت رسیده. این جور نیست که این مساله دستاورد دنیای مدرن باشد. دنیای مدرن ولی بی تردید بسیاری از ساختارهایش را



باید اعتراف کنم بعد از عمری فوتبال بینی راستش این روزها بازی‌ها را تماشا نمی‌کنم. من نزدیک به ۲۵ سال است بازی‌های تیمی مثل بارسلونا را دنبال کرده‌ام. هر چه که به دستم رسیده است را دیده‌ام. اما بازی‌های اخیر را ندیدم و فقط هالایت‌هایش را دنبال می‌کنم. می‌توانم بگویم برای من به شخصه جذابیت فوتبال از دست رفته. این استادبوم‌های خالی با آن آمیبیانی که صرفاً پخش می‌شود چیزی شبیه «به نتیجه رساندن یک نمایش است که چه جایی جز به پایان رساندن نیست چون پولی بابتش پرداخت شده» است. البته از نظر من این نامطلوب نیست. من هم اگر جای مدیران این باشگاه‌ها بودم راهی جز همین مسیر نمی‌داشتم. اما باید اعتراف کنم لذت تماشاى بازی‌ها بدون تماشاچی برای من که یک تماشاچی همیشگی فوتبال بودهام خیلی اندک شد و دیگر آن هیجان معمول را ندارد.

■ **برخی از تماشاچیان در سراسر دنیا معتقدند باشگاه‌ها با پذیرفتن بازی بدون هواداران به نوعی آن‌ها را دور زده‌اند و فقط می‌خواهند جیب خود را پر کنند.**

در مورد مساله اقتصادی راستش ترجیح می‌دهم اینقدر بدبینانه به داستان نگاه نکنم. مد این است که تا بحث پول پیش می‌آید همه یک جور موضع‌گیری نند در مورد ماجرا انجام می‌دهند. درست یا غلط همه می‌دانیم که باشگاه‌های بزرگ دنیا و حتی باشگاه‌های متوسط چقدر درگیر مدیریت اقتصادی هستند و چقدر سر نوشت تیم‌ها و رضایت هواداران وابسته است به آنچه در حوزه اقتصاد اتفاق می‌افتد. این ربطی به فوتبال به‌طور مشخص ندارد و مربوط به اتفسری است که ما در آن زندگی می‌کنیم و دنیای امروز. اینکه باشگاه‌ها تلاش می‌کنند تا شرایط اقتصادی شان از هم نپاشد و با مقداری غیر استاندارد پیش بردن بازی‌ها و خارج کردن از زوال همیشگی برای جلوگیری از متلاشی شدن باشگاه، آن قدرها هم چیزی نیست که لازم باشد به خاطرش باشگاه‌ها را شامت کنیم و بگوییم به خاطر پول چنین تصمیمی گرفتند. حالا اگر به خاطر پول هم این تصمیم را گرفتند شاید واقعا باید می‌گرفتند. این راه بهتری است برای اینکه آسیب‌های ساختاری دراز مدت به ساختارهای یک باشگاه وارد نشود. باشگاه می‌خواهد از این طریق بتواند بعد از گذر از این وضعیت به ووال عادی برگردد به موقعیت قبلی‌اش.

■ **برخی‌ها با راجع ما به اتفاقات زشت هواداری در فوتبال مثل سر دادن شعارهای نژادپرستانه یا درگیری هواداران روی سکوها از آرژانتین تا همین تیر معتقدند نبود تماشاچیان نکات مثبتی هم دارد.**

هیچ کس نمی‌توان ادعا کند شکل فعلی فوتبال حالا از جهانی بهتر هم هست. ایده‌های نظیر اینکه برخی تصور کنند با این وضعیت رفتارهای نژادپرستانه را نخواهیم دید یا شاهد درگیری نخواهیم بود، را اصلاً در نمی‌کنم. اصلانی فهمم ذهنی که این شکلی فکر می‌کند چگونه است بدیهی است که این رفتارها مطلوب نیستند اما اینها بخشی از زندگی هستند؛ بخشی از فوتبال و همین دنیا هستند. اینها اجزای همه آن چیزی است که ما را در این دنیا توضیح می‌دهد. خوب باید قرار است اینها جزو دیگری

مدیریت شوند نه با دخالت یک وپروس و زندگی در یک شرایط آزمایشگاهی و غیر عادی مثل آنچه در حال حاضر تجربه می‌کنیم. بنابراین به هیچ وجه فکری که می‌گوید شکل بر گزاری فعلی یک بازی فوتبال احیاناً در آن مزایایی وجود دارد، قابل قبول نیست. بی تردید همه آنچه در حال تجربه‌اش هستیم نامطلوب است. این روشن است و هیچ نکته مثبتی در این وضعیت دیده نمی‌شود.

■ **در یکی از قسمت‌های سریال بلک میرور که اصطلاحاً یک نمایش علمی – تخیلی است، می‌بینیم که مردم در خانه‌های دیجیتالی زندگی می‌کنند و برای حضور در یک سالن یا هر تجمع دیگری تصویر سه بعدی آنها همه را با صدای شان در مکان تجمع پردازش می‌شود. وضعیت امروز فوتبال م را یاد آن قسمت از سریال انداخت. در کل فکر می‌کنید ممکن است به آن سمت برویم؟**

دقیقاً چند هفته پیش خودم البته بدون فکر کردن به بلک میرور به این نتیجه رسیدم که فضا چقدر آخرآلزامی است. اگر متناسب با آن چه در ابتدا بدان اشاره شد احیاناً چشم‌انداز ما این بشود که فعلاً تا آینده نامعلومی فر آیند فوتبال همین است و قرار است مسابقات به این شکل برگزار شود، بی تردید چیزی که باید روی آن سرمایه گذاری شود، برای اینکه در اندازه محدودی حیات را به فوتبال بازگرداند، واقعا چیزی است شبیه به فرضیه‌های ساینس فیکشن. تصور عجیبی شبیه به اینکه انگار هر کدام از آن صندلی‌ها در استادبوم‌ها را یک تماشاگر به شکل مجازی پر کند. البته باز هم می‌گویم ساینس فیکشن است ولی به هر صورت اگر قرار باشد این شکلی فکر کنیم شاید تنها راه این باشد که آن صندلی‌ها صاحب یک جور اسپیکر و مونیتور و یک بساطی بشوند که خلاصه این امکان به وجود بیاید که کسی که در خانه بازی را نگاه می‌کند واقعا بتواند واکنش نشان دهد و آن واکنش را تا ب پای داشته باشد در استادبوم. حداقل این است که ما احساس کنیم به جای آن آمیبانی که دستنی که صرفاً دارد یک هیاهوی بی خودی در استادبوم می‌سازد، در حال تماشاى شکلی از واکنش واقعی هستیم. گرچه این واکنش از داخل خانه انجام می‌شود و در مقابل یک تصویر تلویزیونی، یایی تواند شکل‌های دیگری هم داشته باشد. بالاخره ما داریم علمی – تخیلی نگاه می‌کنیم و این عجیب غریب است. شاید باید ابزارهای تکنولوژیک پیدا شود تا ما احساس نکنیم واکنش‌ها از پیش طراحی شده نیست و بپذیریم واکنشی است که همین جلا اتفاق می‌افتد.

■ **شکل فعلی فوتبال تاکی می‌تواند ادامه پیدا کند؟**

نمی‌دانم شکل فعلی چقدر ممکن است ادامه پیدا کند. این برای خود باز یکتان فوتبال هم می‌تواند رساننده باشد که کم کم احساس کنند در یک فضای انترعای دارند بازی می‌کنند و بعدا شاهد همه واکنش‌های احتمالی خواهند بود. هم اینکه تردیدی نیست در تماشاگران نیز باعث ریزش علاقه‌مندان می‌شود و یک جور جدی و بی تلاکشی نسبت به آنچه اتفاق می‌افتد به وجود می‌آورد. اینها چیزهایی است که در گذر زمان مشخص می‌شود. مثلاً آیا ممکن است در کشورها پیشرفته‌تر و استادبوم‌های بزرگ با رعایت فاصله چند متری شکلی از بازگشت تماشاچی را شاهد باشیم یا شبیه اینکه باز هم پیچیدگی‌های این وپروس و جش‌های مختلفش باعث می‌شود این هم غیر ممکن باشد؟ هر چه هست تداوم شکل فعلی نامش فوتبال نیست. هماغطور که در حوزه تخصصی ترم یعنی سینما هم همین طور فکر می‌کنم. قطعاً فیلم ساختن و گذاشتن روی پلتفرم‌ها برای اینکه آدم‌ها در خانه تنهایی ببینند واقعا اسمش فیلمسازی نیست. پیش از شیوع کرونا هم به نظر به پردازش‌هایی که می‌گفت سینما و تلویزیون به این سمت می‌روند و مساله «کنار هم فیلم دین» از فرهنگ ما بر داشته می‌شود هم. مشکوک بودم. تصور می‌کردم این حرف نامر پولی‌ها است. کلاً اگر تماشاچیان را در فوتبال یا سینما حذف کنیم ما با یک چیز دیگری طرف هستیم و کم کم باید افسد دیگری برای آنها پیدا کنیم. در بحث‌های تحلیلی هم داریم که وقتی تماشاچیان با هم یک فیلم یا چیز دیگری نگاه می‌کنند، قطعاً تأثیر روانی‌ای که می‌گیرند متفاوت است. واکنش‌های شان روی هم تأثیر می‌گذارد و خیلی از اوقات باعث شکل‌گیری واکنش‌های مشترکی می‌شود که هرگز توی خانه نمی‌تواند اتفاق بیفتد. اینها به حیات مثلاً ن فیلم یا فوتبال ضمیمه می‌شود و بخشی از آن می‌شود. اینها دو چیز متمم بلکه یک چیز واحد هستند. ما در تحلیل فیلم نمی‌توانیم اینها را بدون هم در نظر بگیریم. در فوتبال هم همین است. نمی‌توان بازی‌ها را بدون واکنش تماشاچیان بررسی کرد. فوتبال بدون واکنش‌های لحظاتی تماشاگر گویا برام پدیده قابل درکی نیست. بنابراین امیدوارم در حال سری کردن یک موقعیت باشیم نه در حال استقرار در آن تازمانی نامعلوم.

■ **برخی از فیلمسازان مثل «کن لوچ» در فیلم «در جست‌وجوی اریک» روی وجه «جامعه بدون هواداران» یک تمیم تأکید دارند. اگر هواداران دیگر نتوانند به استادبوم بروند یا دور هم جمع شوند آیا باز هم چیزی به اسم «جامعه هواداران» خواهیم داشت؟**

تصورم این است که تا مدتی، جامعه هواداری مشغول تغذیه از الگوهای قبلی است. یعنی در واکنش‌های هوادارها در فضای مجازی یا در محیط دیگری که امکان ثبت واکنش وجود داشته باشد، رفتارها تقلید همان چیزی خواهد بود که پیش از دوران شیوع این بیماری وجود داشته. باز تولید همان الگوهاست. پیروی از همان قاعده‌ها. اما اگر واقعا باز این را بنگاریم که برای طولانی مدت شرایط همین باقی بماند، بعد از مدتی، آن راجع‌ها بی‌معنی خواهد شد و جامعه هواداری نیازمند الگوهای تازه خواهد شد. چون مصداق‌ها عوض می‌شود. شرایط تماشاها تغییر می‌کند. باز یکتان جابه‌جا می‌شوند، مری‌ها جابه‌جا می‌شوند و تغییرات رخ می‌دهد که در هر باشگاهی محتمل است. اوضاع دنیا هم عوض خواهد شد. کم کم آن مدل هواداری جنبه‌های تاریخی پیدا می‌کند. دیگر به روز نیست. در این صورت می‌شود حسد در شبکه‌های اجتماعی به گون هواداری تبدیل بشود یعنی قابل پیش‌بینی است که همه آن چه در محیط برگزار می‌شود و فضای اطراف رخ می‌داده جلا منتقل شود به فضای مجازی اینکه باز خورد چنین وضعیتی روی کیفیت و شرایط مسابقات خواهد باشد، چیزی است که تخمین درنشدن شوا را است.

در فصل ۲۰۱۹-۲۰ لایگا

رنال قهرمان شد



مربی به حساب می‌آید. رنال ژالاردیدر بازی‌های دوران پساکرونا رکورد جالب ۱۰ بازی و ۱۰ برد به ثبت رساند. آنها در این تعداد بازی ۱۹ گل به ثمر رساندند و تنها چهار بار دروازه خودشان را باز شده دیدند. کورتوا در این ۱۰ بازی ۶ گلین شیت به ثبت رساند. زیدان نیز با این قهرمانی به رکورد فوق‌العاده هر ۱۹ بازی یک جام در رنال مادرید دست پیدا کرد. رکوردی افسانه‌ای که بعید به نظر می‌رسد کسی بتواند حتی نزدیکش هم بشود. نابغه فرانسوی در مدت زمان حضور تقریباً چهار ساله‌اش در رنال مادرید، دو لایگاسه حضور داشته و دو سوپر کاپ اروپا، دو سوپر کاپ اسپانیا و دو جام باشگاه‌های جهان فتح کرده است که مجموعاً ۱۱ جام می‌شود. این در حالی است که زیدان هنوز شانس دارد با جبران شکست دو بر یک بازی رفت مقابل منچسترسیتی در لیگ قهرمانان به سمت چهارمین چمپیونزلیگ و دوازدهمین جامش نیز یورش ببرد. در دیگر دیدار مهم جمعه شب لایگا بارسلونا در خانه از اوساسونا پذیرایی کرد اما در شبی که باید می‌برد تا حداقل امیدهایش را برای رسیدن به قهرمانی زنده نگه دارد، با نتیجه دو بر یک شکست خورد. لیونل مسی یک گل تیمش را از روی یک ضربه گلشسته به ثمر رساند اما نتوانست مانع از شکست تیمش شود. مسی در پایان بازی در حالی که بسیار عصبانی بود قهرمانی رنال مادرید را منصفانه و بر اساس شایستگی عنوان کرد و در انتقاد به وضعیت تیمش گفت با این شرایط در چمپیونزلیگ هم بارسلونا به چیزی نخواهد رسید.

لیگ برتر

فدراسیون در پی تشخیص عمدی یا سهوی بودن اشتباهات داوری

سر ذوب‌آهن را بریدند

نظر نمی‌رسید شدت این عمل قدری بوده باشد که پناثی اعلام شود. پناثی این بار توسط قائم اسلامی خواه به گل تبدیل شد تا بازی یک یک شود. در نیمه دوم در دقیقه ۵۰ ذوبی‌ها به اشتباه دروازه خود را باز کردند تا دو بر یک عقب بیفتند. در دقیقه ۷۲ باز یکتان میزان معتقد بودند توپ در محوطه جریمه ماشین به دست مدافع این تیم خورده اما داور بازنده نشود. اشتباهات او و تیم داوری‌اش اقتدر در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد و واکنش‌های مختلفی را برانگیخت که کمیت‌ه داوران بلافاصله بعد از بازی مجبور به برگزاری جلسه فوق‌العاده شد. دو تیم ذوب‌آهن و ماشین‌سازی تبریز در هفته بیست‌وپنجم لیگ بر تر در اصفهان به مصاف هم رفتند. این بازی از یک جنبه بسیار مهم بود. دو تیم با اختلافی یک امتیازی در رده‌های یازدهم و دوازدهم ایستاده بودند. هر دو تیم خطر سقوط را احساس می‌کردند و برای رهایی از چنین وضعیتی نیاز به پیروزی در این بازی اصطلاحاً امتیازی داشتند. هر دو تیم هم در هفته‌های قبل تغییرات زیادی روی نیمکت‌شان شاهد بودند. بوناچچ بعد از سال‌ها دوری از فوتبال ایران روی نیمکت ذوب‌آهن به چشم می‌خورد و هومن افاضلی بعد استعفا از پارس جنوبی جم به ماشین‌سازی پیوسته بود. در این بازی ابتدا داور در دقیقه ۲۷ و به خاطر برخورد توپ به دست مدافع سبزپوشان یک ضربه پناثی به سود ماشین‌های اعلام کرد. این پناثی با ضربه بایک مرادی به اوت رفت. در دقیقه ۳۳ ضربه معراج اسماعیلی در دروازه ذوب‌آهن پشت سر مدافعین ماشین به حادای فرسید. او اسماعیلی فرار در موقعیت گلزنی قرار داد تا گل نخست میزبان به ثمر برسد. با این حال محسن بابایی کمک‌داور دوم بازی این گل را آف‌ساید تشخیص داد. تصویر تلویزیونی نشان می‌داد کمک‌داور و داور بازی اشتباه کرده‌اند و گل ذوبی‌ها سالم بوده. در دقیقه ۳۸ اسماعیلی فر در محوطه جریمه ماشین سرنگون شد و داور به درستی تشخیص پناثی داد و او این مار کوپچ توپ را به گل نخست‌بازی تبدیل کرد. در دقیقه ۴۳ داور یک پناثی دیگر به سود ماشین‌سازی اعلام کرد. استدلال داور این بود که روی ارسال کرنر مدافع ذوب‌آهن پیراهن بازیکن ماشین را کشیده است. گرچه این مساله در تصویر دیده شده اما به

عکس‌نوش



تورنمنت گلف Euram Bank Open این هفته و در کشور اتریش در حال برگزاری است. اتریش به داشتن زمین‌های گلف بسیار زیبا در مناطق کوهستانی و پوشیده از جنگل معروف است. جایزه این دور از رقابت پانصد هزار یورو است.

علوم اجتماعی

■ **بحث تناسب جرم و مجازات در نگاه نخست یک بحث حقوقی است اما از آنجا که بسیاری از جرائم، جرائم اجتماعی هستند به عنوان یک متخصص علوم اجتماعی بفرمایید**
از زبانی شما در این زمینه چیست؟

دقیقا، جرم‌شناسی، تعیین قوانین و جرائم و مجازات‌ها و نحوه اجرای آنها بحث‌هایی حقوقی و گاه نیز سیاسی و امنیتی هستند. از این رو من هر گاه درباره پرونده‌ای صحبت می‌کنم، ابتدا بر این نکته تأکید دارم که نه تمایل دارم، دخالتی در پرونده داشته باشم و نه صلاحیت این کار را دارم. اما به این نکته نیز توجه داشته باشیم که از دست کم قرن هفدهم به این سو اگر توصیه‌های فیلسوفان و اصحاب نظر و مصلحان اجتماعی در بسیاری از تصمیم‌گیری‌های سیاسی و حقوقی و قانونی نبوده، ممکن بود فاجیع بسیار زیادی در سراسر جهان اتفاق می‌افتد شاهد این امر باشید در قرن بیستم تا امروز بیشتر از هر دورانی داشته باشیم، زمانی که در دهه ۱۹۵۰ آمریکا سیاست‌های ضددموکراتیک خود را علیه دموکراسی‌های جهان سومی از جمله دکتر مصدق در ایران شروع کرد یا وارد جنگ کره سپس ویتنام شد، تقریباً همه جامعه‌شناسان و دانشگاهیان مسوول به سیاسیون و کسانی که مسوولیت‌های مهم دولتی داشتند نسبت به عواقب این اقدامات هشدار دادند؛ در سال‌های بعد نیز همین اتفاق تا امروز در خاورمیانه، افتاد و می‌دانیم که مهم‌ترین متفکران آمریکایی ولو یهودی (چامسکی، باتلر) همواره جزو مخالفان سرسخت سیاست‌های دولت اسراییل هشدار و هشدار داده‌اند. حتی اقتصاددانانی که خوددست‌اندر کار و مسوول بوده‌اند، نظیر جورج استیگلیتز و بل کروگمن همواره نسبت به سیاست‌های نولیبرالی در اقتصاد هشدار داده‌اند، بنابر این من فکر می‌کنم، مسوولان باید با درایت سخن کسانی که از سر دلسوزی برای کشور انتقاد و هشدار می‌دهند را بپذیرند. اینها کسانی هستند که در ایرانند و نسبت به آینده این کشور دلسوزند و در عین حال مسائل بین‌المللی و پیچیدگی‌هایش را نیز می‌شناسند و بر اساس همه این موارد نظر خود را می‌دهند. با این چشم‌انداز، تناسب جرم و مجازات برای من بحثی نسبی است. من با راه‌آعلام کرد هواپیمایی‌کنم که با مجازات‌های سنگین مخالفم زیرا امیدوارم زندانی از بین برده‌وز لحاظ اجتماعی بنابر تمام تحقیقات، ایجاد جرم‌بیشتری می‌کنند و نه عبرت، امریکار کشور‌های توسعه‌یافته تنها کشوری است که اعدام را نگه داشته و می‌بینید که یکی از خشونت‌بارترین کشورهای جهان است. در آنچه به حکم شرعی مربوط می‌شود نیز مخالفت با اعدام را در تعدادی آن نمی‌دانم زیرا بسیاری دیگر از مجازات‌های اسلامی نیز اجرا نمی‌شوند و دلایلش هم آن است که برای اجرای هر حکمی ابتدا باید حد مسوولیت جامعه و مسوولان و مجرم را سنجدید و تا زمانی که مادر یک جامعه از مانی یا نسبتاً زمانی زندگی نمی‌کنیم، مسوولیت‌های گروه‌اول سنگین است، سیاست‌های مسوولان نیز در ایران همواره این بوده که برای قصاص به دنبال طلب بخشش باشند و این را تبلیغ کنند. اما حال که ما با موضوعی روبه‌رو هستیم که هنوز در ابتدای کار، همه مخالفان و تندروهای هر دو طرف آن را به بازپیمای برای خود بدل کرده‌اند، اصرار در این زمینه را نه منطقی می‌دانم و نه عقاید که به وسیله مردم و این امر را نوعی خودزنی تلقی می‌کنم که با آگاهی یا ناخودآگاهانه دوش به دشمنان می‌رسد و زیانش به همه دلسوزان ایران.

■ **عمده جرائمی که سنگنوی قوه قضاییه به آنها اشاره کرده در حیطه برهکاری ریاستی قرار می‌گیرد. به نظر شما در این موارد، متهم اصلی کیست و آیا تنها می‌توان آن سه جوان را متهم خواند؟**

من نمی‌توانم وارد مباحث حقوقی به ویژه حقوق اسلامی شوم چون نه تخصصی دارم و نه ادعایی، اما فعلاً تا همان گونه که خود می‌گویید اگر جرم صفت «اجتماعی» را به دنبال خود دارد بنابر تعریف، جامعه نیز در آن مقصر است. فرض بگیریم تمام اتهاماتی که زده شده، درست و ثابت شده باشند، پرسش من اصولاً در این باره نیست بلکه آن است که ولواین جوانان بر تک‌این جرائم شدم‌باشند و حتی تناسب هم بنابر قوانین کشوری (نه از لحاظ در اک‌اجتماعی یا عرف بین‌المللی) وجود داشته باشد، آیا مسوولان ما می‌توانند به‌گونه‌کد خودشان و مردم به‌طور کلی در این قضیه بی‌تقصیرند؟ پرسش من این است که اگر ما می‌توانستیم کشوری داشته باشیم که بیکارگی و فقر نداشته باشد، حتی کسی به زندگی خصوصی مردم در عین احترام به یکدیگر و حفظ شئونات کاری که کلاماً ممکن است) دخالت نکند و مردم از آزادی‌ها و امکاناتی که حق‌شان است در یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان بر خوردار باشند، آیا باز هم ما شاهد چنین جرائمی که اعدام می‌شود، می‌بودیم؟ گفته می‌شود که ما نتوانستیم به این اهداف برسیم زیرا کشور دست به گریبان یک جنگ اقتصادی و فشارهای بین‌المللی و شرایط بحرانی است. این را کاملاً قبول دارم اما فکر می‌کنم این استایل بیشتر از آنکه سخت‌گیری در تصمیم‌های اخلاقی را توجیه کند باید ما را به سوی انعطاف و مهربانی و بخشش ببرد مگر خود مسوولان مادر برابر فشار و بروس کرونا سیاست آزاد کردن حداکثری زندانیان را پیش‌نگرفتند؟ آیا اگر به جای آن کار، سیاست سخت‌گیری هر چه بیشتر قضایی و زندانی کردن حداکثری را پیش می‌گرفتند، کاری بود که بتوان از آن به‌صورت عقلائی دفاع کرد؟ اینجاست ما با چنین تناقضی سروکار داریم. مسوولیت جامعه و مسوولان بسیار سنگین است. مسوولان مادر سال‌های گذشته کشور را به‌شدت به‌سوی سیاست‌های اشرافی‌گری سوق دادند و به‌نولیبرالیسم و فساد دامن زدند و روشن است که این امر به تن‌ش‌ها و شورش‌های اجتماعی می‌کشید و لی باید دانست که اگر این سیاست‌ها ادامه پیدا‌کاری که اتفاقاً ترامپ در امریکا دارد می‌کند و بهای سختی هم بایش می‌پردازد) فکر می‌کنیم، شورش و تنش و ناآرامی نخواهیم داشت؟ آن هم در شرایطی که تمام پیش‌بینی‌های سازمان‌های بین‌المللی در آن است که اثرات اقتصادی و فشار آن بر نهادهای اجتماعی بسیار بیشتر از خود بیماری خواهد بود که شاید در کمتر از یک سال دیگر همه‌شود؟ این رویکرد که تا بندری می‌توان راه‌حلی یافت تا کلان‌دست و خلاف تمام تاریخ تمدن و تاریخ دینی مادر ایران است. دولت باید به‌واکنش‌های جامعه‌نوعه‌کند و وقتی می‌بیند که حکمی چنین واکنش‌های تند را از طرف جامعه ایجاد می‌کند به‌جای آنکه بر آن اصرار بورزد که نشانه ضعف تلقی خواهد شد، انعطاف خود را نشان دهد که نشانه قدرت است. این



ستاره کاظمی / اعتماد

گفت و گو با ناصر فکوهی، جامعه‌شناس درباره ابعاد جامعه‌شناختی صدور حکم اعدام

بازی باخت – باخت از بین بردن امید در جامعه

مسلحانه از یک خانم که سلاح سر دهم راه‌اشند، دستگیر شدند. بعد از دستگیری مشخص شد

در صحنه‌هایی این افراد اماکن عمومی، بانک، اتوبوس و اقدامات خرابکارانه‌ای انجام داده بودند و با جسارت از اقدامات خود فیلمبرداری کردند تا جایی که مخالفت عمومی به این حکم در بر داشت. ساعات در برخی شبکه‌های اجتماعی تبدیل به «ترند» جهانی شده است. جرم این متهمان از سوی سنگنوی قوه قضاییه چنین اعلام شده است: «اینها در صحنه اغتشاشات دستگیر نشدند بلکه دو نفر از این افراد در صحنه سرقت

لیبرال شده، سبب شد که ایران برای نخستین بار شاهد تصویب چندین قطعنامه علیه خودش و دو صدها میلیارد درآمد نفتی به باد رفت و اشرافی‌گری کنونی پایه‌های خود را پیدا کرد و فساد به امری چنین گسترده و خارج از کنترل تبدیل شد و اعتماد به دولت به چنین سطح نازلی سقوط کرد.

■ **در روزهای اخیر شاهد واکنش میلیونی کاربران شبکه‌های اجتماعی به این موضوع بودیم که کماکان نیز ادامه دارد. ارزیابی شما از این واکنش بزرگ چیست و تحلیل جامعه‌شناختی آن چه چیزی درباره جامعه امروز ایران به ما می‌گوید؟** به نظر من کاملاً طبیعی است. متأسفانه به‌رغم هشدارها و توضیحات گسترده‌ای که ما داریم، دهیم، مسوولان شاید ز سر ناچاری هر چند وقت یکبار تصور می‌کنند که جامعه ایران را می‌توان همچون روسیه یا چین اداره کرد چون با این کشور روابط دیپلماتیک خوبی دارند. چنین توهمی برای مایسار گران تمام خواهد شد. هیچ‌کس از این کشور‌ها از هیچ لحاظ غرایب فرهنگی یا کشور ما ندارند و ما حتی یک روز هم نمی‌توانیم ایران را مثل چین یا روسیه اداره کنیم. چنین کشوری است با پیشینه‌ای تقریباً ۲۰ ساله از کمونیسم که با پیشینه کثفوسونیستی نظم و ترتیب و اطاعت پیوند خورده است. افزون بر این بخش بزرگ

■ **مادر یک جامعه آرمانی نیستیم که بخواهیم بگوییم زندان‌ها را ببندیم و همه را آزاد کنیم. اما می‌توانیم وضعیت رفاه و آزادی جامعه را بهتر کنیم تا جرایم کاهش یابند و بگوییم که مجازات‌ها را محدود کنیم به زندان‌ها شرایط انسانی‌تری بدسیم و مجازات‌های سنگین که هیچ عقو و بخششی در کارشان نیست را کنار بگذاریم زیرا بر این امر تندروی را در جامعه تشویق می‌کند و به دیگران بهانه می‌دهد که می‌شود. من فکر می‌کنم در اعدام جوانان تنها کسانی که منتفع می‌شوند، دشمنانی هستند که می‌خواهند ثابت کنند چارهای جز اعمال خشونت برای رسیدن به جامعه‌ای بهتر وجود ندارد. مساله به نظر من آن قدر روشن است که نیاز به تعبیر و تفسیر ندارد. جنگ‌طلبان در حقیقت طرفدار هیچ‌یک از طرفین جنگ نیستند بلکه طرف‌نفس‌چنگند این را درباره خشونت هم می‌توان گفت. تاریخ ۱۰۰ ساله کشور ما از مشروطه تا امروز این امر را بارها و بارها نشان داده است. تغییرات سیاسی همواره ممکن و لازم هستند، مساله شیوه رسیدن به آنهاست یا باید راه قانونی را انتخاب کرد یا خشونت را.**

■ **به نظر شما نتیجه و پیامد بر خوردهایی تند و خشن با جرائم اجتماعی به‌طور خاص صدور حکم اعدام برای این سه جوان در عرصه اجتماعی چه خواهد بود؟** به‌نظر من دو نتیجه کلما روشن و تقریباً صدر صد خواهد داشت: در سطح داخلی دامن زدن به کینه‌ها و معیند بر آتش که زیر خاکستر است یعنی انگیزه دامن به التهاباتی که به دلایل اقتصادی، بیماری کرونا و فشارهای تحریم و جنگ اقتصادی علیه ایران در همین موقعیت کنونی نیز وضعیت بحرانی دارد نتیجه بین‌المللی نیز دامن بهانه‌هایی هر چه بیشتر به محافل بین‌المللی به تقویت ادعاهای شان علیه ایران است. ما هنوز فراموش نکردیم که چطور سیاست‌های تندروانه آقای احمدی‌نژاد در امرق خیلی

اندیشه



گفته می‌زند، او را فقط اورا مستحق مجازات اعدام می‌کند؟ نتیجه و پیامد مجازات‌هایی این چنین برای جرائمی آنچنان چیست؟ آیا در جامعه کنونی ما که به دلایل مختلف شرایط اقتصادی چنین ناگوار است، بر خوردهایی این چنین اولاً متناسب و مناسب و ثانیاً شمر تمر هست؟ داغ شدن این خبر در فضای عمومی و رسانه‌ای کنونی چه نتیجه یا نتایجی برای جامعه و دولت در بر خواهد داشت؟ این پرسش‌ها را باید کتر ناصر فکوهی، استادانسان‌شناسی دانشگاه تهران در میان گذاشتیم.

آنچه سنگنوی قوه قضاییه «اقدامات خرابکارانه» خوانده، مبادرت ورزیده‌اند، صحبتی دیگر. نظام‌های حقوقی در سراسر جهان مجازات‌های متفاوتی برای جرائم مختلف تعیین می‌کنند. حکم اعدام نیز در بسیاری از کشورهای جهان برای جرم‌های مختلف مشخص شده است. اما مساله این است که آیا نباید جرم و مجازات با یکدیگر تناسب داشته باشند؟ آیا در جرائمی این چنین تنها این ۳ جوان بیست و چندساله متهم هستند؟ اینکه یک جوان دست به اعتراض یا زدی یا حتی سرقت مسلحانه، چنانکه سنگنوی قوه قضاییه

چین داخلی بر خلاف چین ساحلی در فقر بزرگی هستند و تازه چین رو به رشدی که از آن صحبت می‌شود نیز یک سرمایه‌داری دولتی روی مدل سرمایه‌داری‌های دولتی قرن نوزدهمی است، روسیه هم کشوری بوده که ۷۰ سال زیر یک حکومت کمونیستی-امنیتی سخت‌گیر مدیریت شده به علاوه هر مثلش بشدت نژادپرست و ملی‌گرای افراطی‌اند. کشور ما هیچ‌یک از این دو موقعیت را ندارد. یک کشور باتمدن چند هزار ساله با صدها فرهنگ و همزیستی صلح‌آمیز میان آنهاست که نمی‌گویم خشونت در آن وجود نداشته است. در ایران نیز ما خشونت‌های بی‌شماری از عهد باستان در تاریخ خود داشته‌ایم اما اساس کار جز در دوره‌های خاصی خشونت نبوده این کشور مثل هر کشوری نیاز به مدیریت به‌روش خود دارد. افزون بر این ایران بر خلاف چین و روسیه کشوری است که دارای ثروت انسانی به‌ویژه طبیعی خارق‌العاده‌ای نسبت به جمعیت خود است، واکنش‌هایی که روی شبکه‌ی می‌بینید البته من به‌شکل آنها نمی‌پردازم که اغلب ممکن است مورد تأیید من نباشند اما واکنش‌هایی کاملاً قابل درک است. زیرا جوانان ایرانی خود را با جوانان چینی یا روسی که اصولاً تصویری از آنان ندارند، مقایسه نمی‌کنند بلکه با جوانان کشورهای مسلمان اطراف خودمان مقایسه می‌کنند و حاضر نیستند که ثروتمندترین و قدرتمندترین و تاریخی‌ترین کشور این منطقه کمتر از

■ **باشند یا بد هیچ جوانی به‌ویژه هیچ دانشجویی در زندان باشد. جای جوانان در دانشگاه‌ها و کارخانه‌ها و پژوهشگاه‌ها و بنگاه‌های اقتصادی است که به کشور سود برسانند و نه در زندان‌ها که از آنها افرادی خطرناک به وجود بیاید یا از آن بدتر اینکه اعدام شوند و داغی ابیدی بر دل همه بماند. در عرصه بین‌المللی هم اگر داغ شدن خبر به واکنش‌های منفی بیشتر بینجامد یعنی واقعا به مجازات اعدام منجر شود به موچی از محکومیت‌ها منجر خواهد شد که در شرایطی که باید هر آن آماده مذاکره و کار دیپلماتیک باشیم، بدترین ضرر به‌ای است که می‌توان به دستگاه دیپلماتیک کشور زد.**

■ **دولت باید به واکنش‌های جامعه توجه کند و وقتی می‌بیند که حکمی چنین واکنش‌های تند را از طرف جامعه ایجاد می‌کند به جای آنکه بر آن اصرار بورزد که نشانه ضعف تلقی خواهد شد، انعطاف خود را نشان دهد که نشانه قدرت است. این امر به‌خصوص از لحاظ بین‌المللی صدق می‌کند، تندروی در عرف بین‌المللی همیشه به‌ضعیف بودن سیستم‌های سیاسی تعبیر و بر آن اساس با آن رفتار می‌شود و بر دباری و کار دیپلماتیک به اقتدار قدرت‌های سیاسی.**

■ **یک کشور با تمدن چند هزار ساله با صدها فرهنگ و همزیستی صلح‌آمیز میان آنهاست که نمی‌گویم خشونت در آن وجود نداشته است. در ایران نیز ما خشونت‌های بی‌شماری از عهد باستان در تاریخ خود داشته‌ایم اما اساس کار جز در دوره‌های خاصی خشونت نبوده. این کشور مثل هر کشوری نیاز به مدیریت به روش خود دارد.**

اندیشه

۱۵

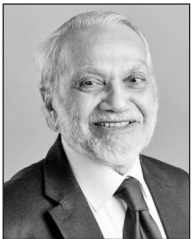
مطالعات فرهنگی

بازنگری در چند فرهنگ‌گرایی – ۲

سه شکل تنوع: خرده‌فرهنگی دیدگاهی، اشتراکی

بیخو پا رخ

ترجمه: منیر سادات مادر شاهی



برای تمایز واضح‌تر میان این دو نوع تفاوت، من واژه «تنوع فرهنگی» را برای تفاوت‌های فرهنگی به کار می‌برم، بنابر این چند فرهنگ‌گرایی را راجع به تنوع فرهنگی یا تفاوت‌هایی است که در دل فرهنگ جای دارند. اگر چه چند فرهنگ‌گرایی بخشی از سیاست به رسمیت‌شناسی است اما جنبشی متمایز نیست که رابطه‌ی مبهم با آن سیاست دارد. ۱. تنوع فرهنگی در جوامع مدرن اشکال مختلفی به خود می‌گیرد که سه نوع آن بیشتر دیده می‌شود. ۲. اول، جوامعی که اگر چه اعضای آن در یک فرهنگ اشتراکی شریکند، برخی اعضا عقاید دیگری را دنبال می‌کنند و در برخی جنبه‌های زندگی به آن عمل می‌کنند. یا روش مشخص متفاوتی از زندگی را برای خودشان ایجاد می‌کنند معنچپان، ماهیگیران روسای فراملی، هنرمندان و دیگران به این دسته تعلق دارند. همگی سیستم‌معنی و ارزش‌های مسلط جامعه خودشان را قبول دارند ولی سعی می‌کنند در داخل آن فضاهایی هم برای سبک زندگی متفاوت خود بیابند. این افراد اما پاکتر فرهنگ دیگری نیستند اما سعی می‌کنند تا فر هنگ موجود را کثرت ببخشند. ر ا تحت‌تر است که اینها را تنوع خرده‌فرهنگی بنامم.

دوم، برخی اعضای جامعه منتقد جدی برخی اصول و ارزش‌های اساسی فرهنگ مسلط هستند و دنبال بازسازی آن هستند. فمینیست‌ها به تعصب پدرسالارانه عمیقاً ریشخند از فرهنگ مسلط، مذهبی‌ها به جهت‌گیری سکولار آن، طرفداران محیط زیست به تعصب انسان‌محوری اداری آن حمله می‌کنند. این جمعیت‌ها دارای فرهنگ فرعی محسوب نمی‌شوند چون مکرراً اساس فرهنگ موجود را به چالش می‌کشند و از طرفی هم جوامعی با فرهنگ متمایز نیستند که باز از هوادیدگاه‌های خوداز دنیا زندگی کنند. اینها دیدگاه‌های روشنفکرانه‌ای درباره چگونگی بازسازی فرهنگ مسلط ترویج می‌کنند. من این نوع فرهنگی را تنوع دیدگاهی نامم.

سوم، بیشتر جوامع مدرن شامل چندین گروه خودآگاه و کمابیش سازمان‌یافته هم هستند که با سیستم عقاید و رفتارهای متمایز خودشان زندگی می‌کنند. این گروه‌ها شامل مهاجران تازه‌مصل جامعه سابقه‌دار پهلودیان، کولی‌ها و آمیش، جوامع مختلف مذهبی، گروه‌های فرهنگی که در منطقه خاصی متمرکز هستند مثل مردمان میومی پل‌سکا، کاتالان‌ها، اسکات‌ها، ولزی‌ها و کبکی‌ها می‌شود. من این

تنوع فرهنگی را تنوع اشتراکی می‌نامم. اگر چه این سه نوع از تنوع در ویژگی‌های چندی باهم مشترک هستند و گاهی اوقات در عمل همپوشانی دارند اما از جهات مهمی از هم متمایزند. تنوع خرده‌فرهنگی در دل فرهنگ عمومی است و فقط می‌خواهد آن را باز و متکثر کند. البته این بدان معنا نیست که این نوع تنوع سطحی بوده و راحت‌تر از انواع دیگر مورد پذیرش قرار می‌گیرد. وجود برخی خرده‌فرهنگ‌ها عمیقاً بستگی بسیاری از اعضای جامعه را می‌تواند به مکرر عکس‌العمل‌های شدید در پی دارد. تنوع دیدگاهی بیلگه دیدگاهی به زندگی است که فرهنگ مسلط یا بطور کلی آن را رد می‌کند. از آن رادر تئوری قبول دارد ولی در عمل ناپدیده می‌انگارد. در این نوع از نوع خرده‌فرهنگی، افراطی‌تر و کامل‌تر است و به آسانی نمی‌تواند تطبیق پیدا کند. تنوع اشتراکی کاملاً متفاوت است و از کثرت‌گرایی جوامع خیلی قدیمی سرچشمه گرفته و ادامه می‌یابد. جوامعی که هر کدام با سابقه کهن و روش زندگی خود از زور دارند که حفظ شوند و انتقال یابند. تنوع در گم‌راهیجات تنوع و سرسخت‌است، دارای حامل‌های سازمان‌یافته اجتماعی است. این تنوع بسته به عمق و نوع تقاضاهایش هم می‌تواند آسان‌تر و هم می‌تواند سخت تطبیق یابد. ۳.

واژه جامعه چندفرهنگی و چند فرهنگ‌گرایی معمولاً به جوامعی اطلاق می‌شود که همه این انواع به علاوه تنوع‌های دیگر باجامعه‌ای که دو نوع آخری یا حداقل تنوع نوع سوم را نشان بدهد. اگر چه استفاده از واژه چند فرهنگ‌گرایی برای سه نوع تنوع، خوبی‌ها و معایب خود را دارد اما جوامعی که نوع سوم تنوع را دارند بیشتر تنوع‌ها را به این صورت واژه را دارا هستند و هم به معمولاً این واژه را به این صورت به کار می‌برم. از آنجا که نوع اول و دوم تنوع در طول تاریخ در بیشتر جوامع وجود داشته، استفاده از واژه چندفرهنگی برای نوع اول و دوم به قدری زیاد است که این واژه را تقریباً بی‌فهمی کند. بر این‌قطعه تمرکز را به دست می‌رود. فراتر از آن چون تنوع اشتراکی منطقاً متمایز از بقیه است و مسائل منحصر بفردی را مطرح می‌کند، موضوع منسجم و خودکفایی برای مطالعه به‌دست می‌دهد و شایسته است که نام مشخصی داشته باشد. اگر چه فمینیسم، طرفداران محیط زیست و هنرگ‌ها یا گروه‌های تنوع نوع سوم همپوشانی دارند ولی نقطه نظر اصلی آنها باهم متفاوت است.

پی‌نوشت‌ها:

۱- نوشته‌ی من: ممکن است دیگر انواع تفاوت غیر از تفاوت فرهنگی را قبول داشته باشد، چون به تفاوت‌ها و هویت‌هایی که منشأ آن انتخاب شخصی باشد برایش ارزشمند است باز قدرت سیاسی جوامع سازمان‌یافته می‌تواند یا اینکه فکر می‌کند فرهنگ می‌تواند در جه پندگی هر می داشته و حق متفاوت ببینید. بر آن سه همیشه در شناخت تفاوت‌ها و البته نه تفاوت‌های چندفرهنگی همدلی داشته است.

۲- چون ممکن است کسی تنوع فرهنگی را بپذیرد ولی تنوع اخلاقی را نپذیرد و بالعکس، تکثر‌گرایی فرهنگی و اخلاقی لزوماً به هم مربوط نمی‌شود.

۳- اگر یک جامعه فرهنگی فقط خواستار آن باشد که کاری به کارش نداشته باشند، خواسته‌اش آسان‌تر عملی می‌شود تا اینکه خواستار تساوی کامل در تغییر ساختار اجتماعی باشد.

